

مداحان

کتاب جامع اشعار
بانت



با موضوع: حضرت امام حسن (ع)
جلد (۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بانک جامع اشعار مداحان

نویسنده:

مهدی سروری

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
بانک جامع اشعار مداحان جلد ۴	۲۴
مشخصات کتاب	۲۴
حضرت امام حسن (ع)	۲۴
ولادت	۲۴
۱- جنت نشانی از حرم توس یا حسن	۲۴
مشخصات	۲۴
متن شعر	۲۴
۲- خورشید حریم اهل بیت است حسن	۲۶
مشخصات	۲۶
متن شعر	۲۷
۳- تبارک ا... در نیمه ی ماه	۲۷
مشخصات	۲۷
متن شعر	۲۷
۴- امشب از بیت کبریا سر زد انوار جلی	۲۹
مشخصات	۲۹
متن شعر	۲۹
۵- عید است و یا نیمه ی ماه رمضان است؟	۳۰
مشخصات	۳۰
متن شعر	۳۰
۶- بر وجه حسن شبیه احمد صلوات	۳۳
مشخصات	۳۳
متن شعر	۳۳

۷- مه روی تو ، شب موی تو ، گل بوی تو دارد ۳۳

مشخصات ۳۳

متن شعر ۳۴

۸- یا حسن ای حُسن خداوندگار ۳۴

مشخصات ۳۴

متن شعر ۳۴

۹- در ماه خدا عیان شده وجه ا... ۳۵

مشخصات ۳۵

متن شعر ۳۶

۱۰- غرق نوره شور و سروره امشب حریم اهل البیت ۳۶

مشخصات ۳۶

متن شعر ۳۶

۱۱- دلی که میون سینه ی منه شده عاشق و ۳۷

مشخصات ۳۷

متن شعر ۳۸

۱۲- آهای گرفتارا بیاید درمون هر غم اومده ۳۸

مشخصات ۳۸

متن شعر ۳۸

۱۳- من که شدم خراب اون ، میخونه ی اربامون ۳۹

مشخصات ۳۹

متن شعر ۳۹

۱۴- سند قلبم و یکجا می زنم بنام دلبر ۴۰

مشخصات ۴۰

متن شعر ۴۰

- ۱۵- ای گل پاک فاطمه یا حسن یا حسن ۴۱
- مشخصات ۴۱
- متن شعر ۴۱
- ۱۶- بارونی از ستاره ، رو عاشقا می باره ۴۲
- مشخصات ۴۲
- متن شعر ۴۳
- ۱۷- تو نیمه ی ماه رمضون ماه شب چارده اومده ۴۳
- مشخصات ۴۴
- متن شعر ۴۴
- ۱۸- روزه دارم من و افطارم از آن لعل لب است ۴۵
- مشخصات ۴۵
- متن شعر ۴۵
- ۱۹- امشب ای ماه الهی آفتاب آورده ای ۴۵
- مشخصات ۴۵
- متن شعر ۴۵
- ۲۰- من کیم حجت حق واقف سر و علنم ۴۸
- مشخصات ۴۹
- متن شعر ۴۹
- ۲۱- رمضان بهشت خدا شده ز گل جمال تو یا حسن ۵۱
- مشخصات ۵۱
- متن شعر ۵۲
- ۲۲- ماهی تو که بر بام شکوه آمده است ۵۴
- مشخصات ۵۴
- متن شعر ۵۴

۲۳- بر ماه تمام ماه رحمت صلوات	۵۴
مشخصات	۵۴
متن شعر	۵۴
۲۴- ولی خدا، ثمر نبی، گهر علی، دُر فاطمه	۵۵
مشخصات	۵۵
متن شعر	۵۵
۲۵- روزگاری بود در این کهکشان	۵۵
مشخصات	۵۵
متن شعر	۵۶
۲۶- رمضان سفره ی مهمانی مخصوص خداوند	۵۸
مشخصات	۵۸
متن شعر	۵۸
۲۷- جلوه گر طلعت ذوالمنن آمد	۵۹
مشخصات	۶۰
متن شعر	۶۰
۲۸- ای جان محمد، جانان محمد، قرآن محمد	۶۱
مشخصات	۶۱
متن شعر	۶۱
۲۹- ماه من از تو ندیدم قمری زیباتر	۶۲
مشخصات	۶۲
متن شعر	۶۳
۳۰- اول تو را سرشته و انسان درست کرد	۶۵
مشخصات	۶۶
متن شعر	۶۶

۳۱- چونانکه خالق احد ذالمنن یکی است	۶۸
مشخصات	۶۸
متن شعر	۶۸
۳۲- سالها چشم به دنبال عبایی می گشت	۶۹
مشخصات	۶۹
متن شعر	۶۹
۳۳- زلفت شب یلدای من ، نامت بود آوای من	۷۰
مشخصات	۷۱
متن شعر	۷۱
۳۴- شب میلاد گل سرسبد گلشن طاهاست	۷۱
مشخصات	۷۱
متن شعر	۷۲
۳۵- ماه روزه و ماه ذکر و دعا مبارک است	۷۲
مشخصات	۷۲
متن شعر	۷۳
۳۶- امشب شب دلای پریشونه	۷۴
مشخصات	۷۴
متن شعر	۷۴
۳۷- روی طاق دل نوشتم یا حسن عشق بی قرینه	۷۵
مشخصات	۷۵
متن شعر	۷۵
۳۸- عجب حکایتی شده شور و قیامتی شده	۷۵
مشخصات	۷۵
متن شعر	۷۶

۳۹- نیمه ی ماه مبارک سفره ی افطاری بازه	۷۶
مشخصات	۷۶
متن شعر	۷۶
۴۰- بر این دل ما صفا بده زهرا جان	۷۷
مشخصات	۷۷
متن شعر	۷۸
۴۱- به جلوه مظهر رب رحیم آمده است	۷۸
مشخصات	۷۸
متن شعر	۷۸
۴۲- امشب ز سما نور خدا می آید	۷۸
مشخصات	۷۸
متن شعر	۷۹
۴۳- خدا مرا مدیون الحسن نمود	۷۹
مشخصات	۷۹
متن شعر	۷۹
۴۴- دوست دارم به عشق یار بی قرینه	۸۰
مشخصات	۸۰
متن شعر	۸۰
۴۵- مرغ دل من پریده و داره می خونه	۸۱
مشخصات	۸۱
متن شعر	۸۱
۴۶- دلی که به عشق تو پر می زنه ...	۸۲
مشخصات	۸۲
متن شعر	۸۳

۴۷- شاهنشهی که در دو جهان رهنما بود	۸۳
مشخصات	۸۳
متن شعر	۸۴
۴۸- هیچ کس زیباتر از تو یوسف زهرا ندید	۸۴
مشخصات	۸۴
متن شعر	۸۵
۴۹- امشب دلم هوای میخانه کرده ساقی	۸۵
مشخصات	۸۵
متن شعر	۸۶
۵۰- نیمه ی ماه و دلم در پی قرص قمر است	۸۷
مشخصات	۸۷
متن شعر	۸۷
۵۱- حس خوبی است که امشب به زبان آمده است	۸۷
مشخصات	۸۷
متن شعر	۸۷
۵۲- من می خوام کبوتر بقیع باشم	۸۹
مشخصات	۸۹
متن شعر	۹۰
۵۳- هله ای اهل ولا مژده که امشب شب ...	۹۰
مشخصات	۹۰
متن شعر	۹۱
۵۴- سلام ای میوه ی جان مدینه	۹۱
مشخصات	۹۱
متن شعر	۹۲

۵۵- بحر رحمت را یکدانه گهر پیدا شد ۹۳

مشخصات ۹۳

متن شعر ۹۳

۵۶- ای در رخت جمال خداوند آشکار ۹۶

مشخصات ۹۶

متن شعر ۹۶

۵۷- آقام خدای کرمه آره وا.. آره وا... آره وا ۹۹

مشخصات ۹۹

متن شعر ۹۹

فضائل ۹۹

۱- ای سراپا حسن امام حسن ۹۹

مشخصات ۹۹

متن شعر ۱۰۰

۲- خنده ی ختم رسل می شکفد از لب تو ۱۰۱

مشخصات ۱۰۱

متن شعر ۱۰۱

۳- ایها الناس بدانید گدای حسنم ۱۰۳

مشخصات ۱۰۳

متن شعر ۱۰۳

۴- الهی بمیرم برای غریب شهر مدینه ۱۰۴

مشخصات ۱۰۴

متن شعر ۱۰۴

۵- ای پسر اول زهرا حسن ۱۰۵

مشخصات ۱۰۵

- ۱۰۵----- متن شعر
- ۱۰۷----- ۶- گشته ام محزون و نالان اشکبار مجتبی
- ۱۰۷----- مشخصات
- ۱۰۷----- متن شعر
- ۱۰۸----- ۷- ای شبل نبی و حجت حق
- ۱۰۸----- مشخصات
- ۱۰۸----- متن شعر
- ۱۰۹----- ۸- از نام حسن به فرق تاجی دارم
- ۱۰۹----- مشخصات
- ۱۰۹----- متن شعر
- ۱۰۹----- ۹- ای سبط پیمبر ، پسر حضرت حیدر
- ۱۰۹----- مشخصات
- ۱۱۰----- متن شعر
- ۱۱۰----- ۱۰- سر چشمه ی فضیلت و جود و سخا حسن
- ۱۱۰----- مشخصات
- ۱۱۱----- متن شعر
- ۱۱۱----- ۱۱- آتش از مهر تو می گردد گلستان یا حسن
- ۱۱۱----- مشخصات
- ۱۱۱----- متن شعر
- ۱۱۲----- ۱۲- عشق بود در بدر کوی تو
- ۱۱۲----- مشخصات
- ۱۱۲----- متن شعر
- ۱۱۳----- ۱۳- ای دو جهان فدا یا حسن بن علی
- ۱۱۳----- مشخصات

۱۱۳	متن شعر
۱۱۵	۱۴- گل پسر شیر خدا کریم آل فاطمه
۱۱۵	مشخصات
۱۱۵	متن شعر
۱۱۵	۱۵- باز دل غریب من سوی مدینه پر زده
۱۱۵	مشخصات
۱۱۶	متن شعر
۱۱۶	۱۶- سفره ی لطف چه پر فروغه
۱۱۶	مشخصات
۱۱۶	متن شعر
۱۱۷	۱۷- گل را به رونمای حسن آفریده اند
۱۱۷	مشخصات
۱۱۸	متن شعر
۱۱۸	۱۸- ای کمال حُسن داور یا حسن
۱۱۸	مشخصات
۱۱۹	متن شعر
۱۲۰	۱۹- ای ز رخت حُسن خدا منجلی
۱۲۰	مشخصات
۱۲۰	متن شعر
۱۲۱	۲۰- به قبله ی همه من قبله ام به قبله قسم
۱۲۱	مشخصات
۱۲۱	متن شعر
۱۲۲	۲۱- ای جگر گوشه ی زهرا گل گلزار رسول
۱۲۳	مشخصات

۱۲۳	متن شعر
۱۲۳	۲۲- امشب هوای غربت رخنه به سینه کرده
۱۲۳	مشخصات
۱۲۴	متن شعر
۱۲۴	۲۳- اون که دستگیر منه خونش پر از جبرئيله
۱۲۴	مشخصات
۱۲۵	متن شعر
۱۲۶	۲۴- عمری گرفتار دردم من سائلی دوره کردم
۱۲۶	مشخصات
۱۲۶	متن شعر
۱۲۷	۲۵- ای تو با قلبم صمیمی یا حسن
۱۲۷	مشخصات
۱۲۷	متن شعر
۱۲۸	۲۶- حسن ریحانه ی گلزار طاهاست
۱۲۸	مشخصات
۱۲۹	متن شعر
۱۲۹	۲۷- به درت دست توسل زده ام
۱۲۹	مشخصات
۱۳۰	متن شعر
۱۳۱	۲۸- ای ز حُسن روی تو دیده منجلی
۱۳۱	مشخصات
۱۳۱	متن شعر
۱۳۲	۲۹- ای مظهر جمال جمیل خدا حسن
۱۳۲	مشخصات

۱۳۲	متن شعر
۱۳۳	۳۰- دوش افتادم به حال احتضار
۱۳۳	مشخصات
۱۳۴	متن شعر
۱۳۵	۳۱- من سبط اکبر پاره ی قلب رسولم
۱۳۵	مشخصات
۱۳۶	متن شعر
۱۳۷	۳۲- هر جا که سائلی است بود خانه ی کریم
۱۳۷	مشخصات
۱۳۷	متن شعر
۱۳۷	۳۳- خادم کوی تو میکائیل است
۱۳۷	مشخصات
۱۳۸	متن شعر
۱۳۸	۳۴- آخر یه روز شیعه برات حرم می سازه
۱۳۸	مشخصات
۱۳۸	متن شعر
۱۳۹	۳۵- ما شیعه ی آل مرتضی می باشیم
۱۳۹	مشخصات
۱۳۹	متن شعر
۱۳۹	۳۶- نه گرد تو و نه گرد من می گردد
۱۳۹	مشخصات
۱۳۹	متن شعر
۱۴۰	۳۷- تو شمع ی و بزم دل انجمن
۱۴۰	مشخصات

۱۴۰	متن شعر
۱۴۲	۳۸- آتشی شعله ور ز آه من است
۱۴۲	مشخصات
۱۴۲	متن شعر
۱۴۷	۳۹- ای کرامت به تو تمام حسن
۱۴۷	مشخصات
۱۴۷	متن شعر
۱۵۰	۴۰- ای کائنات سفره ی عام تو یا حسن
۱۵۰	مشخصات
۱۵۰	متن شعر
۱۵۳	قبل از شهادت
۱۵۳	۱- چشم مهتاب به حال من بیدار گریست
۱۵۳	مشخصات
۱۵۴	متن شعر
۱۵۴	شهادت
۱۵۴	۱- چراغ و چشم رسول خدا امام حسن
۱۵۴	مشخصات
۱۵۵	متن شعر
۱۵۶	۲- زینب نفسای آخرم، زینب بیا دم بستم
۱۵۶	مشخصات
۱۵۶	متن شعر
۱۵۷	۳- ای غریب در، انجمن مظلوم
۱۵۷	مشخصات
۱۵۷	متن شعر

- ۴- تشنه ام تشنه ز پا تا سر من می سوزد ۱۵۸
- مشخصات ۱۵۸
- متن شعر ۱۵۹
- ۵- نمی خواهم بگویم آنچه بین کوچه ها دیدم ۱۵۹
- مشخصات ۱۵۹
- متن شعر ۱۶۰
- ۶- من که از دور کودکی، عقده ها مانده در دلم ۱۶۰
- مشخصات ۱۶۰
- متن شعر ۱۶۰
- ۷- ای غریب وطن یابن رسول ا... ۱۶۱
- مشخصات ۱۶۱
- متن شعر ۱۶۲
- ۸- آسمون غریب تر از بچه ی زهرا ندیده ۱۶۳
- مشخصات ۱۶۳
- متن شعر ۱۶۳
- ۹- تنها میان کوچه ها من دیده بودم ۱۶۳
- مشخصات ۱۶۳
- متن شعر ۱۶۴
- ۱۰- من غریبم من غریبم غریبم می زنه آتیش ۱۶۴
- مشخصات ۱۶۴
- متن شعر ۱۶۴
- ۱۱- ای مثل پدر بر تو شده، ظلم فراوان ۱۶۵
- مشخصات ۱۶۵
- متن شعر ۱۶۵

۱۶۶ ۱۲- دم آخر، دل مضطر، یه غریبه توی بستر

۱۶۶ مشخصات

۱۶۷ متن شعر

۱۶۷ ۱۳- من جگر پاره ی زهرایم و پاره جگرم

۱۶۷ مشخصات

۱۶۷ متن شعر

۱۶۸ ۱۴- ای مدینه غریب غریبم

۱۶۸ مشخصات

۱۶۸ متن شعر

۱۶۹ ۱۵- بعد مرگم از شما هرکس سراغم را گرفت

۱۶۹ مشخصات

۱۶۹ متن شعر

۱۷۰ ۱۶- مدینه ای مدینه ، خدا نگهدار تو

۱۷۰ مشخصات

۱۷۰ متن شعر

۱۷۱ ۱۷- غریب بن غریب شهر یثرب بین بستر

۱۷۱ مشخصات

۱۷۱ متن شعر

۱۷۱ ۱۸- می روم تنها در موج غمها ...

۱۷۱ مشخصات

۱۷۲ متن شعر

۱۷۲ ۱۹- خواهر خوب و نازنین دلشورت و کنار بذار

۱۷۲ مشخصات

۱۷۳ متن شعر

۲۰- غم طفلی فراموشم نرفته ۱۷۳

مشخصات ۱۷۳

متن شعر ۱۷۳

۲۱- ای جگر گوشه ی فاطمه مادرم ۱۷۳

مشخصات ۱۷۳

متن شعر ۱۷۴

۲۲- درد است مرا و بی طبیبم مادر ۱۷۴

مشخصات ۱۷۴

متن شعر ۱۷۴

۲۳- مدینه در هياهو ی فغان و ناله افتاده ۱۷۵

مشخصات ۱۷۵

متن شعر ۱۷۵

۲۴- چسان گویم (۲) حدیث دل را ای مدینه ۱۷۵

مشخصات ۱۷۵

متن شعر ۱۷۶

۲۵- میون حجره ی غربت خسته دل در تب و تابم ۱۷۶

مشخصات ۱۷۷

متن شعر ۱۷۷

۲۶- تنها ترین امام مدینه برادرم ۱۷۷

مشخصات ۱۷۷

متن شعر ۱۷۷

۲۷- من امیر دل ولی داووم ۱۷۸

مشخصات ۱۷۸

متن شعر ۱۷۸

۱۸۰	۲۸- شرار از قلب من می زد زبانه
۱۸۰	مشخصات
۱۸۰	متن شعر
۱۸۱	۲۹- اِخا ، بخاطر بغض علی کشتند ترا
۱۸۱	مشخصات
۱۸۱	متن شعر
۱۸۲	۳۰- ای کتاب غم قصه ی صبرت
۱۸۲	مشخصات
۱۸۲	متن شعر
۱۸۳	۳۱- ناله ها امشب در گلو دارم
۱۸۳	مشخصات
۱۸۳	متن شعر
۱۸۴	۳۲- بر روی شانه ها می رود پیکری
۱۸۴	مشخصات
۱۸۴	متن شعر
۱۸۵	۳۳- دلم از غصه و غم شده مضطر علی
۱۸۵	مشخصات
۱۸۵	متن شعر
۱۸۶	۳۴- ماهیان گریه کنید، که حسن مظلوم است
۱۸۶	مشخصات
۱۸۶	متن شعر
۱۸۷	۳۵- آه ، گل یاسمنم ، خموش از سخنم
۱۸۷	مشخصات
۱۸۸	متن شعر

۳۶- ای آهوان صحرا ای ماهیان دریا ۱۸۹

مشخصات ۱۸۹

متن شعر ۱۸۹

۳۷- الا که زیر سایه ات همه زمین و آسمان ۱۸۹

مشخصات ۱۹۰

متن شعر ۱۹۰

۳۸- از طعنه ها من خسته ام، بار سفر را بسته ام ۱۹۰

مشخصات ۱۹۰

متن شعر ۱۹۰

۳۹- آنان که تو را ستم فروان کردند ۱۹۲

مشخصات ۱۹۲

متن شعر ۱۹۲

۴۰- روز رنج و محن است، رخت مائیم به تن است ۱۹۲

مشخصات ۱۹۲

متن شعر ۱۹۲

۴۱- ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن ۱۹۳

مشخصات ۱۹۳

متن شعر ۱۹۴

۴۲- ز سر تا پا همه دردم اجل باشد طبیبم ۱۹۵

مشخصات ۱۹۵

متن شعر ۱۹۵

۴۳- قوت همه شب خون جگر بود حسن جان ۱۹۶

مشخصات ۱۹۶

متن شعر ۱۹۶

۴۴- سینه ام دشت آتشستان شد ۱۹۷

مشخصات ۱۹۷

متن شعر ۱۹۷

۴۵- انگار قلب ما را یکسر کباب کردند ۱۹۸

مشخصات ۱۹۸

متن شعر ۱۹۸

۴۶- نیست کس غیر از خدا آگاه از سوز نهانم ۱۹۹

مشخصات ۱۹۹

متن شعر ۱۹۹

۴۷- الا جمال تو حُسن خدا امام حسن ۲۰۰

مشخصات ۲۰۰

متن شعر ۲۰۰

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۰۲

بانک جامع اشعار مداحان جلد ۴

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
 عنوان و نام پدیدآور: بانک جامع اشعار مداحان (جلد ۴) / مهدی سروری (مداح)
 مشخصات نشر: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.
 مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه
 موضوع: حضرت امام حسن (ع)

حضرت امام حسن (ع)

ولادت

۱- جنت نشانی از حرم توست یا حسن

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک مرثیه
 قالب ترکیب بند
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع از صیام تا قیام ۳
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

جنت نشانی از حرم توست یا حسن
 فردوس سائل کرم توست یا حسن
 تنها نه آسمان و زمین عالم وجود
 در زیر سایه ی علم توست یا حسن
 عرش خدا مدینه، دل انبیا بقیع
 جان شمع روشن حرم توست یا حسن
 عالم اگر ثنای تو گویند صبح و شام
 تا صبح روز حشر کم توست یا حسن
 سرتا به پات حسن خداوند سرمد است
 آیینه ی تمام نمای محمد است

دریای نور در دهنّت آفریده‌اند
 آیات وحی در سخت آفریده‌اند
 سر تا به پات آینه‌ی حسن کبریاست
 در بین پنج تن حسنت آفریده‌اند
 انفاس آسمانی عیسی مسیح را
 از لحظه‌های دم زدنت آفریده‌اند
 بینایی دو دیده‌ی یعقوب را درست
 از بوی عطر پیراهنت آفریده‌اند
 سرو ریاض آرزوی ختم انبیا
 باغ بهشت یاسمنت آفریده‌اند
 آینه‌ی محمد و زهرا و حیدری
 از هر چه گفته‌اند و نگفتند برتری

منظومه‌ی نبوت و شمس امامتی
 الگوی عزّت و شرف و استقامتی
 در چارده کریم که روح کرامتند
 مشهورتر به لطف و عطا و کرامتی
 با نام تو جحیم شود بوستان گل
 تنها به یک نگاه شفیع قیامتی
 بی مهر تو تمام عبادات جن و انس
 در حشر نیست غیر زیان و غرامتی
 تا حشر بر ریاض جنان ناز می‌کنم
 گر باشدم شبی به بقیعت اقامتی
 دورم اگر ز صحن و سرای بقیع تو
 چشمم بود به پنجره‌های بقیع تو

هر روز صبح، مرغ دلم ز آشیان خود
 پرواز می‌کند به هوای بقیع تو
 با آنکه نیست قبه و ایوان حائرش
 سبقت برد ز کعبه، صفای بقیع تو
 بوی بهشت می‌وزد از خاک زائرت
 ای جان عالمی به فدای بقیع تو

پیوسته زائر حرمت روح انبیاست
 بالله قسم حریم تو آغوش کبریاست

تو مظهر خدایی و جان پیمبری
 قرآن مصطفی به سر دست حیدری
 هم دومین وصی رسول مکرمی
 هم اولین سلاله ی زهرای اطهری
 باید سرود مدح تو را با زبان وحی
 کز وصف جن و انس و ملائک فراتری
 حُسن خدا به حُسن تو دیدار می شود
 چون حُسن بی حدود خدا را تو مظهری
 هم صبر توست حکم خدا هم قیام تو
 در هر دو حال بر همه مولا و رهبری
 چون و چرا به کار تو خود کفر دیگر است
 چون و چرا به کار خداوند اکبر است

ای دین حق به صبر تو پاینده یا حسن
 صبرت حدیث نهضت آینده یا حسن
 صبر تو بود تیغ خداوند در غلاف
 صلحت به خصم، ضربه ی کوبنده یا حسن
 صلح تو و معاویه؟! باور نمی کنم
 دشمن ز کار توست سرافکنده یا حسن
 تو خود تمام دینی و او خود تمام کفر
 او تیرگی، تو مهر فروزنده یا حسن
 تا بود، بود حق به وجود تو پایدار
 تا هست، هست دین ز دمت زنده یا حسن
 شمشیر شیر حق همه جا در نیام توست
 «میثم» هماره پیرو صلح و قیام توست

۲- خورشید حریم اهل بیت است حسن

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خورشید حریم اهل بیت است حسن
مجموع شمیم اهل بیت است حسن
امشب تو از او هر آنچه خواهی بطلب
زیرا که کریم اهل بیت است حسن

۳- تبارک ... در نیمه ی ماه**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تبارک ... در نیمه ی ماه
به روی دست فاطمه دختر احمد
سر زده در ماه خدا ماه محمد
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

شب سرور است طلوع نور است
غرق شعف خانه حیدر شده امشب

که حضرت فاطمه مادر شده امشب
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

ماه صیام است روح قیام است
حسن خدا آینه محمد آمد
ولادت کریم آل احمد آمد
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

شمس ولایت نور هدایت
سر زده از دامن صدیقه ی کبری
وصی دوم نبی یوسف زهرا
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

سلام احمد سلام حیدر
بر حسن بن علی و بر گل رویش
سوره «اللیل» سواد تار مویش
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

ساقی کوثر جان پیمبر
نخل ولایت ثمرت باد مبارک
فاطمه قرص قمرت باد مبارک
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

خواجه ی لولاک این گهر پاک
بر علی و به دخترت باد مبارک
عید یگانه پسرت باد مبارک
دسته گل پنج تن آمد
یوسف زهرا حسن آمد

۴- امشب از بیت کبریا سر زد انوار جلی

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب از بیت کبریا سر زد انوار جلی
 روشن شد بر رخ حسن چشم زهرا و علی
 از شعف محشر شد امشب، وجد پیغمبر شد امشب
 مرتضی گردیده بابا، فاطمه مادر شد امشب
 یا حسن عیدت مبارک (۲)

این حسن حی سرمد است جان عالم به فداش
 این سر تا پا محمد است جان عالم به فداش
 شد جهان خلد خلد، یا محمد یا محمد
 از بهشت حق تعالی، میوه ی قلبت خوش آمد
 یا حسن عیدت مبارک (۲)

این ماه ختم الانبیا این ماه ماه خداست
 این شمع جمع اهل بیت رویش مصباح هداست
 زاده ی خیرالانام است، رهبر صلح و قیام است
 در قعود و در قیامش، بر همه عالم امام است
 یا حسن عیدت مبارک (۲)

یابن زهرا امام تو مولای همه ای
 مرآت حسن کبریا فرزند فاطمه ای

سیدی رو سوی ما کن، لطفی از بهر خدا کن
 تو کریم اهل بیتی، بر همه عیدی عطا کن
 یا حسن عیدت مبارک (۲)

امشب خورشید عارضت شد شمع محفل ما
 امشب دور مدینه ات گردد مرغ دل ما
 ای سر و جانم فدایت، ای دلم صحن و سرایت
 باید امشب یابن زهرا، جان دهم بر رو نمایت
 یا حسن عیدت مبارک (۲)

۵- عید است و یا نیمه ی ماه رمضان است؟

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک مرثیه
 قالب ترکیب بند
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع از صیام تا قیام ۳
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

عید است و یا نیمه ی ماه رمضان است؟
 از هر دو بگویم که هم این است و هم آن است
 عیدی که به ماه رمضان داد تجلی
 ماهی که در آن روی خداوند، عیان است
 ریزد در مدح حسن از درج دهان‌ها
 یا نام دل‌انگیز حسن نقل دهان است
 قرآن علی در بغل ام‌بیهاست
 بر خال و خطش چشم محمد نگران است
 این بضعه ی پیغمبر و این یوسف زهراست
 این جان جهان جان جهان جان جهان است
 در بین امامان به کرامت شده مشهور

یک گوشه ز بیت‌الکرمش باغ جنان است
 سر تا به قدم یکسره روح است چه روحی
 روحی است که بر پیکر توحید روان است
 تا حشر زند از گلوی خون خدا موج
 خونی که به رگ‌های حسن در جریان است
 صبرش سپر سینه‌ی دین بود، و گرنه
 هر یک مژده‌اش تیر و دو ابروش کمان است
 داند چو پدر در کند از قلعه‌ی خیبر
 آنجا که عین است چه حاجت به بیان است
 با چشم خیالش منگر فوق خیال است
 در حق گمانش نشمر فوق گمان است
 گر پایه‌ی قدرش نگری فوق گمان‌ها
 ور مدّت عمرش نگری کلّ زمان است
 در خال و خطش هر چه بخوانید و ببینید
 از بوسه‌ی پیغمبر اسلام نشان است

این ماه رسول است که از ماه صیامش
 پیوسته درود و صلوات است و سلامش
 برتر بود از منقبت و مدح خلائق
 قدر و شرف و عزت و اجلال و مقامش
 روشن شده چشم علی از پرتو حسنش
 شیرین شده کام نبی از شهد کلامش
 هم فوج ملایک همه افتاده به خاکش
 هم خیل نبیین همه خواندند امامش
 رضوان اگر از دوستی‌اش دست بدارد
 والله قسم بوی بهشت است حرامش
 دشنام شنیدن کرم و لطف نمودن
 این است همان عادت و احسان و مرامش
 بر آب بقا ناز کند تا صف محشر
 گر خضر گذارد لب خود بر لب جامش
 در حسن خدایش ببینید و ببینید
 خلق خوش جد خوی پدر عصمت مامش
 از بس که حسن در حسن است و همه حُسن است

از سوی خداوند حسن آمده نامش
 نبود عجب آرند اگر دست تو شل
 خیل ملک از عرش به مرغ لب بامش
 فریاد حسین بن علی داشت سکوتش
 شمشیر شرر بار علی بود پیامش
 بر تربت بی شمع و چراغش بنویسد
 والله قسم صبر حسن بود قیامش
 زیباتر و بالاتر از این است که هر صبح
 یا مهر بخوانند و یا ماه تمامش
 بالله نگفتند نگفتند نگفتند
 گویند اگر خلق جهان مدح مدامش
 من خاتم و اوصاف گل از خار نیارید
 این کار جز از خالق دادار نیاید

این آینه ی حسن خداوند تعالاست
 این پرتو حسن ازل از صبح تجلّاست
 این سوره ی یاسین به روی دامن کوثر
 این مصحف نور است که بر شانه ی طاهاست
 این نجل علی اشرف اولاد محمّد
 این خوب‌ترین سلسله ی آدم و حواست
 گه سوره ی «والیل» و گهی سوره ی «والشمس»
 گه بر سر دست نبی و حیدر و زهراست
 در مصحف زیبای رخس سوره ی مریم
 در عطر بهشتی نفسش روح مسیحاست
 او مثل علی بر همه ی خلق، امام است
 حکمش همه جا حکم خداوند تعالاست
 گر جنگ کند، جنگ بود بر همه واجب
 و صبر کند، صبر برای همه زیباست
 هر نکته که او گفت خدا گفت خدا گفت
 هر امر که او خواست خدا خواست خدا خواست
 هر چند حیات دین، از خون حسین است
 با صبر حسن، قامت اسلام بود راست
 ما پیرو صلح حسن و جنگ حسینیم

امر است ز مولا و اطاعت همه از ماست
 گر امر به صلح آید، یا حکم به نهضت
 اسلام همان پیروی از گفته‌ی مولاست
 این صلح بود سخت‌تر از غزوه‌ی خیبر
 این صبر همان صبر علی در دل اعداست
 یارب تو گواهی که به هر واقعه ما را
 بر دامن اولاد علی دست تو لّاست
 با خون دل شیعه نوشتند ز آغاز
 دینی که خدا گفته تو لّا و تبراست
 یاران ولایت همه جا عبد خدایند
 آنان که جدا از حسنینند، جدایند

۶- بر وجه حسن شبیه احمد صلوات

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب رباعی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر وجه حسن شبیه احمد صلوات
 بر کنیه‌ی او ابا محمد صلوات
 بر مادر او زهره‌ی زهرا تبریک
 بر عصمت آن امام سرمد صلوات

۷- مه روی تو، شب موی تو، گل بوی تو دارد

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مه روی تو ، شب موی تو ، گل بوی تو دارد
 گلزار جنان خرمی از روی تو دارد
 نرگس که نظر باز بود در صف گلها
 تا چشم تو را دیده نظر سوی تو دارد

۸- یا حسن ای حُسن خداوندگار**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا حسن ای حُسن خداوندگار
 ای گل خوش رنگ گل کردگار
 ای به زمین داده نشاط و سرور
 وی به سما تاج وقار و غرور
 ای صلوات همه ی انبیاء
 بر تو و نامت حسن مجتبی
 ای متوسل شده آدم به تو
 مدح خداوند دمامم به تو
 نوح تو را خواند و ز غرقاب رست

نام تو را برد و به خشکی نشست
 جنت ز انفاس تو بستان شده
 نار خلیل از تو گلستان شده
 نطق کلیم از لب پر نور توست
 موسی عمران شدن از طور توست
 معجز احیای مسیحا تویی
 حضرت عیسای مسیحا تویی
 دلبری و دلکش و یوسف گُشی
 لیلی و مجنون همه را می گُشی
 جنت دستان نبی جای توست
 بوسه ی جبریل به لبهای توست
 گل ، علی و شبنم این گل تویی
 در ارم فاطمه بلبل تویی
 همقدمت عرش فرود آمده
 کعبه به پیشت به سجود آمده
 محمل قنداقه ات از بال حور
 پر شده مهد تو ز درّ و بلور
 جان به فدای تو و لبخند تو
 جام عسل کنج لب قند تو
 خنده کن ای گلشن راز علی
 ای لب تو مُهر نماز علی
 خنده کن و فاطمه را شاد کن
 کنج دلش را حسن آباد کن
 ای گل گلزار ولا یا حسن
 یاسمن ساقه طلا یا حسن
 مدح تو گفتن بخدا مشکل است
 درّ تو سفتن بخدا مشکل است
 ختم تمام سخنان یک کلام
 عشق خدایی بخدا والسلام

۹- در ماه خدا عیان شده وجه ا...۱

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع گلوازه های عترت

تعداد استفاده ۰

متن شعردر ماه خدا عیان شده وجه ا...
 بر فاطمه و علی گلی داده اله
 چون دید محمد حسنش را فرمود:
 لا حول ولا قوه الا با ا...
 ۱۰- غرق نوره شور و سروره امشب حریم اهل البیت**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعرغرق نوره شور و سروره امشب حریم اهل البیت
 میدونی چرا؟ میگه خدا اومده کریم اهل البیت

 غرق شادی و سرورم، مست باده ی طهورم
 آسمونیا ، کهکشونیا ، بیایید زمین تماشا
 که تو دامن پاک فاطمه خورشید اومده به دنیا

 خنده هاش زده شکوفه، نگاهش چقدر رئوفه

یه شکوفه ی لب این پسر می کنه بابا رو سر مست
پای گھوارش تموم فرشته ها می شکنن سر و دست

از گدا نمی شه خسته، درِ خورش و نبسته
پا نمی شم از درِ این خونه جای دیگه ای نمی رم
اگه دست خالی ردم کنه من باید برم بمیرم

اولین یل و امیره، اون کریم بن کریمه
سبط اکبره عشق حیدره مادرش بهش می نازه
هر کی نوکر مجتبی بشه تو قیامت سرفرازه

تو مدینه پا می ذاری، مٹ بارون بهاری
توی مصر اگه می دیدن تو رو یوسفو نمی خریدن
صد هزار زلیخای دیوونه دستاشونو می بریدن

من گدای دوره گردهم، کربلاست دواي دردم
یه حاجت دارم سر حاجتاست آخرش ازت می گیرم
دوست دارم پیام پایین پای علی اکبرت بمیرم

چشاتون دوباره دریاس، کی آورده اسم عباس
کربلا می خوی نینوا می خوی برو کارت با ابوالفضل
گره دلت حل مشکل چي می خواد یه یا ابوالفضل

۱۱- دلی که میون سینه ی منه شده عاشق و ...

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

کتف حاتم را تو بستی یا حسن
نرخ یوسف را شکستی یا حسن

دلی که میون سینه ی منه شده عاشق و تو سینه می زنه
شبه کفتر جلد حرمت اسیر دست کریم حسنه
سائل هر شب بین راهتم آهوی نشسته در پناهتم
اگه من یه عمریه حسینیم همشو مدیون یک نگاهتم
هر چی عشقه بی تو حاشا می کنم اسمتو رو قلبم املا می کنم
خودمو وقتی که یا حسن می گم تو نگاه فاطمه جا می کنم
دوست دارم خدا به من بها بده روزیمو با دستای شما بده
دیگه چیزی کم ندارم اگه که یه زیارت مدینه پا بده
یاد تو همیشه روح نمازم تو بساط عشق تو دل می بازم
یه روزی با مهدی زهرا میام براتو ضریح و گنبد می سازم
آسمونا همه زیر پر مه تاج عشق تو به روی سرمه
همه ی اهل دو عالم بدونید بدونید که فاطمه مادر مه

۱۲- آهای گرفتارا بیاید درمون هر غم اومده

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

حسن جان مهربونیت منو کشته
حسن جان عاشقت جاش تو بهشته

آهای گرفتارا بیاید درمون هر غم اومده

گداها جمع بشید بریم خدای حاتم اومده
 پر بکشید تا همه از فاطمه عیدی بگیریم
 کبوتر بقیع بشیم کنار آقا بمیریم
 دوباره پیغمبر اومد وقتی که آقا اومدی
 می گن که راه بند میومد وقتی نقاب نمی زدی
 چشم تموم سائلا به یک نگاهت اسیره
 یک نفر از در خونت بدون حاجت نمی ره
 یه شب تو خواب مسافر کوی امام حسن شدم
 غربت آقا رو دیدم سر به بیابونا زدم
 جونمو قربون می کنم براتو مرقد می سازم
 مثال امام رضا برات ضریح و گنبد می سازم
 واست سرم واست دلم واست تموم زندگیم
 خدا خودش خوب می دونه بی تو حرمه زندگیم

۱۳- من که شدم خراب اون ، میخونه ی اربابمون

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع زمزمه های ولایت ۵۴
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

من که شدم خراب اون ، میخونه ی اربابمون
 به سیم آخر می زنم ، تو نیمه ی ماه رمضون
 ندارم غیر تو دلبری تو دنیا
 می دارم سر روی پای عشق زهرا

منی که سر مستم دل به حسن بستم
 دار و ندارم امام حسن ، باغ و بهارم امام حسن

کف بزنی آید عاشقا ، خدای احساس او مده
 برادر مهربون ، حسین و عباس او مده
 منی که یه عمریم مست ابوالفضل
 می گیرم عیدیمو از دست ابوالفضل
 منی که سر مستم دل به حسن بستم
 دار و ندارم امام حسن ، باغ و بهارم امام حسن

خدا با عشق مجتبی عشقشو اظهار می کنه
 علی با بوسه از لبش روزه شو افطار می کنه
 ز جنت ملک میگه تبارک ...
 به چشمش زهرا می گه هزار ماشا ...
 منی که سر مستم دل به حسن بستم
 دار و ندارم امام حسن ، باغ و بهارم امام حسن

۱۴- سند قلبم و یکجا می زنم بنام دلبر

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک غدیری
 قالب فولکوریک
 شاعر مهربان مسعود
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

سند قلبم و یکجا می زنم بنام دلبر
 روی قلبم می نویسم وقف بچه های حیدر
 توی قلب کوچیک من یه هستیه می سازم
 اسم زیبای حسن رو رو دیوارش می نویسم
 قلب کوچیکم و در بست به حسن اجاره دادم
 یه اتاقای دلم رو وقف قاسمش نمودم
 اگه تنهایی و بیکس اگه دلربا نداری

اگه راهی تو میون جمع عاقلا نداری
 بهتره دامن عشق سبط اکبر و بگیری
 اونقده بگو حسن جان تا که جون بدی بمیری
 المثنای پیمبر سبط اکبر گل زهراست
 عالمی براش می میره بسکه زیبا و مصفاست
 وقتی با حسن رفیقی دیگه هیچی کم نداری
 اگه تنها باشی بازم بخدا که کم میاری

۱۵- ای گل پاک فاطمه یا حسن یا حسن

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای گل پاک فاطمه یا حسن یا حسن
 چشم و چراغ ما همه یا حسن یا حسن
 عید ولادت حسن آمده
 مقدم عشق بوالحسن آمده
 ای جانم: حسن جان، جانانم: حسن جان
 ای دینم: حسن جان، ایمانم: حسن جان
 یا مولا حسن جان (۴)

در شب میلاد تو من مست و دیوانه ام
 به گرد شمع روی تو مثل پروانه ام
 نور دو چشمان همه آمده
 عشق علی و فاطمه آمده
 ای روحم، ریحانم، ای دینم، ایمانم
 یا مولا حسن جان (۴)

تو شور مستی منی جان من فدایت
 تو همه هستی من و کرده دل هوایت
 عاشق و شیدای حسن منم من
 خاک کف پای حسن منم من
 یا مولا حسن جان (۴)

تویی کریم اهل بیت من گدای درت
 مکن ردم مکن ردم به حق مادرت
 عاشق سر زنده و مست توأم
 نوکر نالایق و پست توأم
 ای دینم ، آئینم ، ای هستم ، آئینم
 یا مولا حسن جان (۴)

توئی به زندگانیم همه حاصلم
 نشسته عکس روی تو روی قاب دلم
 چه می شود دعایم از سوز سینه کنی
 چه می شود که دعوتم به مدینه کنی
 عاشق و شیدای حسن منم من
 خاک کف پای حسن منم من
 ای جانم ، جانانم ، ای دینم ، قرآنم
 یا مولا حسن جان (۴)

۱۶- بارونی از ستاره ، رو عاشقا می باره

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک نوحه سنگین جدید
 قالب آهنگین
 شاعر عبدالکریمی مهدی
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

بارونی از ستاره ، رو عاشقا می باره
 شهر مدینه گویا ، مهمون تازه داره
 غم از دلم پریده ، تا صورتش رو دیده
 همه بگید ماشا ا... ، خدا چی آفریده
 سحر پیغام وصل دلبر اومد
 دلای عاشق از حسرت در اومد
 ملائک کف زنان گرم ترانه
 که سبط اکبر پیغمبر آمد
 حسن حسن یا مولا (۴)

عرش خدا مصفاست ، توی مدینه غوغاست
 دستا همه بسوی ، کریم آل طاهاست
 خدا خودش میدونه ، این آقا مهربونه
 کسی نیومد اینجا ، که بی نصیب بمونه
 همه ذرات هستی خاک پاشن
 همه پیغمبرامون مبتلاشن
 عزیز جان زهرا و علیه
 تموم عالم و آدم گداشن
 حسن حسن یا مولا (۴)

کرامتش یه دنیااست ، خیلی کریم و آفاست
 توی صف گداهاش ، حاتم طایی پیدااست
 خودش که نور عینه ، دلبر عالمینه
 اما شبیه ماها (اونم مٹ شماها) ، خاطر خواه حسین
 هزار تا یوسفم ابروش نمی شه
 همه عالم یه تار موش نمی شه
 زده آتیش به دلهای دیوونه
 که هرگز تا ابد خاموش نمی شه
 حسن حسن یا مولا (۴)

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو نیمه ی ماه رمضون ماه شب چارده اومده
 خورشید تو آفتابی نشو که خورشید زهرا سر زده
 بیاید که امشب تا سحر احیا بگیریم
 تا اذون صبح دستا رو بالا بگیریم
 چشمامون از گریه تر ، قرآنا بر روی سر ، دلا همه منتظر
 سرود اهل سما ، تو خونه ی مرتضی ، یا حسن مجتبی
 حسن کریم آل ا... (۳)

این داداش بزرگتر حضرت اربابمونه
 مثل داداشش ابوالفضل عموی صاحب زمونه
 یوسف اگه خوشکله بیاد تا که رو کنه
 هزار تا حاتم خاک رهش رو جارو کنه
 قامت رعنا داره ، صورت زیبا داره ، هزار ماشا ا... داره
 این حسن مجتباست ، این پسر مرتضاست ، کریم آل عباس
 حسن کریم آل ا... (۳)

مثل یه یا کریم رو خاک حریمت نیگام کن
 تو که کریمی آقا جون دونه بریز و دعام کن
 به زودی زود کاشکی می شد نینوا باشم
 شبای قدر ماه رمضون کربلا باشم
 تو سفره دار دلی ، تو حل هر مشکلی ، تو نقل هر محفلی
 منو ببر کربلا ، منو ببر خیمه گاه ، دیدن ایوون طلا
 حسن کریم آل ا... (۳)

۱۸- روزه دارم من و افطارم از آن لعل لب است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روزه دارم من و افطارم از آن لعل لب است
 آری افطار رطب در رمضان مستحب است
 روز ماه رمضان زلف میفشان که فقیه
 بخورد روزه ی خود را به گمانش که شب است

بنگر به مرتضی که در این ماه روزه را
 با بوسه از لب حسن افطار می کند

۱۹- امشب ای ماه الهی آفتاب آورده ای

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب ای ماه الهی آفتاب آورده ای

اختری تابان ز برج بوتراب آورده ای
 گلبن سبز ولایت را گلاب آورده ای
 یا که از بحر نبوت درّ ناب آورده ای
 شادی و وجد سرور بی حساب آورده ای
 پای تا سر احمد ختمی مآب آورده ای
 کوثر طاها دلت روشن تبارک زاده ای
 این مبارک ماه را ماه مبارک زاده ای

ملک هستی غرق در انوار پا تا سر شده
 جلوه گر در ماه حق ماهی خدا منظر شده
 روشن از خورشید حُسنش چشم پیغمبر شده
 پای تا سر غرق شادی و شمع حیدر شده
 بر همه معلوم سرّ سوره ی کوثر شده
 یا محمد یا محمد دخترت مادر شده
 عزت و مجد و جلال کبریایی را بین
 در گل روی حسن حُسن خدایی را بین

می توان دیدن جمال غیب را در این جمال
 می توان خواندش چو ذات بی مثالش بی مثال
 صاحبان عقل مات این جمال و این جلال
 عارفان دهر محو این صفات و این کمال
 کبریا وجه و علی آئین و احمد خط و خال
 کرده بیت وحی را یکباره غرق شور و حال
 گاه حیدر داردش چون کعبه ی جان در بغل
 گاه محمد گیردش مانند قرآن در بغل

حُسن ها بر گرد شمع عارضش پروانه ای
 خلدها از بوستان طلعتش ریحانه ای
 حلم ها در پیش حلم حضرتش افسانه ای
 قدسیان در آستان قدس او بیگانه ای
 اختران هر یک به بحر رحمتش دردانه ای
 آسمان از کوثر احسان او پیمانه ای
 ماه کنعان ولایت یوسف زهراست این

اولین فرزند حیدر دومین مولا است این

دامن ماه صیام امشب دهد بوی حسن
آسمان ها سجده آوردند در کوی حسن
مهر ، خود را کرده گم در پرتو روی حسن
ماه زیبایی گرفت از حُسن دلجوی حسن
سوره ی واللیل خود را بسته بر موی حسن
آیه ی والشمس گردیده ثناگوی حسن
ابر لطف و رحمتش بر خلق بارد بیشتر
آنچه خوبان سر به سر دارند دارد بیشتر

این کریم اهل بیت این مظهر لطف خداست
این امام دوم این اول عزیز مصطفاست
این فروغ سوم این چارم نفر ز اهل کساست
این گرامی وارث صبر علی مرتضاست
این به صلحش فُلك سرگردان دین را ناخداست
این صراط ا... اعظم این امام مجتباست
هم سپهری ها زعیم اهل بیتش خوانده اند
هم زمینی ها کریم اهل بیتش خوانده اند

روح اهل خلد و ریحان بهشت است این پسر
بلکه طاووس گلستان بهشت است این پسر
سرو خوشرفتار بستان بهشت است این پسر
جان آل ا... و جانان بهشت است این پسر
آفتاب صبح ایوان بهشت است این پسر
سید جمع جوانان بهشت است این پسر
ای تمام شیعیان این است مولای شما
ای جوانان بهشت این است آقای شما

سرّ دشمن بر ملا گردید با صبر حسن
جاودان دین خدا گردید با صبر حسن
حق ز باطل ها جدا گردید با صبر حسن
هستی دشمن فنا گردید با صبر حسن

نهضت عترت بپا گردید با صبر حسن
 کربلا کربلا گردید با صبر حسن
 دین اسیر انزوا می شد اگر صلحش نبود
 دست دشمن باز و می شد اگر صلحش نبود

ای خط و خالت همه آیت در آیت یا حسن
 ای سپهر وحی را شمس ولایت یا حسن
 ای کلامت خلق را نور هدایت یا حسن
 ای خروشان بحر مواج عنایت یا حسن
 ای یم جود ، ای کریم بی نهایت یا حسن
 ای جهانت جمله در ظلّ حمایت یا حسن
 یابن زهرا من نمی گویم ثناگوی توأم
 تو کریم عالمی من سائل کوی توأم

سینه های سوخته شمع شب تار توأند
 طایران سدره صبح و شام زوآر توأند
 عرشیان در عرش اعلی هم گرفتار توأند
 آسمانها غرق در دریای انوار توأند
 ماهرویان ذره ای از مهر رخسار توأند
 شهریاران برده های کوی و بازار توأند
 مهر تو هم بحر ما ، هم فلک ما ، هم نوح ماست
 تربت بی زائرت بیت الحرام روح ماست

تو ز وصف عرشیان و فرشیان بالاتری
 تو نبی را جان شیرین تو خدا را مظهری
 تو کتاب ا... روی سینه ی پیغمبری
 تو علی مرتضایی تو بتول اطهری
 تو امام مجتبی چشم و چراغ حیدری
 تو کریم عترتی تو دست لطف داوری
 جود ، سائل ، عفو ، مرهون و کرم مهمان توست
 چشم «میثم» در دو دنیا بر تو و احسان توست

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من کیم حجت حق واقف سر و علم
 من کیم وجه خدا آینه ی ذوالمنم
 من کیم شمع فروزنده ی هر انجمن
 من کیم چشم و چراغ نبی مؤتمن
 من کیم فاطمه را باغ گل یاسمن
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

من کیم نخل امید نبوی را ثمرم
 من کیم بحر کمال نبوی را گهرم
 من کیم فاطمه را میوه ی قلبم ، پسر
 من کیم آنکه ز وصف همگان خوبتر
 من کیم آنکه نبی بوسه زده بر دهنم
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

من کیم آنکه سر دوش نبی جای من است
 جلوه ی حُسن خدا در رخ زیبای من است
 سرمه ی چشم ملک خاک کف پای من است
 دست تقدیر خدا دست توانای من است
 هست چون شیر خدا بازوی خیر شکنم
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

نغمه ی وحی سرودی به ثناخوانی من
 ماهِ ماهِ رمضان صورت نورانی من

روزه داران همه در محفل مهمانی من
جای گلبوسه ی زهراست به پیشانی من
سومین نور و چهارم نفر از پنج تنم
من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

مصطفی عاشق سرو قد و بالای من است
جاوادن دین وی از همت والای من است
آفرینش همه جا غرق تجلای من است
روح این روزه ی سی روزه تولای من است
حج منم ، قبله منم ، حجر منم ، کعبه منم
من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

مرغ شب منتظر زمزمه ی یارب من
رمضان تشنه ولی تشنه ی لعل لب من
آسمان و شب و مه محو نماز شب من
بهترین خلق خدا مادر و جد و آب من
بلکه خود سید خوبان زمین و زمزم
من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

من کیم آنکه ز اسرار خدا آگاهم
من کیم فاطمه اجلال و محمد جاهم
من کیم در بغل شمس ولایت ماهم
من کیم زینت آغوش رسول الله
من کیم آنکه بود وحی الهی سخنم
من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

مظهر حُسن خدا عزوجل کیست منم
معنی حی علی خیر العمل کیست منم
دومین آینه ی حُسن ازل کیست منم
فاتح و صف شکن جنگ جمل کیست منم
کرده اعجاز علی بازوی دشمن شکنم
من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

مهر من روز ازل واسطه ی نعمت هاست
 راه من راهنمای همه ی ملت هاست
 دست من رزق رسان همه ی امت هاست
 صلح من زیر بنای همه ی نهضت هاست
 کس نشد با خبر از ساختن و سوختنم
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

من کیم روح ریاحین گلستان بهشت
 من کیم خوبترین لاله ی بستان بهشت
 من کیم آنکه بود در نفسم جان بهشت
 من کیم سید و مولای جوانان بهشت
 من بهشت نبی و فاطمه و بوالحسنم
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

حلم من دین خدا را به خدا احیا کرد
 صبر من فتنه گران را همه جا رسوا کرد
 آه من تیر شد و در دل دشمن جا کرد
 صلح من مشت معاویّه ی دون را وا کرد
 حق همین بود که خود واقف سرّ و علمم
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

من که چون شمع شدم آب امامت کردم
 من که در پاسخ دشنام کرامت کردم
 من که در شهر ، غریبانه اقامت کردم
 همه دیدند که با صبر قیامت کردم
 بشنوید از لب «میثم» که غریب وطنم
 من کریم دو جهان یوسف زهرا حسنم

۲۱- رمضان بهشت خدا شده ز گل جمال تو یا حسن

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

رمضان بهشت خدا شده ز گل جمال تو یا حسن
 مه نیمه اختر کوچک و مه نو هلال تو یا حسن
 یم علم و حکمت و معرفت نمی از کمال تو یا حسن
 دل دشمنان تو را برد نبوی خصال تو یا حسن
 صفحات و متن کتاب حق رخ و خط و خال تو یا حسن
 به خدا رسیده ز بندگی طیران بال تو یا حسن

تو چراغ بزم وصال حق تو بهار خلد مخلصی
 تو خدای حُسن و ملاحتی تو یگانه عبد مؤیدی
 تو به جسم ، جان کتاب حق ، تو به روح ، روح مجردی
 تو کمال کل کمال ها ، تو جمال خالق سرمدی
 تو علی تو حسن تو حسین یا که محمدی
 که عیان جلالت پنج تن بود از جلال تو یا حسن

تو محیط عالم حکمتی تو مه سپهر امامتی
 تو زمامدار مشیتی تو امام صبر و شهادتی
 تو مه سپهر ولایتی تو تمام جود و کرامتی
 تو خدای را رخ و جلوه ای تو رسول را قد و قامتی
 تو پناه خلق دو عالمی تو شفیع روز قیامتی
 نه عجب که عفو کند خدا ، همه را به خال تو یا حسن

نه عجب که فخر کند خدا ، به ملک ز شوق عبادت
 نه عجب که غنچه به صبحدم ، شکفتد به عرض ارادت
 همه انبیاء شده معترف به جلال و مجد و سیادت
 ز طلوع صبح ، خجسته تر ، شب جانفزای ولادت
 من و لطف و جود و عطای تو ، که کرم بود همه عادت

به عطا و حلم و کرم کسی نبود مثال تو یا حسن

به تمام دین خدا قسم ، که تمام دین خدا تویی
 به بهشت و ارض و سما قسم که بهشت و ارض و سما تویی
 به مقام و سعی و صفا قسم که مقام و سعی و صفا تویی
 به قیام و صبر و رضا قسم که قیام و صبر و رضا تویی
 به دعا و روح دعا قسم که دعا و روح دعا تویی
 شده اقتدار ستمگران همه پایمال تو یا حسن

ولی خدا ثمر نبی گهر علی دُر فاطمه
 نگهت مسیح و مسیح جان نفست شفای دل همه
 دهن تو چشمه ی معرفت سخن تو آیت محکمه
 همه را به عشق تو های و هو همه را به ذکر تو زمزمه
 به محبت تو مرا بود ، ز شرار نار چه واهمه
 که بهشت لطف خدا شده ، دلم از خصال تو یا حسن

تو سجود من تو رکوع من تو سلام من تو نماز من
 تو مطاف من تو طواف من تو عراق من تو حجاز من
 تو شرار سوز و گداز من تو بهار گلبن راز من
 تو سرور من تو نوای من چه به سوز من چه به ساز من
 نبود قسم به ولایت به گل بهشت نیاز من
 اگرم به دست ، جوانه ای رسد از نهال تو یا حسن

هله ای تکلم قدسیان شب و روز نقل روایت
 صفحات مصحف جان پُر از سُورِ لطیف حکایت
 به محبت به مودت به کرامت به عنایت
 که بود نگاه تو سلم به چراغ راه هدایت
 بخدا قسم خجلم ز تو که به ادعای ولایت
 به زبان محب تو بوده ام به عمل ملال تو یا حسن

منم آنکه با همه زشتیم سر خود به خاک تو سوده ام
 چو دو چشم خویش گشوده ام به محبت تو گشوده ام
 دل خلق را به فضائل و به مناقب تو ربوده ام

به علی قسم به نبی قسم به خدا محب تو بوده ام
 به ولای تو به ثنای تو غزل و قصیده سروده ام
 ز تو گفته ام ز تو خوانده ام به زبان حال تو یا حسن

۲۲- ماهی تو که بر بام شکوه آمده است

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب رباعی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ماهی تو که بر بام شکوه آمده است
 آینه ز دست به ستوه آمده است
 خورشید اگر گرم تماشای تو نیست
 دلگیر مشو ز پشت کوه آمده است

۲۳- بر ماه تمام ماه رحمت صلوات

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب رباعی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر ماه تمام ماه رحمت صلوات

بر نور جمال حُسن و حکمت صلوات
در سفره ی ماه رمضان فیض حُسن
بخشیده به عرش و فرش ، نعمت ، صلوات

۲۴- ولی خدا، ثمر نبی، گهر علی، دُرِ فاطمه

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب بحر طویل
شاعر ناشناس
منبع زمزمه های ولایت ۶۲
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ولی خدا، ثمر نبی، گهر علی، دُرِ فاطمه، نگهت مسیح و مسیح جان، نفست شفای دل همه، دهن تو چشمه ی معرفت، سخن تو آیت محکمه، همه را به عشق تو های و هو، همه را به ذکر تو زمزمه، به محبت تو مرا بود ز شرار نار چه واهمه، که بهشت لطف خدا شده، دلم از خصال تو یا حسن
تو سجود من، تو رکوع من، تو سلام من، تو نماز من، تو مطاف من، تو طواف من، تو عراق من، تو حجاز من، تو شرار سوز و گداز من، تو بهار گلبن راز من، نبود قسم به ولایت، به گل بهشت، نیاز من، اگر رسدم به دست جوانه ای، رسد از نهال تو یا حسن
به تمام دین خدا قسم که تمام دین خدا تویی، به بهشت و ارض و سما قسم، که بهشت ارض و سما تویی، به مقام و سعی و صفا قسم، که مقام و سعی و صفا تویی، به قیام و صبر و رضا قسم، که قیام صبر و رضا تویی، به دعا و روح دعا قسم که دعا و روح دعا تویی، شده اقتدار ستمگران همه پایمال تو یا حسن
منم آنکه با همه زشتیم، سر خود به خاک تو سوده ام، چو دو چشم خویش گشوده ام، به محبت تو گشوده ام، دل خلق را به فضائل و به مناقب تو ربوده ام، به علی قسم به نبی قسم، به خدا محب تو بوده ام، ز تو گفته ام، ز تو خوانده ام، به زبان حال تو یا حسن
مرغ پریده ی دلم خدا خدا کند، گرد مدینه گردد و تو را تو را صدا کند، بلکه خدا به مقدمت مرا مرا فدا کند، نمی شوم نمی شوم از تو دمی جدا حسن کریم آل فاطمه امام مجتبی حسن

۲۵- روزگاری بود در این کهکشان

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روزگاری بود در این کهکشان
خانه ای ساده به زیر آسمان
اهل خانه مهربان مهربان
خانه دار خانه بانوئی جوان
بانوئی که زندگیش ساده بود
دل به فردی آسمانی داده بود

آسمانی بودن و روی زمین
خانه ی زیبایشان خلد برین
خانه بر انگشتر عالم نگین
فرش زیبایش پر روح الامین
جاروی این فرش زیبا نور بود
رشته هایش گیسوان حور بود

خشت خشت خانه را چیده خلیل
آب چاهش می رسد از سلسبیل
هر چه از زیبائیش گویم کم است
قبله ی عشق رسول اکرم است

این سرای وحی پر احساس بود
سایه باننش شاخه های یاس بود
زیر سقفش بانوئی حساس بود
گوشه ای مشغول با دستاس بود
دسته ی دستاس می گرداند او
چهار قل بهر علی می خواند او

زندگی این دو در عالم تک است

وسعتش بی حد اگر چه کوچک است
چشمشان در انتظار کودک است
حیف عمر زدگانی اندک است
نُه بهار جاودانه زیستند
عاشقانه عاشقانه زیستند

عشق را با عشق حق بشناختند
در تنور عشق هم بگداختند
دل به فرزندی که آمد باختند
مهد نازی را برایش ساختند
روی این گهواره گل پاشیده شد
طفل زیبایش حسن نامیده شد

در شبی نورانی و زیبا و صاف
کعبه آمد در حریمی از عفاف
خانه ی زهرای اطهر شد مطاف
دور گهواره ملائک در طواف
حق اگر بر سیم آخر می زند
بر لب این طفل ساغر می زند

پرده های حُسن را وا می کند
حُسن خود را او هویدا می کند
تا نگه بر طفل زیبا می کند
چهره ی خود را تماشا می کند
این پسر از پای تا سر از خداست
خلق و خویش مثل ختم الانبیاست

اولین فرزند شاه اولیاست
یوسف زهرا امام مجتبی است

حُسن را حُسنش ضمانت می کند
حُسن او یوسف ملامت می کند
قدو بالایش قیامت می کند

محشر است وقتی کرامت می کند
آمد او اندر حریم اهل بیت
شد ملقب بر کریم اهل بیت

۲۶- رمضان سفره ی مهمانی مخصوص خداوند ...

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک مرثیه
قالب بحر طویل
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع از صیام تا قیام
تعداد استفاده ۰

متن شعر

رمضان سفره ی مهمانی مخصوص خداوند ودود است، مه رحمت و جود است، مه ذکر و صلات است و رکوع است و سجود است و سلام است و درود است، تعالی اله از این فیض که در نیمه ی این ماه دل افروز خداوند تعالی، شده در دامن زهرا، مه تابان محمد متجلاً، که دمیده است فروغش به دل اهل تولّا، سر دست علی و فاطمه و شانه ی مولا، مه هر انجمن است این، ولی ذوالمنن است این، به نبی جان و تن است این، به علی یاسمن است این، حسن است این، حسن است این، که در این ماه خدا، ماه خدا بوسه زند بر سر و رویش، همه محو گل رخسار نکویش، همه دلداده ی خویش، همه آواره ی کویش، همه را دیده به سویش، همه دیدند به رخسار خدا منظر او روی خدا را

شب شور و شعف اهل تولّا شده امشب، که عیان وجه خداوند تعالی شده امشب، همه عالم چو دل آل علی غرق تجلا شده امشب، که ز هم غنچه ی نورسته ی زهرا و علی و شده امشب، گهر بحر شرف فاطمه شد مادر و مولای دو عالم علی بابا شده امشب، پسری داده خدایش چه پسر، نام حسن روی حسن موی حسن خلق حسن خوی حسن، بلکه سزاوار بود تا که بخوانند حسن در حسنش، لحظه به لحظه صلوات از طرف خلق و خدا یکسره بر جان و تنش، وحی الهی سخنش، بوسه گه ختم رسل لعل لبان و دهندش، باد فدا جان هزاران چو منش، بلکه دو صد انجمنش، کیست حسن مظهر حُسن ازلی، هستی زهرا و علی، جان جهان، حصن امان، فخر زمان، روح و روان، سرّ نهان، نور عیان، بلکه به هر عصر و زمان برده دل اهل ولا را

مه و مهر و فلک و ارض و سما، حور و ملک، جن و بشر، در شب میلاد حسن جشن گرفتند، که امشب شب بسیار عظیم است، همانا شب میلاد کریم ابن کریم است، رخس سوره ی نور است و قدش نخله ی طور است و سراپاش زبور است و نگه دوخته بر طلعت زیبای محمد، نگه ختم رسل نیز به ماه رخ آن حجت سرمد، همه احمد، همه حیدر، همه زهرا ی مطهر، عجا یوسف صدیق کجایی که کنارش بنشینی و ز گلزار رخس با نگه دم به دمت لاله بچینی، به لبش جای گل بوسه ی پیغمبر اسلام ببینی و شوی

یکسره ماتش، بستان فیض ز خلق حسن و حُسن صفاتش، بفرست از سوی کنعان به قد و قامت و رخسار دل آرا صلواتش، عجیبی نیست اگر ذات خداوند تبارک و تعالی به همه خلق دهد مژده‌ی آزادی از آتش، که ببخشد همه را بر گل رویش نه، به یک تار ز مویش نه، به یک گردش چشمش گنه و جرم و خطا را

عجبا ختم رسل خواجه‌ی لولا-ک، نهاده است جبین را به روی خاک و از این سجده‌ی طولانی اش افتاده به حیرت همه افلاک، گمانم که حسن باز سوار است به دوشش، به خدا ای همه‌ی امت اسلام ببینید حسن کیست که بعد از پدر و مادر و جدش به جلال و ادب و حلم نظیرش به جهان نیست، یکی مرد عرب آمده از شام، ز کف باخته آرام و به زشتی برد از آن گهر بحر شرف نام، به تندی و به دشنام، به پاسخ گل لبخند گرامی پسر فاطمه شد باز، که ای دوست چرا خشم گرفتی و غم خویش نگفتی، تو اگر خانه نداری به سوی خانه‌ی ما آی، گرت قرض بود قرض تو سازیم ادا، گر ز کسی دیده‌ای آزار بگو تا که بگیریم رهش را، چه شده، کیست که رنجانده در این گردش ایام شما را؟

مرد شامی که چنین دید بدن آتش قهر و غضب و کینه و خشمش، رخس از شرم گل انداخت به یکباره عرق ریخت به پیشانی و بر چهره روان اشک خجالت شد و چشمش به ادب گفت که ای جان دو عالم به فدایت، زهی از خلق خوش و حلم رسول دو سرایت، به کریمیت قسم اذن بده تا که بیفتم به روی خاک، زخم بوسه به پایت، منم و مدح و ثنایت، منم و ذکر و دعایت، منم و مهر و ولایت، تو بزرگی تو کریمی تو همان خلق عظیمی تو همان مظهر آیات خداوند رحیمی، تو شه عرش مقامی تو امامی تو امامی، تو همان فیض مدامی تو دعایی تو سلامی تو سجودی تو قیامی تو به خلق و صفت و حلم رسولی، تو گل دامن زهرای بتولی، حسن بن علی امروز تو بردی ز کرامت دل ما را

پسر فاطمه ای دم به دم از خلق خداوند سلامت، پدر و مادر و ابناء و تبارم به فدای پدر و مادر و ابناء و تبارت، زهی از عزت و جاه و شرف و عز و وقارت، به خدا دین خدا تا ابد الدهر بود در گرو صبر و قناعت، که بود صلح تو بنیادگر نهضت خونین حسینی، نه مگر جد تو فرمود حسین و حسنم چه، بنشینند و چه خیزند چه در صلح چه در جنگ امانند، تو توحید تمامی و تو در صلح و تو در جنگ امامی و کلامت همه نور است و پیامت همه شور است، خطا از تو به دور است، هر آن کس که تمرّد کند از حکم تو او خصم خداوند غفور است، نه بیناست که کور است، نپیموده به جز راه خطا را

امامان همه مولا و کریمند، ولی نام تو در بین امامان شده مشهور، کرم تا ابد الدهر رهین کرم توست، کرامت همه شب سائل باب الحرم توست، سخاوت نمی از موج یم توست، شرف سایه نشین علم توست، تویی آنکه بزرگی همه خاک قدم توست، مسیح دل بیمار همه فیض دم توست، ثناگوی تو خود ذات الهی است ثنای همه‌ی خلق کم توست، زهی از جاه رفیعت، ملک العرش مطیعت، رخ خورشید به خاک ره زوار بقیعت، به تو و رحمت و جود و کرم و فیض و سیعت، دل من پر زده در سینه و پرواز کند سوی مدینه، کرمی ای که شما را به کرم نیست قرینه، که دهی راه به سوی حرم چار امامم، تویی ای یوسف کنعان ولایت، ولی و صاحب و مولا و امامم، بطلب در حرمت «میثم» افتاده ز پا را

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام

تعداد استفاده ۰

متن شعر

جلوه گر طلعت ذوالمنن آمد

ماه ماه مبارک حسن آمد

یوسف زهرا، حجت یکتا

زاده ی طاها، بر همه مولا

خوش آمدی خوش آمدی ای گل زهرا

تو چراغ بهشت رمضانی

تو امام تمام انس و جانی

کریم عترت، روح محبت

جان موذت، شافع امت

خوش آمدی خوش آمدی ای گل زهرا

خط و خال تو سوره ی تبارک

گشته دور سرت ماه مبارک

نور یقینم، سر مینم

یار و معینم، تمام دینم

خوش آمدی خوش آمدی ای گل زهرا

رمضان سفره ی مهمانی تو

جان روزه داران قربانی تو

مهر صیامم، بر تو سلامم

خیرالانامم، ذکر مدامم

خوش آمدی خوش آمدی ای گل زهرا

قبله گاه مراد همه ای تو
 پسر اول فاطمه ای تو
 حج و زکاتم، صوم و صلاتم
 خضر حیاتم، خلد و مماتم
 خوش آمدی خوش آمدی ای گل زهرا

تو یگانه کریم اهل بیتی
 تو پناه و زعیم اهل بیتی
 بحر عنایت، منم گدایت
 مست ولایت، جان به فدایت
 خوش آمدی خوش آمدی ای گل زهرا

۲۸- ای جان محمد، جانان محمد، قرآن محمد

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک مرثیه
 قالب آهنگین
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع از صیام تا قیام
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای جان محمد، جانان محمد، قرآن محمد
 نور دل اب الحسن میلادت مبارک
 یوسف زهرا یا حسن میلادت مبارک
 یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

نجل حیدری تو، سبط اکبری تو، حق را محوری تو
 خلق زمین و آسمان سائل هر شب تو
 ختم رسل بوسه زند بر دهن و لب تو

یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

ای سرو چمن ها، شمع انجمن ها، در مدحت سخن ها

هستی ما ولای تو میلادت مبارک

جان جهان فدای تو میلادت مبارک

یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

ای کار مدامت، احسان و کرامت، تا صبح قیامت

کریم آل فاطمه میلادت مبارک

روشنی چشم همه میلادت مبارک

یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

جودت کبریایی، حُسنِ مصطفایی، زهدت مرتضایی

چهارمین پنج تن میلادت مبارک

ولی حیی ذوالمنن میلادت مبارک

یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

ای خویت محمد، ای رویت محمد، ای مویت محمد

مظهر حُسن کبریا میلادت مبارک

تمام ختم الانبیا میلادت مبارک

یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

ای عالم مطیعت، ای دلها بقیعت، ای جانها مقیم، ایوان رفیعت

تو ماه بی قرینه ای میلادت مبارک

تو هستی مدینه ای میلادت مبارک

یا امام مجتبی خوش آمدی (۲)

۲۹- ماه من از تو ندیدم قمری زیباتر

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ماه من از تو ندیدم قمری زیباتر
نیست از نقش جمالت اثری زیباتر
این یقینم شده در عالم هستی از تو
مادر دهر ندارد پسری زیباتر
خبر آمدنت در بدنم روح دمید
به که بود این خبر از هر خبری زیباتر
جلوه گر گشت رخت در سحر ماه خدا
زین سحر دیده ندیده سحری زیباتر
به همه درّ و گهرهای ولایت سوگند
صدفی از تو ندارد گهری زیباتر
ماه خندید و مه انجمنت نام نهاد
همه حُسنی که محمد حُسنت نام نهاد

در تن پاک سحر روح و روان شد ز دمت
بوسه ی ماه خدا مانده به خاک قدمت
میزبان رخصتانی که نشستند مدام
میهمانان خدا بر سر خوان کرم
سر نثار قدم و دیده ی ما فرش رخت
جان ما وقف تماشا و دل ما حرمت
سائل جود و کرم خلق سماوات و زمین
عاشق حُسن خدایی عربند و عجمند
تو همان جان جهانی که دو صد قافله دل
گشته آواره به هر حلقه ی گیسوی خمت
رخ زیبات حسن قامت رعنائ حسن
نه فقط قامت رعنائ سراپات حسن

روژه داران مه تسبیح و دعا را نگرید

سحر و صبحدم اهل ولا را نگرید
گل لبخند علی بر رخ زیبای حسن
شادی حضرت ام التّجبا را نگرید
همه خورشید جمال ازلی را بینید
همه در ماه خدا ماه خدا را نگرید
طلعت غیب شنیدید ندیدید اگر
به وضوح آینه ی غیب نما را نگرید
همه احرام ببندید و بخوانید دعا
مروه ی حُسن ببینید و صفا را نگرید
عید میلاد امامی است در این ماه عظیم
که کریم است، کریم است، کریم است، کریم

این گرامی پسر اول زهرا حسن است
دومین حجت و چارم نفر از پنج تن است
اختر برج شرف مطلع الانوار جمال
آفتاب دل زهرا مه هر انجمن است
روح پیغمبر و زهرا و علی در تن اوست
یک پسر نیست سه روح است که در یک بدن است
تا قیامت به چنین قامت رعنا صلوات
عجبا سرو قدی سرو هزاران چمن است
حُسن محدود شده در رخ نورانی او
حسن است این حسن است این حسن است این حسن است
روح بخشد به پدر با نفس زهرایی
شده دلداده ی زیبایی او زیبایی

بوسه ی ذکر و دعا بر دو لب خندانش
آسمان شیفته ی زمزمه ی قرآنش
میهمانخانه ی او شهر مدینه است، مگو
که بود خلق سماوات و زمین مهمانش
ناز بر گلشن فردوس کند در صف حشر
هر که شد بنده ی لطف و کرم و احسانش
همچو باران بهاری که بریزد ز سحاب
روز و شب رحمت حق ریخته از دامانش

جن و انس و ملک از کل سماوات و زمین
همه در تحت حمایت همه در فرمانش
صد مسیحا شود از نیم نفس زنده ی او
خلق و خوی نبوی سر زند از خنده ی او

اولیایند به یک گردش چشمش سرمست
علی و فاطمه دادند ورا دست به دست
این کریم ابن کریمی است که در کل وجود
تا قیامت کرمش شامل حال همه است
حسنى طلعت او آینه ی حُسن خداست
روی حق بود در این آینه از صبح الست
صلح او تیر خدا بود که از قوس کمان
به شتاب آمد و بر قلب معاویه نشست
صلح او بود که بنیانگر عاشورا شد
صبر او بود کز آن سیطره ی کفر شکست
گر چه اسلام گرفته است به خود رنگ حسین
به خدا صلح حسن نیست کم از جنگ حسین

شیعه آن است که در خط امامش باشد
تابع رهبر، در صلح و قیامش باشد
شیعه آن است که در لحظه ی فریاد زدن
متن فرمان الهی به پیامش باشد
شیعه با صلح حسن تا صف محشر حسنی است
شیعه در صلح حسن جنگ حرامش باشد
شیعه در جنگ همان شیعه ی عاشورایی است
شیعه آن است که اینگونه مراش باشد
صلح و جنگ حسنین است یکی بر شیعه
تیغ، گه جای به کف گه به نیامش باشد
«میثم» از خط ولایت نهی پای برون
گر نهی پای برون راه نیابی به درون

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۷۷

تعداد استفاده ۰

متن شعر

اول تو را سرشته و انسان درست کرد
 شرح تو را نوشته و قرآن درست کرد
 بعداً گل اضافی تان را اضافه کرد
 تا از من خراب مسلمان درست کرد
 می خواست رحمتش همه جا را بغل کند
 با اشکهای چشم تو باران درست کرد
 باید برای بندگی سجده هایمان
 یک مسجدی به نام حسن جان درست کرد
 بالم اگر به درد پریدن نمی خورد
 یک سایبان که می شود از آن درست کرد
 من زنده ی نسیم مسیحا دم توأم
 آدم اگر شدم بخدا آدم توأم

تو ابتدای نسل طهورای کوثری
 تو رودخانه ی زهرای اطهری
 باید علی و فاطمه ای ظرف هم شوند
 تا اینکه آفریده شود چون تو گوهری
 کار خداست این که پیمبر پسر نداشت
 وقتی تویی نیاز ندارد به دیگری
 نسل مطهر نبوی نسل دختری است
 با این حساب تو حسن بن پیمبری
 می خواست دشمنت که پیش همه کوچکت کند
 کوری چشم عایشه ها از همه سری

ای ارشد تمام پسرهای فاطمه

ای اولین حسین سحرهای فاطمه

ای آسمان تر از همه بالاتر از همه

ای بی کران تر از همه دریاتر از همه

سبحان ربی همه ی سجده های من

پروردگار سبز مبرّاتر از همه

دیدیم از تمام جهان مُرده تر شدیم

پس آمدیم نزد مسیحاتر از همه

تو زودتر به دامن زهرا نشسته ای

پس این تویی تو بچه ی زهراتر از همه

ما از تو هیچ وقت نفرما ندیده ایم

ای جمله ی همیشه بفرماتر از همه

ما سالهاست رهگذر کوچه ی توئیم

مانند یک فقیر سر کوچه ی توئیم

مهتاب چشمهای تو خورشید پرور است

هر کس که طالعش حسنی نیست کافر است

دست تو دست آبی پرواز دادن است

هر روز صبح دل سر بامت کبوتر است

چشمان پر ستاره ی حضرت تو، نه

عبد الله نجیب تو خورشید پرور است

اصلاً نیاز نیست قیامت به پا کنی

یک قاسمی خدا به تو داده که محشر است

اصلاً شما نیاز نداری به معرکه

وقتی لب سکوت تو شمشیر حیدر است

قسمت نبود تا که ببینند مردمان

بازوی تو ادامه ی فتاح خیر است

فردا ملک به نام تو تکبیر می زند

صاحب زمان به جای تو شمشیر می زند

امشب اگر نگات هوای قرن کند

امید می رود که نگاهی به من کند

زینده است بال و پر صد فرشته را
 زهرا ببافد و تن تو پیرهن کند
 کُشتی بگیر پیش همه با برادرت
 شاید کسی بیاید و جانم حسن کند
 بهتر همان که در به در هر گذر شود
 بالی که روی بام تو فکر چمن کند
 این یا کریم مثل همه قصد کرده است
 بر روی گنبدی که نداری وطن کند
 بعد از تو ای امیر کفن پاره ها کسی
 لازم نکرده است تنم را کفن کند

۳۱- چونانکه خالق احد ذالمنن یکی است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چونانکه خالق احد ذالمنن یکی است
 بین تمام حُسن فروشان حسن یکی است
 عالم اگر شود ز گل دل چمن چمن
 در باغ حُسن مثل تو سرو چمن یکی است
 بین هزار خرمن گل مثل بوی تو
 بوی لطیف عطر گل یاسمن یکی است
 تو ماه عالمی و هزارانت انجمن
 گویند متفق که مه انجمن یکی است
 هر کس که دید روی تو را بین پنج تن
 اقرار کرد کآینه ی پنج تن یکی است

ماه خدا دو نیمه شد و گفت آسمان
 هر چند از ستاره پُری ماه من یکی است
 گر چه تو و علی و نبی را سه پیکر است
 جان تو و علی و نبی در بدن یکی است
 آن چار تن که زیر کسا با تو آند پنج
 یک نور واحدید همانا سخن یکی است
 اسرار غیب آینه ای روبروی توست
 عین الهی و پیش تو سر و علن یکی است
 صبر تو بست دست تو را ورنه دست تو
 با دست های حیدر خیر شکن یکی است
 هر جا سفر کنم دل من در بقیع توست
 آری بر این مسافر تنها وطن یکی است
 مردی چو جد و باب و حسین و تو نیست نیست
 چونانکه مثل حضرت صدیقه زن یکی است
 مهر تو ثبت مهر مسلمانی من است
 بی تو طریق کفر و مسلمان شدن یکی است
 هر چند نیست قابل وصف تو یا حسن
 اینجا عقیق «میثم» و در عدن یکی است

۳۲- سالها چشم به دنبال عبایی می گشت

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب ترکیب بند

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۷۷

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سالها چشم به دنبال عبایی می گشت
 سالها حسن پی قبله نمایی می گشت
 سالها عشق به دنبال خدایی می گشت

سالها دل پی یک جلوه نمایی می گشت
عاقبت گم شده بر دست علی پیدا شد
عشق در نیمه ی ماه رمضان زیبا شد

جلوه ای کرد خدا باز در این خانه و بعد
باز شد پنجره با دست کریمانه و بعد
خانه پر شد ز گل و لاله و پروانه و بعد
چشم ها مات شد از خنده ی دردانه و بعد
گوئیا روح علی باز به تن آمده است
باز اسپند بریزید حسن آمده است

چشم وا کردی و دل رفت ز دلهایی که
در تماشای تو بودند تماشایی که
همه معجون شده از دیدن لیلائی که
برده دل از علی و حضرت زهرایی که
با نگاهش به همه ارض و سما عیدی داد
نه فقط مادر سادات، خدا عیدی داد

یکی از کوچه نشینان تو دنیا شده است
یکی از کاسه بدستان تو موسی شده است
آن که از جام تو نوشیده مسیحا شده است
آن که روی تو ندیده است زلیخا شده است
یوسفان گرم تماشای شما مست شدند
کوچه ها وقت عبورت همه بن بست شدند

آن که سودا زده ات نیست که آدم نشود
آن که سر به خاک تو نیست که آدم نشود
نشود آنکه اسیر تو مکرم نشود
و شود هر که گدایت به جهنم نشود
که خدا بیرق خود را لب بامت زده است
هر چه در مُلک خودش بود به نامت زده است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ضربان قلبم ۳ حسن

زلفت شب یلدای من ، نامت بود آوای من

من عاشق و مجنون تو ، اما توئی لیلای من

دیوانگان یک دله ، بر گرد تو در هروله

با آن لب میگن خود ، امشب بده بر ما صله

ای کعبه ی آمال من ، ای دلبر گل پیرهن

از مقدمت امشب ببین ، قلبم شده بیت الحسن

حیدر چه شیدا می شود ، محو تماشا می شود

یک بوسه از لعل حسن ، افطار مولا می شود

امشب جهان خوشبو شده ، خوشبو از آن گیسو شده

محراب ختم المرسلین ، ما بین آن ابرو شده

۳۴- شب میلاد گل سرسبد گلشن طاهاست

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب بحر طویل

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۶۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شب میلاد گل سرسبد گلشن طاهاست، جهان محو تماشااست، زمین غرق تجلاست، چه شوری و چه وجدی و چه غوغاست، که آمد به جهان نور دل حضرت زهرا، ببینید رخ اشرف اولاد علی را، گل لم یزلی را، فروغ ازلی را، نبی منجلی را، که مادر شده زهرا که بابا شده مولا

هله ای اهل ولا، دلشدگان حرم آل عبا، سوختگان مرتضی، امت آل مصطفی، مژده که اینک ز سما آمده افواج ملائک، که صد یاس جنان در کف هر یک، همه خنده به لب، لاله به کف، شوق به دل، نور به رخ، دور مدینه به طوافند، تجلی سه حرفند همه عین و همه شین و همه قافند، همه در پشت در بیت رسولند، همه سائل در گاه بتولند، همه منتظر اذن دخولند، در این بزم قبولند، به لطف نبی و حیدر و زهرا

چه بزمی، چه صفایی، فروزان شده در بیت نبوت، چه نور و چه ضیائی، ملائک همه حیران شده در پرتو انوار خدایی، همه آمده در محضر پیغمبر اکرم، نبی اله اعظم، محمد که بود در همه اعصار و زمان افضل و اقدم، که ببینند جمال گل زهرا، که ببینند امید دل زهرا، که ببینند به طوفان بلا ساحل زهرا، ببینند خدای کرم و جود و سخا را، حسن حاکم اقلیم وفا را، حسن والی و سلطان صفا را، حسن مجد خدا را، حسن پایه گذار نهضت کربلا را، حسن نای و نوای نینوا را، ملائک همه در محضر قدسیش مقیمند، به درگاه ولایش همگان اهل ارادت ز قدیمند، همه سائل در گاه کریمند، کریمی که کرم از کرم او شده معنا، زمین در هیجان است، زمان در نوسان است، به عشاق جهان مژده بده نیمه ی ماه رمضان است

عجب لیل ی قدری، چه ماهی و چه بدری، چه وجدی چه سُروری، چه نوری چه ظهوری، اگر کربلایی شده برپا، ز تدبیر تو و صلح تو و صبر تو باشد، چه غم اگر که به ظاهر حرمت بقعه ندارد، به وا... که خورشید تمام کهکشانهای جهان قبر تو باشد، که گفته است غریبی، در ایران شب میلاد تو بنگر که چه جشنی است مهیا

۳۵- ماه روزه و ماه ذکر و دعا مبارک است**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع از صیام تا قیام

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ماه روزه و ماه ذکر و دعا مبارک است
 شد ولادت حضرت مجتبی مبارک است
 ای رخت چراغ انجمن خوش آمدی
 نور دیده ی ابوالحسن خوش آمدی
 یابن الزهرا خوش آمدی یابن الزهرا (۲)

ای به عالمی مقتدا حسن، ای چراغ حسن خدا حسن
 امید قلب علی یا حسن
 دل از تو شد منجلی یا حسن
 عید میلادت مبارک باد

شیعه چشم دل وا کن و مظهر خدا بین
 در مه خدا ماه پیغمبر خدا بین
 جلوه گر شده جمال ذات کبریا
 خنده می زند به روی ختم الانبیا
 یابن الزهرا خوش آمدی یابن الزهرا (۲)

ای جمال نورانی خدا، ای چراغ مهمانی خدا
 یم کمال محمد تویی
 کریم آل محمد تویی
 عید میلادت مبارک باد

ای ولایت طاعت و روزه و نماز ما
 ای به درگاه تو روی راز ما نیاز ما
 از ولادت تو زنده شد قیام ما
 بر تو و علی و فاطمه سلام ما
 یابن الزهرا خوش آمدی یابن الزهرا (۲)

شمع محفل احمدی حسن، سیدی حسن سیدی حسن
 چراغ و چشم رسول خدا
 تمام خلقت به خاکت فدا

عید میلادت مبارک باد

شانه ی رسول خدا و علی مقام تو
 صلح و صبر تو حلم تو راه تو قیام تو
 لاله ی بهشت آرزوی فاطمه
 فخر مرتضی و آبروی فاطمه
 یابن الزهرا خوش آمدی یابن الزهرا (۲)

تو تمام جود و عنایتی، تو چراغ راه هدایتی
 بهشت دل باغ آباد توست
 که موسم عید میلاد توست
 عید میلادت مبارک باد

۳۶- امشب شب دلای پریشونه

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب شب دلای پریشونه
 شلوغ در میخونه
 کسی حالمو نمی دونه
 چشمم جز تو کسی رو نمی بینه
 می تپه دلم توی سینه
 می بره منو تا مدینه
 تویی تویی که خدای دلهایی
 منو بخر با نگاه زهرایی

تنگه دل نوکر در بست
 فدای چشای مست
 کریم نیومده رو دست
 روح مهمونی سبز خدایی
 برادر ارباب مایی
 چی می شه که رخ بنمایی
 تویی تویی که خدای دلهایی
 منو بخر با نگاه زهرایی

۳۷- روی طاق دل نوشتم یا حسن عشق بی قرینه

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع زمزمه های ولایت ۵۴
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

روی طاق دل نوشتم یا حسن عشق بی قرینه
 بس که دل به شور و شینه حسن آباده کنج سینه
 مژده مژده روزه داران شام تار ما سحر شد
 کریم آل پیمبر اومد و علی پدر شد
 چشم مادر به نگاشه چشم حیدر به خنده هاشه
 خدائیش اسم خدا هم تو کتاب خاطر خواهاشه
 گل یاس دل زهرا همه آب و گل زهرا
 چشای علی اسیر پسر خوشکل زهرا

۳۸- عجب حکایتی شده شور و قیامتی شده

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۵۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا علی و یا عظیم یا غفور و یا رحیم

یا امام مجتبی یا کریم بن کریم

عجب حکایتی شده شور و قیامتی شده

از وقتی آقام اوامده خورشید خجالتی شده

ملائکه گرفتاره یوسف مصر خریداره

خونه ی تو تو آسمون سر خورشید رو دیواره

رنگ خدا برگ و برت ستاره ها کبوترت

سلطنت همیشگی تاج کرامت رو سرت

لبات عقیق یمنه محبت دین منه

همه میگن حسین ولی ذکر حسین یا حسنه

۳۹- نیمه ی ماه مبارک سفره ی افطاری بازه**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

مولا مولا وَ تَصَدَّقْ عَلینا(۳)

نیمه ی ماه مبارک سفره ی افطاری بازه
 آقای که امشب رسیده خدایی بنده نوازه
 هر کی آورده دل شکسته میگه آقام خیلی کریمه
 هر کی سر سفره اش نشسته میگه آقام خیلی کریمه
 حتی دل روسیاه و خسته میگه آقام خیلی کریمه
 همیشه می خونم ۲ با دل دیوونم ۲
 در خونه ی تو ۲ تا ابد می مونم ۲
 مولا مولا وَ تَصَدَّقْ عَلینا(۳)

غزل بخون دل عاشق که فاطمه شده مادر
 برو به باغ مدینه غزل بخون برا حیدر
 چشمتو وا کن چشمه ی کوثر وقت افطار زهراست
 افطاری پیش چشمای زیبات خدایی خیلی زیباست
 بوسه گرفتن از صورت تو همه ی عشق مولاست
 توی عشقا تکی ۲ عشق هر ملکی ۲
 بخدا که آقا ۲ خدای نمکی ۲
 مولا مولا وَ تَصَدَّقْ عَلینا(۳)

همینکه قرآن می خونه میاد صدش توی کوچه
 ملانک خدا می شن محو نگاش توی کوچه
 چشمه ی جوشان کوثر اومد بگو هزار ماشاء...
 دلبر و دلدار مادر اومد بگو هزار ماشاء...
 پسر ارشد حیدر اومد بگو هزار ماشاء...
 گناهم عظیمه ۲ عذابم الیمه ۲
 اما عیب نداره ۲ که آقام کریمه ۲
 مولا مولا وَ تَصَدَّقْ عَلینا(۳)

۴۰- بر این دل ما صفا بده زهرا جان

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر این دل ما صفا بده زهرا جان

بر دیده ی ما ضیاء بده زهرا جان

بر دور سر حسن بگردان چیزی

آن را صدقه به ماه بده زهرا جان

۴۱- به جلوه مظهر رب رحیم آمده است**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به جلوه مظهر رب رحیم آمده است

خدای صبر، امامی کریم آمده است

به درب خانه ی آنکس که هل اُتی شأن است

چقدر اسیر و فقیر و یتیم آمده است

۴۲- امشب ز سما نور خدا می آید**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب ز سما نور خدا می آید
سر منشاء احسان و عطا می آید
در دهر تمام شیعیان مسرورند
زیرا که امام مجتبی می آید

۴۳- خدا مرا مدیون الحسن نمود

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خدا مرا مدیون الحسن نمود
فدایی شاه بی کفن نمود
مدیون المجتبی و مجنون الحسینم
مولا مولا دار و ندار منی
مولا مولا باغ و بهار منی

همیشه دستم سوی حسن بود
دلم دخیل موی حسن بود
کجا تمنای عطر و گل کند
هر آنکه مست از بوی حسن بود

مولا مولا دار و ندار منی

مولا مولا باغ و بهار منی

دو نام حک گردیده به قلب من

یکی حسین باشد دیگری حسن

به عرشیان فخرم باشد این سخن

خدای من باشد عاشق حسن

مولا مولا دار و ندار منی

مولا مولا باغ و بهار منی

۴۴- دوست دارم به عشق یار بی قرینه

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دوست دارم به عشق یار بی قرینه

دل‌مورها کنم ز بند سینه

دوست دارم بشم کبوتر بزنم پر

برم اونجا که بهش می گن مدینه

امشب شب عاشقیه، عید پسر علیه

جشن مولودی امشب، پشت دیوار بقیعه

یابن علی ولی ا... (۲)

غرق شور و مستیه شهر پیمبر

میاد امشب ضربان قلب حیدر

خدا هم تو آسمون دل تو دلش نیست

آخه فاطمه قراره بشه مادر
جلوه کرده توی کودک، حسن خدای تبارک
اومد یوسف مدینه، میلاد حسن مبارک
یابن علی ولی... (۲)

گل من ز گلشن یاس علیه
قلب اون ز جنس احساس علیه
همه یوسفا اسیرشن به قرآن
اولیش حضرت عباس علیه
عشقش آخر جنونه، کرده دلا رو دیوونه
موسی مهدشو می بوسه، یوسف و آن یکاد می خونه
یابن علی ولی... (۲)

تربت بقیع بهشت عالمینه
هر طرف حریم عباس و حسینه
تو چهار تا قبر می بینی خاکی اما
بین هر دو قبر یه بین الحرمینه
قلبم مٹ یا کریمه، لونش کنج اون کریمه
آب و دونمو می گیرم، از آقایی که کریمه
یابن علی ولی... (۲)

۴۵- مرغ دل من پریده و داره می خونه

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع گلوازه های عترت ۲
تعداد استفاده ۰

متن شعر

مرغ دل من پریده و داره می خونه داره می خونه
 عالم و آدم بذار تا اینو بدونه اینو بدونه
 حسن علی عشق‌مونه (۲)
 تو عشق نابی، گل و گلابی
 کریمی و همه جا غرق جود توئه
 ذکر سجودم، بود و نبودم
 به خدا که بود منم از بود توئه
 آقای خوبم، ای مهربونم
 آرزومه دلم به پای تو بیفته
 حسن زهرا، توئی تو تنها
 با این همه عاشق غریب به تو کی گفته

گل بریزید که اومده ز ره عزیز حیدر عزیز حیدر
 حسن علی اومد و زمین شده چه محشر چه محشر
 بگو بگو... اکبر (۲)
 این آرزومه، آخریه روزی
 حرم و گنبد و ضریح برات بسازم
 مثل حریم، امام هشتم
 پیام توی حریم تو به تو بنازم
 امام ارباب، ای ماه و مهتاب
 حتی به عباس علی هم تو امیری
 این آرزومه، بغض گلومه
 چی می شه که دست منم یه بار بگیری

۴۶- دلی که به عشق تو پر می زنه ...

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع گلوآزه های عترت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دلی که به عشق تو پر می زنه آخه چطوری ز تو دل بکنه
 بذا تموم عالم بدونند دار و ندار دل من حسنه
 یوسف اسیر رخ زیبای توئه، حاتم تو صف گداهای توئه
 هیچ کسی رو تو دلم را نمی دم بخدا فقط جای پای توئه
 حسن زهرا، کرمی آقا، از غمت آخر، می کشی من را
 یا حسن مولا (۴)

محراب این دل من ابروی توئه که قبله ی دل من سوی توئه
 نه تنها همه ی ماه رمضون ليله ی قدر من آقا موی توئه
 عشق شما یه گوهره که تا ابد به هر کسی نمی دن تو عالمین
 هر کی که نوکریشو امضا بکنی تازه می تونه بشه نوکر حسین
 ای همه سوز و، ای همه سازم، بین این عالم، به تو می نازم
 یا حسن مولا (۴)

دلم یه عمریه که آقا گداته خوبی همه ی دنیا باهاته
 بهشتی که یه عمریه دنبالشم به خدا آقا یه گوشه ی نگاته
 جنت به خدا یه گوشه خاکته یه عالمی اسیر عشق پاکته
 من کیم جون برای تو فدا کنم وقتی یل ام البنین هلاکته
 دل پر از یاسه، غرق احساسه، عیدیم امشب، دست عباسه
 یا حسن مولا (۴)

۴۷- شاهنشهی که در دو جهان رهنما بود

مشخصات

مناسبت ولادت
 سبک ولادتی
 قالب قصیده
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

شاهنشهی که در دو جهان رهنما بود
 فرماندهی تمام جهان از خدا بود
 نور دو چشم حیدر و فرزند فاطمه
 در ولایت علی مرتضی بود
 از حسن و خلق و جود و سخا چون پیمبر است
 از بذل فضل همچو شه کربلا بود
 مشکات نور مقصد آن نور ایزدی
 مصداق نور و معنی نور علی بود
 حسن و جمال و علم و کمالش همه حسن
 هم مجمع فضائل و هم مجتبی بود
 نامش حسن کلام حسن لعل لب حسن
 اندام او حسن همه سر تا به پا بود
 گیسو حسن دو چشم حسن خلق و خو حسن
 بر شام تار روشنی دیده ها بود
 باب علوم م صطفوی باب او بود
 بحر سخای مرتضوی را عطا بود
 رزند زا و ها و خلق یا و سین و صاد
 رکن و مقام و زمزم و سعیو صف ابود
 آن سیدی شباب که فرموده مصطفی
 فرزند پاک پادشه لافتی بود
 هم لنگر زمین و زمان هم ولی حق
 هم زیب دوش احمد و آل کسا بود
 مردم تمام، عاشق دیدار جنتند
 جنت به انتظار شهنشاه ما بود
 حور بهشت کوثر و انهار سلسبیل
 در انتظار مقدم آن دلربا بود

۴۸- هیچ کس زیاتر از تو یوسف زهرا ندید

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

هیچ کس زیباتر از تو یوسف زهرا ندید
 دلبر کنعان تو را بهر تماشا برگزید
 حاتم از احسان به شهرت آمد و یوسف زحُسن
 حُسن و احسان را کسی جز پیش تو یکجا ندید
 خاک پای از گدایان تو را حاتم گرفت
 زین سبب احسان او را عالم و آدم شنید
 سایه ای از سایه ات افتاد بر آئینه ای
 خطی از آن سایه نقش یوسف کنعان کشید
 چون گل پاک تو را دست خدایی می سرشت
 ذره ای از خاک تو افتاد و حُسن آمد پدید
 یوسف آل عبایی فاطمه سر مست تو
 چهره ای زیباتر از رویت خدا کی آفرید
 میهمانان زلیخا دست خود بُبریده اند
 هر که رخسار تو را دید از هر دو عالم دل برید
 تا برون آیی ز خانه پشت در صف بسته اند
 یک مدینه بر خریدت با همه هستی رسید
 منهم از خیل خریداران تو هستم ولی
 دست خالی آمدم بر درگهت با صد اُمید
 تو همان وجه خدایی و کریم اهل بیت
 قامت هستی برای سجده بر پایت خمید
 جود و ایثار و سخاوت ریزه خواران تو اند
 عشق را دیدم که مستانه به سویت می دوید

۴۹- امشب دلم هوای میخانه کرده ساقی

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب دلم هوای میخانه کرده ساقی
بوی شراب نابت دیوانه کرده ساقی
ستاره باروونه دلم، چون عرش اعلی
عیدی میدن به شیعه ها، حیدر شده بابا

زهره به سجده ی شکر سر بر زمین نهفته
از یمن مقدم او قرآن به سر گرفته
خدا می نازه به خودش، از خلقت او
لیله ی قدر فاطمه است، ولادت او

خون علی توی رگهای حسن می جوشید
پیغمبر خدا لبهاشو همش می بوسید
می گفت که این گل پسر، نور دو عینه
آی شیعه ها حسن غریب، تر از حسینه

زهره نباشه پیشش دنیا براش عذابه
تا مادرو نبینه نمی تونه بخوابه
جز مادرش چشماشو رو، ی همه می بنده
تا اینکه میگن یا علی، بلند می خنده

مادر گیتی هرگز چون او نزاده وا...
تا کور بشن حسودا شیعه بگو ماشا ا...
(تا کور بشه مغیره شیعه بگو ماشا ا...)
فاطمه میگه مرجبا، به حی داور

چقدر شبیه حیدره، ا... اکبر

۵۰- نیمه ی ماه و دلم در پی قرص قمر است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نیمه ی ماه و دلم در پی قرص قمر است

چشم امید من امشب به دعای سحر است

مژده دادند ملائک که حسن می آید

فاطمه منتظر جلوه ی روی پسر است

۵۱- حس خوبی است که امشب به زبان آمده است

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۶۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

حس خوبی است که امشب به زبان آمده است

در تن عاطفه ام باز توان آمده است

وہ چه فرخنده شبی و چه مبارک سحری

که در آن عطر خوش خوش نفسان آمده است
 چه نشستی؟ در میکده ها باز شده
 آی مستان خدا پیر مغان آمده است
 بی نصیم مگذارید ز جام کوثر
 حال که صحبت مستی به میان آمده است
 روزه داران شب پانزدهم مژده دهید
 نمک سفره ی ماه رمضان آمده است
 سفره تکمیل شد و بزم خدا کامل گشت
 سوره ی قدر، شب پانزدهم نازل گشت

فصل تنهایی زهرا و علی سر شده است
 شب این شهر چنان روز منور شده است
 زودتر از همه مژده به پیمبر دادند
 نوه ات آمده و فاطمه مادر شده است
 نمک از روی تو می ریزد و خرمای لب
 رطب سفره ی افطار پیمبر شده است
 طعم چشمان بهاری تو ای روح بهار
 میوه ی نوبر هر روزه ی حیدر شده است
 سفره ی ماه مبارک برکت دارد لیک
 با قدمهای شما با برکت تر شده است
 چه اسیر و چه فقیر و چه یتیم آمده اند
 بر در خانه ی ارباب کریم آمده اند

پادشاهی تو و من نیز همان مسکینی
 که به جز عشق تو در سینه ندارد دینی
 قدمت بر سر چشمم اگر ای مرد کریم
 سحری هم به کنار دل من بنشینی
 مستجاب است دعای من آلوده اگر
 پای هر برگ دعا از تو بود آمینی
 به صف مشتریان نظر اندازی گر
 ته صف یوسف دلباخته را می بینی
 کوه قندی شوم از شوق شکر خنده ی تو
 آب افتاده دهانم چقدر شیرینی

ای که بر خیل جوانان بهشت آقای

اولین سید آل علی و زهرایی

حسنى چون که ز احسان خدا بودى تو

میوه ی عرشى پیغمبر ما بودى تو

قلب هر سبزترین نور برازنده ی توست

قدّ یک عرش پر از عشق و صفا بودى تو

چند بارى همه دارایی خود بخشیدى

از ازل در کرم انگشت نما بودى تو

شبى افطار بیا خانه ی ما مهمان باش

چون که همسفره ی بزم فقرا بودى تو

اهل این خاک نبودى و نگفتى آخر

مرد خاکی زمین محو کجا بودى تو

ماورای همه افکار نگاه تو بود

آخر عرش خدا اول راه تو بود

گاه، سوگند خدا گشتى و انجیر شدى

گاه با آیه ی کفّلىن تو تفسیر شدى

گاه با صلح زدى در دل دشمن تنها

گاه در جنگ جمل دست به شمشیر شدى

زانو از غم به بغل گیرى و سر بر زانو

به گمانم دگر از زندگیت سیر شدى

آه آقای غریبم چه به روزت آمد

چه شد آخر که تو در کودکی ات پیر شدى

بین آن کوچه چه رخ داد که مادر افتاد

و پس از آن تو در آن کوچه زمینگیر شدى

قاب شد در نگهت چهره ی یاس نیلى

زده چشمان تو را برق شدید سیلى

۵۲- من می خوام کبوتر بقیع باشم

مشخصات

مناسبت ماه رمضان

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع گلوازه های عترت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من می خوام کبوتر بقیع باشم

میون مدینه پر در بیارم

با دلم یه سایه بون درست کنم

ببرم بالای قبرا بذارم

یه شب جمعه میون زمزمه

دوست دارم پشت بقیع دعا کنم

پشت اون پنجره ها زار بزوم

یادی از صحن امام رضا کنم

اگه این شبا میام با صد امید

از خدا با گریه منت می کشم

گناهام خیلی دیگه زیاد شده

از امام رضا خجالت می کشم

چی می شه یه شب بشه که با دلم

زائر قبرا ی ویرون می شدم

توی خونه ی کریم اهل بیت

موقع افطاری مهمون می شدم

۵۳- هله ای اهل ولا مژده که امشب شب ...**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب بحر طویل

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۶۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

هله ای اهل ولا مژده که امشب شب احیاء قلوب است، شب کشف کروب است، شب پرتو انوار غیوب است، شب ستر عیوب است، طلوع مه شادی و به غم وقت غروب است، چه شیرین و چه زیبا، چه ماه است و چه خوب است، کجائید، بیائید، ز دل عقده گشائید، همه روی به درگاه پیام آور اسلام نمائید، به گهواره ی زیبای حسن جبهه بسائید، سپس بال گشائید، به پرواز در آئید، چنان اوج بگیرید که بینید همه فوق سمائید، همه دور و برِ عرش علّائید، به وا... قسم امشب مهمان خدائید، شکفته گل طاها، گل یثرب و بطحا، گل عالم بالا، گل گلشن دلها، گل سرسبد حضرت زهرا، ز افواج رُسل دل برد این گل، جهان را به پری می خرد این گل، چنان را به جهان آورد این گل، حسن آن که بود هر نفسش رایحه ی جنت اعلی، حسن آنکه بود آینه ی حضرت عیسی، دمش رشک مسیحا، کلامش به کمال آمده ی ناطقه ی حضرت موسی، به هر چشم، دو صد مژده ی یوسف، به گهواره دو صد تخت سلیمان، ز صبرش به جوش آمده ایوب، ز حلمش به داد آمده یعقوب، به هر دست هزارن ید بیضا

همه منتخب محفل جشن مصطفائید، همه محترم از فیض حضور مرتضائید، همه بهره ور از سفره ی احسان امام مجتبیاید، اگر عاشق و دلباخته ی آل رسولید، اگر خاک درِ حضرت زهرا ی بتولید، اگر از غم عصیان همه محزون و ملولید، نترسید، بیائید که از فیض قدوم پسر ارشد زهرا و علی جمله قبولید

به دور و برِ کاشانه ی زهرا، بزرگان سماء بال زنانه، فضا پُر شده از این همه پرهای فرشته است، از این جشن اگر روی بتاییم و اگر کام نیابیم چه زشت است، به پیشانی این طفل نوشته است، که این سید و سالار جوانان بهشت است، بهشتی که خدا وعده نموده است به عشاق، حسن در حسن، از نور حسن، خشت به خشت است

اگر محور رخ ماه حسینید، اگر شیعه ی آگاه حسینید، اگر در سدد پیروی از راه حسینید، اگر منتظر موبک خونخواه حسینید، اگر سائل درگاه حسینید، بدانید، که در محضر داور، به تعلیم پیمبر، به فرموده ی حیدر، به توصیه ی مادر، حسین بن علی هیچ زمانی عطایی ننموده است به سائل فزون تر ز برادر، شب جشن و خروش است، شب باده و نوش است، شب بانگ سروش است، به یمن قدم سبز امامی که رحیم است و کریم است.

۵۴- سلام ای میوه ی جان مدینه**مشخصات**

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع شور عاشقی ۱۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سلام ای میوه ی جان مدینه
 که با یادت تپد دلها به سینه
 نمودی جلوه چون بر بیت مولا
 چکیده اشک شوق از چشم زهرا
 تو بودی غنچه ی بستان حیدر
 خریدار لب لعل پیمبر
 دو چشمانش شود مست نگاهت
 بگیرد توشه ای از روی ماهت
 چو می گردد لبانش باده نوشت
 اذان عشق را خواند به گوشت
 در آغوش نبی آن یار دیرین
 خدا نام تو را بنموده تعیین
 پیمبر با تمام حُسن رُخسار
 شده بر روی زیبایت گرفتار
 به سرو قدّ تو خم گشته افلاک
 به پایت عرش اعلی گشته بر خاک
 کرامت بنده ات، عبد تو احسان
 کریم اهل بیتی ای حسن جان
 به محراب دو ابروی کمانت
 نیایش می کند هفت آسمانت
 مدینه چون تو دلداری ندیده
 دل یاران به سویت پر کشیده
 به مشکین سر زلف تو سوگند
 ندارد مادری همچون تو فرزند
 به مادر جان دهد خال لب تو
 پدر پروانه ی روز و شب تو
 رخت پیمانه ریز ماه و خورشید
 دو چشمت چشمه ی پر نور اُمید
 گدای نور سیمای تو مهتاب

به مهرت صد چو خورشید است بی تاب
فدایت ای که پور مرتضائی
تو سبط اکبری و مجتبابی

۵۵- بحر رحمت را یکدانه گهر پیدا شد

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک مرثیه
قالب قصیده
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع نخل میثم ۴
تعداد استفاده ۰

متن شعر

بحر رحمت را یکدانه گهر پیدا شد
نخل عصمت را پاکیزه ثمر پیدا شد
مژده یاران که شب نیمه ی ماه رمضان
قرص خورشید به هنگام سحر پیدا شد
عاشقان قدر بدانید که پیش از شب قدر
بیت قرآن را قرآن دگر پیدا شد
امشب از اهل سماوات ندائی برخواست
که در آغوش زمین قرص قمر پیدا شد
دامن ماه خدا ، چشم محمد روشن
علی و فاطمه را نور بصر پیدا شد
دامن فاطمه شد سبز به میلاد حسن
صلوات همه بر حُسن خداداد حسن

رمضان قدر بدان ماه تمامت آمد
رحمت واسعه در سفره عامت آمد
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن شب قدر که خورشید به بامت آمد
مه رحمت ، مه توبه ، مه غفران ، مه نور

که ز هر اختر تابنده سلامت آمد
بانگ تکبیر بر آور که خدا چهره گشود
سر تسلیم فرود آر امامت آمد
روزه دار! ار ندهی دل به تولای حسن
با خبر باش که این روزه حرمت آمد
خوشترین ذکر در این ماه ثنای حسن است
مُهر این روزه سی روزه ولای حسن است

رمضان! شهر خدای احد ذوالمنی
رمضان! جان منی، عشق منی، قلب منی
شهرها شهر نکویان و تو شهر اللهی
ماهها جمله نجوم و تو مه انجمنی
یازده ماه تمامند همه چشم براه
که تو از چهره خود پرده به یک سو فکنی
هفته و روز و مه و سال همه می دانند
که زمان چون بدنی هست تو جان در بدنی
نه فقط ماه خدایی که خدا می داند
مه پیغمبر و زهرا و علی و حسنی
امشب از نور، به تن پیر هنت بخشیدند
قدمش باد مبارک حسنت بخشیدند

این حسن کیست که سر تا قدم او حسن است
این چراغی است که در بزم دل انجمن است
این کریم بن کریمی است که با دشمن و دوست
همه جا از کرم و لطف و عطایش سخن است
این عزیزی است که پیغمبر اکرم فرمود
پسر من جگر من ثمر قلب من است
این امامی است که با صبر خداوندی خود
چون علی بن ابیطالب دشمن شکن است
چه به خُلق و چه به خوی و چه به روی و چه به مو
حسن است و حسن است و حسن است و حسن است
چون ز آغاز در او حُسن خدا را دیدند
از همان روز ولادت حُسنش نامیدند

رمز عزّ و شرف ماه صیام است حسن
 رهبر صلح و علمدار قیام است حسن
 چه به صلح و چه به جنگ و چه به صبر و چه سکوت
 در همه حال امام است امام است حسن
 آنچه خواهی ز خداوند همه در کف اوست
 رحمت واسعه و فیض مدام است حسن
 گر چه در فرش بود تربت او کعبه ی دل
 به خدایی خدا عرش مقام است حسن
 خلقتش سفره ی عام و همگان مهمانش
 میزبان بر سر این سفره ی عام است حسن
 به خدائی که ودود است و غفور است و رحیم
 او کریم است کریم است کریم است کریم

دوست در کفّ ی جودش دو جهان را دیده
 خصم در خُلق خوشش باغ جنان را دیده
 هر گنه کار که رو سوی بقیعیش برده
 در طواف حرّمش خطّ امان را دیده
 چشم او بوده خدایی که به یک چشم زدن
 قلب آینده و اعماق زمان را دیده
 دست نگشوده گشوده گره عالم را
 روی نا کرده عیان سرّ نهان را دیده
 پدر و مادر و جد هر که لبش بوسیده
 در شمیم نفسش خنده ی جان را دیده
 اهل عالم بنشینید به پای سخنش
 همه دم بوی محمد شنوید از دهنش

صلح او نیست کم از نهضت ثار الهی
 در نگاهش کف دستی است ز مه تا ماهی
 اثر صلح و شکوفائی صبرش نگذاشت
 که بشر افتد در تیرگی و گمراهی
 بخدایی خداوند تعالی یک آن
 نیست در عزم و ثبات قدمش کوتاهی

حسن از صلح و حسین بن علی با جنگش
هر دو دادند به ما درس عدالتخواهی
او حسین است و حسین بن علی اوست بلی
هر دو را داده خدا سلطنت و آگاهی
شیعه از خون حسینی و پیام حسنی
به سر دوش گرفته تبر خود شکنی

یا حسن بر تو بر صلح و قیام تو سلام
به سکوت تو و بر صبر مدام تو سلام
تو پیام آور صلحی و امام صبری
به پیام آوری تو به پیام تو سلام
هر کلامت شده مشتی به دهان دشمن
به دهان تو درود و به کلام تو سلام
عادت تو کرم و مشی و مرامت احسان
به عطا و کرم و مشی و مرام تو سلام
مام تو فاطمه باب تو علی جد احمد
به تو و جد و به باب تو به مام تو سلام
«میثم» از مهر شما مهر قبولی دارد
که ز نخلش ثمر مدح شما می بارد

۵۶- ای در رخت جمال خداوند آشکار

مشخصات

مناسبت ولادت
سبک مرثیه
قالب قصیده
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع نخل میثم ۴
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای در رخت جمال خداوند آشکار

ای آفرین به حُسن تو از آفریدگار
 قرآن گرفته از نفست عمر جاودان
 ایمان به دوستی تو گریده استوار
 احمد نهاده لب به لبان تو بارها
 حیدر گرفته از دهنّت بوسه بی شمار
 غیر از تو و حسین که او هست، تو، تو، او
 هرگز کسی نگشته به دوش نبی سوار
 مرد کریم بر کرمش فخر می کند
 تو کیستی که کرده کرم بر تو افتخار
 آل رسول جمله کریمان عالمند
 تو خود کریم آل رسولی به روزگار
 دشنام را به لطف و کرامت دهی جواب
 دشمن شود ز کثرت جود تو شرمسار
 هم صحبت خدایی و هم سفره ی فقیر
 در فرش یار خلقی و در عرش شهریار
 حور و ملک بخاک قدومت نهاده رو
 جن و بشر به باب بقیعت امیدوار
 در حلم و در سکوت بیای تو چشم صبر
 در صلح و در نبرد به دست تو اختیار
 جنگ تو جنگ خیبر و فتح تو فتح بدر
 دست تو دست حیدر و تیغ تو ذوالفقار
 از صبر تو چراغ هدایت دهد فروغ
 با صلح تو خزان ولایت شود بهار
 نام تو در کنار معاویه کی رواست
 تو بهتر از گل استی و او خار تر ز خار
 تو نجل پاک فاطمه او بوه پور هند
 تو از بهشت نوری و او از جحیم نار
 سوگند می خورم به حسین و به نهضتش
 اسلام شد ز صلح و ز صبر تو پایدار
 صبر نبی ز صلح تو جوشید در سکوت
 رزم علی ز دست تو آید به کارزار
 و... بود صلح تو از جنگ سخت تر
 با آن شجاعت و شرف و عزّ و افتخار

با ... بود همین و جز این نیست یا حسن
 دین را بود ز صلح و قیام تو اعتبار
 گر آگه از جلال تو و ننگ خویش بود
 می کشت خصم شوم تو خود را هزار بار
 در صلح و در نبرد ، امامت از آن توست
 در صبر و در نبرد تویی اختیار دار
 و ... از نتیجه ی صلح و قیام توست
 گر نخل انقلاب حسینی گرفت بار
 یک عمر بود قاتل زهرا برابر
 او را سرور بود و تو را چشم اشکبار
 با دیدن مغیره به هر صبح و ظهر و شام
 سر می کشید از جگر بر فلک شرار
 وقتی که دست ثانی در کوچه شد بلند
 گویی که بود بهر تو هنگام احتضار
 از جدّ اطهر تو گرفتند انتقام
 بر گوش مادر تو شکستند گوشوار
 مادر چو رفت در غم مظلومی پدر
 صبح سپید گشت به چشمت چو شام تار
 بر غربت تو ماهی دریا گریسته
 از بس که دیده ای غم و اندوه بی شمار
 صبر تو کرد خون به دل شیعیان تو
 یک لحظه ، ای غریب وطن ناله ای بر آ
 با لحظه لحظه درد و غمت عمر گشت طی
 وز پاره پاره ی جگر طشت ، لاله زار
 آن تیرها که بر بدنت ریخت فوج فوج
 کردند بهر زخم تنت گریه زار زار
 بارید تا که تیر جفا بر جنازه ات
 شمشیر گشت در کف عباس بی قرار
 یک بار نه که خصم تو را کشت بارها
 ای لحظه لحظه جان جهان در رخت نثار
 دردا که دشمنان تو در روضه البقیع
 نگذاشتند بوسه بگیرم از آن مزار
 یک لحظه دوستی شما را نمی دهد

یک عمر اگر رود سر «میثم» فراز دار

۵۷- آقام خدای کرمه آره وا.. آره وا... آره وا

مشخصات

مناسبت ولادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۱-۶۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آقام خدای کرمه آره وا.. آره وا.. آره وا...
دوستش دارم یه عالمه آره وا.. آره وا.. آره وا...

تو دلم خدا میدونه ، چه قیامتی که بر پاست
میون هزار تا یوسف ، پسر فاطمه غوغاست
حجت داور اومده آره وا.. آره وا.. آره وا...
ثانی حیدر اومده آره وا.. آره وا.. آره وا...

هر شبه که من میارم ، عریضه ی حاجتم رو
امشب که من می گیرم ، برات زیارتم رو
صف شکن جنگ جمل آره وا.. آره وا.. آره وا...
محبتش خیرالعمل آره وا.. آره وا.. آره وا...
سوره ی نور فاطمه آره وا.. آره وا.. آره وا...
سنگ صبور فاطمه آره وا.. آره وا.. آره وا...

فضائل

۱- ای سراپا حسن امام حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای سراپا حسن امام حسن

ماه هر انجمن، امام حسن

هم به خانه قتیل همسر خویش

هم غریب وطن امام حسن

ملک هستی به یاد غربت تو

همه بیت‌ال‌حزن امام حسن

گرید از بهر تو، چو ابر بهار

دیده ی مرد و زن امام حسن

جگر پاره پاره‌ات گوید

در عزایت سخن، امام حسن

ماهیان در عزای تو دارند

نالای «یا حسن» امام حسن

گریه بر قلب پاره پاره ی توس

حاصل عمر من، امام حسن

بعد جدّت به پیکر تو شدند

تیرها، بوسه زن امام حسن

بدنت، بس که تیرباران شد

شد یکی با کفن امام حسن

تیرها، لحظه لحظه می کردند

گریه، بر آن بدن امام حسن

اشک غم داشتی ز دیده روان

خون دل در دهن امام حسن

کرد در آخر صفر پرواز

روح پاکت ز تن امام حسن

«میشم» از خون دل به تشییع

آورد یاسمن، امام حسن

۲- خنده ی ختم رسل می شکفتد از لب تو

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب ترکیب بند

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خنده ی ختم رسل می شکفتد از لب تو
روح عیسی به فلک، پر زند از «یارب» تو
چشم خورشید بود، فرش ره مکوکب تو
جان عالم به فدای تو و امّ و اب تو
به هزار اسم خدا، ماه هزار انجمنی
پای تا فرق همه، حسن خدایی، حسنی

باغ وحی از نفس پاک تو، جان می گیرد
مؤمن از مهر شما، خطّ امان می گیرد
صد چو داود به مدح تو زبان می گیرد
روح از گردش چشم تو روان می گیرد
ای دعا شیفته ی شعله ی تاب و تب تو
تو که هستی که بُود دوش نبی، مرکب تو

حلم، یک شاخه گل از باغ بهشت خویت
خضر، یک تشنه، که بنشسته کنار جویت
مهر، یک ذره ی ناچیز، ز مهر رویت
ماه، یک سائل درمانده، به خاک کویت
اختران، جلوه گرفته همه از جلوت تو
آفتاب آینه دار حرم خلوت تو

جود، پیوسته به جود و کرم می‌نازد
 سرفرازی، به تراب قدمت می‌نازد
 حرم کعبه، به بیت الحرم می‌نازد
 این مسیحاست، که بر فیض دمت می‌نازد
 هر کجا ملک الهی است بُود تربت تو
 پس چرا شهر مدینه است پر از غربت تو؟

تو که سر، تا به قدم، آینه ی ذوالمننی
 تو خودِ حُسنِ خدایی و حُسن در حُسنی
 تو که در هر وطنی، شاهد هر انجمنی
 به چه جرمی و چه تقصیر، غریب وطنی
 دلت از زخم زبان، پاره شده، چون جگرت
 کس ندانست و نداند که چه آمد به سرت

طفل بودی، که کتک خوردن مادر دیدی
 اشک چشم پدر و داغ برادر دیدی
 آنچه آمد به سر آل پیمبر دیدی
 سال‌ها، غربت و تنهایی حیدر دیدی
 بود یک عمر فقط قوت تو، خون دل تو
 چه توان گفت، که شد همسر تو، قاتل تو

بارها پاره شد ای یوسف زهرا، جگرت
 ناسزا گفت، حضور تو، عدو بر پدرت
 پیش رو، یار همه مار شده پشت سرت
 ای بسا زخم، که زد دوست به دل، بیشترت
 نه عجب گر ز غمت سنگ، به صحرا گرید
 آب‌ها خون شود و ماهی دریا گرید

بارها، چرخ ستمکار تو را کشت حسن
 ماجرای در و دیوار، تو را کشت حسن
 غم بی‌دردی انصار، تو را کشت حسن
 به چه تقصیر دگر یار، تو را کشت حسن

سال‌ها بر جگرت نیزه و شمشیر زدند

از چه ای جان جهان، بر بدنت تیر زدند

دوست دارم که شبی، شمع مزار تو شوم

سوزم و نورفشان، در شب تار تو شوم

جان و دل باخته، بی صبر و قرار تو شوم

سر به دیوار نهم، زائر زار تو شوم

هر چه از سوز جگر ناله کنم زار زخم

نگذارند که یک بوسه به دیوار زخم

حرمت را، نه چراغ و نه رواق و نه در است

زائر قبر تو، ماه است و نسیم سحر است

قبر بی زائر تو، کعبه ی اهل نظر است

لاله اش خون دل «میثم» خونین جگر است

آه شیهه است، که از خاک مزارت، خیزد

اشک مهدی است، که بر تربت پاکت ریزد

۳- ایها الناس بدانید گدای حسنم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ایها الناس بدانید گدای حسنم

نوکر خسته دل و بی سر و پای حسنم

منت غیر نباشد بخدا گردن من

شکر لله که مدیون عطای حسنم

گفته زهرا که شوم مادر آن سینه زنی
 که کمی اشک بریزد ز برای حسنم
 دوش از اوج سما خسته ندایی آمد
 حضرت فاطمه فرمود فدای حسنم

۴- الهی بمیرم برای غریب شهر مدینه

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

الهی بمیرم برای غریب شهر مدینه
 الهی بمیرم برای دلی که زار و حزینه
 الهی بمیرم برای لحظه ی آخرت حسن جان
 الهی بمیرم برای ناله ی خواهرت حسن جان
 معز المؤمنین، امام المتقین
 کریم بن کریم یابن امیرالؤمنین
 آقام امام حسن (۴)

الهی بمیرم برای آقایی که حرم نداره
 الهی بمیرم کسی نیست رو قبرش شمعی بذاره
 الهی بمیرم برای دلی که پُر غم و داغه
 الهی بمیرم برای قبری که بی شمع و چراغه
 گل زهرا حسن، شه دلها حسن
 هزاران حاتم طائی گدایت یا حسن
 آقام امام حسن (۴)

الهی بمیرم برای لحظه ی پرپر زدن تو

الهی بمیرم برای غصّه و درد و محن تو
 الهی بمیرم برای پا به زمین کشیدن تو
 الهی بمیرم برای برادر بی کفن تو
 شه لطف و سخا، کریم با صفا
 با اذن تو دلم پر می زنه به کربلا
 آقام امام حسن (۴)

۵- ای پسر اول زهرا حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک مرثیه
 قالب مثنوی
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع دو دریا اشک ۲
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای پسر اول زهرا حسن
 سیدنا سیدنا یا حسن
 صورت تو سوره فرقان و نور
 چشم بد از روی دل آرات دور
 عفو خدا شیفته ی یاربت
 عاشق «العفو» نماز شبت
 وصف تو ممکن نبود با سخن
 تو حسنی تو حسنی تو حسن
 طلعت زیبات شده باغ گل
 از اثر بوسه ی ختم رسل
 جای تو آغوش رسول خداست
 مرکب تو دوش رسول خداست
 بهر تو ای مهر تو خیرالعمل
 دوش محمد شده «نعم الجمل»

تا تو نهی پای به پشتش، رسول
 مانده خم و سجده خود داده طول
 آنکه دهد شهد به وحی از دو لب
 از لب شیرین تو نوشد رطب
 روی تو آینه ی حسن آفرین
 یک حسن و این همه حسن؟ آفرین!
 چارم آن پنجی و در چشم من
 پنج تنی پنج تنی پنج تن
 جود تو از چشمه ی بی‌ابتداست
 سفره ی تو مُلک وسیع خداست
 ای همه با دشمن خود گشته دوست
 خنده تو پاسخ دشنام اوست
 خشم عدو تا به تو شدت گرفت
 مهر تو از خشم تو سبقت گرفت
 هر که شرف از کرم آرد به کف
 دست تو بخشیده کرم را شرف
 نیست به وصف تو رسا صحبت
 غرق شدم در عرق خجلتم
 خالق خلقی و خدا نیستی
 فوق ملک، فوق بشر، کیستی؟
 صبر تو شایسته‌ترین ابتلاست
 صلح تو یک نهضت کرب و بلاست
 حیف که کشتند تو را دوستان
 خار ستم در جگر بوستان
 شیر خدا را پسری یا حسن
 از همه مظلوم‌تری یا حسن
 ای تو جگر پاره پاره جگر
 در بغل مادر و جد و پدر
 «جعه»ات ارچه دشمن جانی است
 قاتل تو «مغیره» و «ثانی» است
 قلب تو در کوچه شد ای جان پاک
 چون سند باغ فدک چاک چاک
 سوز درون از سخت ریخته

خون دلت از دهننت ریخته
 آه تو از بس شرر افروخته
 زهر ز سوز جگرت سوخته
 نخل وجودت به تب و تاب شد
 آب شد و آب شد و آب شد
 حلم ز داغ تو زمین گیر شد
 لاله تشیع تنت، تیر شد
 آن همه تیر ای پسر فاطمه
 رفت فرو در جگر فاطمه
 خار چو بر برگ گل یاس ریخت
 خون دل از دیده عباس ریخت
 ای سند غربت تو قبر تو
 صبر شده خون جگر از صبر تو
 اشک بده تا که نثارت کنم
 گریه چو شمع شب تارت کنم
 خاک ره میثمتان، «میثم»
 با غمتان در دو جهان خرّم

۶- گشته ام محزون و نالان اشکبار مجتبی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک مرثیه زمزمه ای
 قالب غزل
 شاعر امیر حسینی امیر حسین
 منبع برگ سبز
 تعداد استفاده *

متن شعر

گشته ام محزون و نالان اشکبار مجتبی
 غرق اندوه و تالم داغدار مجتبی
 می رود سوی مدینه شهر غم افکار من
 راه مسجد، بین کوچه، در کنار مجتبی

می نشینم غربتش با دل تماشا می کنم
 اشک می ریزم به حال بی قرار مجتبی
 نیست یک تن مرد، در آن کوچه ی تاریک و ننگ
 تا شود از روی لطف و مهر، یار مجتبی
 کاری از دستش نمی آمد، مگر اندوه و آه
 از همین می سوخت قلب پر شرار مجتبی
 با لگد با تازیانه، بین کوچه پشت در
 در خزان بردند نامردان بهار مجتبی
 بعد از آن روز سیاه و شوم بین کوچه ها
 محو شد در گریه و غم روزگار مجتبی
 بس که داغ مادرش در سینه پنهان کرده بود
 بوی زهرا می دهد خاک مزار مجتبی

۷- ای شبل نبی و حجت حق

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک ولادتی
 قالب مثنوی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای شبل نبی و حجت حق
 ای نام تو از خدای مشتق
 تو پور علی مرتضائی
 نامت حسن و تو مجتبابی
 ای شمع حرمسرای توحید
 پروانه ی بزم توس خورشید
 ای صبر، همیشه داغدارت
 ویرانه چرا بود مزارت
 بی زائر و بارگاه و ایوان

در سایه ی آفتاب سوزان
 ای اشک ملک نثار قبرت
 وی چرخ فلک مطیع صبرت
 ای مظهر صبر ، صبر تا کی ؟
 بام حرم تو ابر ، تا کی ؟
 سوزد دل شیعیان ز داغت
 وز ماتم قبر بی چراغت
 آن زهر که زد به جانت آتش
 افتاد بر استخوانت آتش
 تنها نه به جان تو شرر زد
 آتش به تمام خشک و تر زد
 تنها دل زینبت نمی سوخت
 از داغ غم تو عالمی سوخت

۸- از نام حسن به فرق تاجی دارم

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب رباعی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

از نام حسن به فرق تاجی دارم
 وز نور رخس به دل سراجی دارم
 بر آل محمد و علی محتاجم
 دیگر به کسی چه احتیاجی دارم

۹- ای سبط پیمبر ، پسر حضرت حیدر

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غریب مدینه امام حسن یا امام حسن (۳)

حسن غریبه غریبه غریبه (۳)

ای سبط پیمبر ، پسر حضرت حیدر ، حسن ای غریب مادر

داغ تو به سینه - مظلوم مدینه

ای یار و نگارم ، هر جا زده ام من ، سنگ تو به سینه

یار دلربایم ، کی شود بیایم ، یک شبی مدینه

آسمان دل را ، ای یوسف زهرا ، تو ماه منیری

باشد آرزویم ، تا در صف محشر ، دستم تو بگیری

افتاده ام از پا ، باشد دل من خون ، چون لاله ی صحرا

دست تو ببوسم ، دستی که به کوچه ، شد عصای زهرا

ای دارو ندارم ، ای باغ و بهارم ، کن نگه تو مولا

ای دلبر خوبان ، امضا کن حسن جان ، تو کربلا را

۱۰- سر چشمه ی فضیلت و جود و سخا حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سر چشمه ی فضیلت و جود و سخا حسن
تفسیر نور و معنی وجه خدا حسن
ای لاله ی معطر گلزار احمدی
گل از تو غنچه از تو بود با صفا حسن
تو دومین ستاره ی برج ولایتی
خورشید می کند ز تو کسب ضیا حسن
با چشم کور وارد محشر نمی شود
چشمی که کرد گریه برای تو یا حسن
چون می شود اگر ز ره لطف وا کنی
با دست مهر خود گره از کار ما حسن
برگیر دست من که من از پا افتاده ام
ای دستگیر مردم بی دست و پا حسن
می خواهم از خدای که فرصت دهد مرا
خاک ترا به دیده کنم توتیا حسن

۱۱- آتش از مهر تو می گردد گلستان یا حسن**مشخصات**

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آتش از مهر تو می گردد گلستان یا حسن

خار را فیض تو سازد لاله باران یا حسن
 تو کریم اهل بیتی ای کریم اهل بیت
 عالمی یکسر بود بر خوان تو مهمان حسن
 از دو قرص نان بود کمتر به چشمش مهر و ماه
 هر که گردد بر سر خوان تو مهمان یا حسن
 تربت بی سقف از آن باشد که در هر بامداد
 بوسه بر قبرت زند مهر فروزان یا حسن
 از مزار بیچراغت می دمد هر صبح و شام
 بر دل اهل تولا نور ایمان یا حسن
 گر شوم بهر گدایی ساکن باب البقیع
 می فروشم ناز بر ملک سلیمان یا حسن
 مصطفی از کودکی بوسیده لبهای ترا
 در دهانت رازها می دید پنهان یا حسن
 گفت پیغمبر که هر چشمی بگرید در غمت
 نیست در روز جزا آن چشم گریان یا حسن

۱۲- عشق بود در بدر کوی تو

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک ولادتی
 قالب مثنوی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

عشق بود در بدر کوی تو
 پنجه ی دل شانه زند موی تو
 اهل زمین محو جمال تو‌اند
 عاشق روی بی مثال تو‌اند
 خُلق تو و خُلق پیمبر یکی است
 خوی تو چون مرد دو عالم علی است

خدا ترا ز حُسن خود آفرید
 نقش ترا مثال حیدر کشید
 سخاوت از وجود تو دم زند
 گدای تو طعنه به حاتم زند
 بقیع تو کعبه ی دلها شده
 ز غربت عقدۀ ی دل وا شده
 با غم عشق تو سرشته گلم
 مزار با صفای تو در دلم
 خاطره ی کوچۀ و سیلی چه بود
 چرا رخ مادر تو شد کبود
 چرا به تو زخم زبانها زدند
 پیش تو چون سیلی به زهرا زدند

مظلومتر از مجتبی دنیا ندیده
 در کوچۀ دیده آنچه او بابا ندیده
 در کوچۀ او با مادرش همراه بوده
 او شاهد سیلی به روی ماه بوده

۱۳- ای دو جهان فدا یا حسن بن علی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک مرثیه
 قالب قصیده
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع نخل میثم ۳
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای دو جهان فدا یا حسن بن علی
 مظهر صبر خدا یا حسن بن علی
 شیر خدا را خلف درّ سه بحر شرف
 آینه ی کبریا یا حسن بن علی

حای تو حسن ازل سین تو سر ابد
 نون تو نور الهدی یا حسن بن علی
 مهر رخ دلربات لعل لب جانفزات
 بوسه گه مصطفی یا حسن بن علی
 گه سر دوش رسول گه روی دست پدر
 گه به بر مرتضی یا حسن بن علی
 هم به سکوت و پیام هم به قعود و قیام
 بر همه ای مقتدا یا حسن بن علی
 اسوه ی ما صبر توسست کعبه ی ما قبر توسست
 بقیع تو قلب ماست یا حسن بن علی
 ای به کرم چون پدر از همه مشهورتر
 حاجت ما کن روا یا حسن بن علی
 عبد تو خیرالعباد باب تو باب المراد
 دست تو مشکل گشا یا حسن بن علی
 صلح تو تیری دگر بر دل بیدادگر
 صبر تو دین را بقا یا حسن بن علی
 بنده ی ناقابل هر چه که هستم دلم
 با تو بود آشنا یا حسن بن علی
 کار تو اکرام بود اجر تو دشنام بود
 ای همه جود و سخا یا حسن بن علی
 حلم مکرر کنی نیست عجب گر کنی
 دشمن خود را عطا یا حسن بن علی
 زخم همه در دلت یار شده قاتلت
 کُشت تو را از جفا یا حسن بن علی
 بی کسی ات را چو دید زهر به دادت رسید
 تا شدی از غم رها یا حسن بن علی
 قلب تو بی تاب شد به کودکی آب شد
 در وسط کوچه ها یا حسن بن علی
 سوخت دل و جان تو که پیش چشمان تو
 فتاد زهرا ز پا یا حسن بن علی
 جعده اگر جانی است قاتل تو ثانی است
 که کشت مام تو را یا حسن بن علی
 اجر نبی بود این که آید از راه کین

بر بدنت تیرها یا حسن بن علی
«میثم» دل‌باخته سوخته و ساخته
قصیده بهر شما یا حسن بن علی

۱۴- گل پسر شیر خدا کریم آل فاطمه

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک ولادتی
قالب قصیده
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

گل پسر شیر خدا کریم آل فاطمه
سبط نبی اکرمی ای پر و بال فاطمه
تمام قد ، آینه ی جاه و حلال فاطمه
ای متجلی از رخت شمس جمال فاطمه
خُلُق حسن ، خوی حسن ، طاق دو ابروی حسن
نام حسن ، روی حسن ، پیچ و خم موی حسن

زائر عشق گشته ام میان کوچه باغ تو
به گنبد غمت قسم گرفته دل سراغ تو
به صحن غربت قسم به قبر بی چراغ تو
گرفته دست اشک من ضریح صبر و داغ تو
پیش کِشت نموده ام دل شکسته ام حسن
به گریه ام برای تو امید بسته ام حسن

۱۵- باز دل غریب من سوی مدینه پر زده

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

باز دل غریب من سوی مدینه پر زده
به خانه ای که سوخته به اشک دیده در زده
به کوچه ها جستجوی لاله و یاسمن کند
به پشت دیوار بقیع حسن حسن کند
مثل کبوترها همونجا آب و دونه می گیره
دور و بر قبر حسن یه آشیونه می گیره
میگم آقا تویی کریم چی میشه رحمت کنی
می گم آقا پول ندارم چی میشه دعوت کنی

۱۶- سفره ی لطف چه پر فروغه

مشخصات

مناسبت مدح

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سفره ی لطف چه پر فروغه

در خونت چقدر شلوغه

تو کریمی و ، من گدای ، دوره گرد ، پشت درب ، خونت نشسته

با یه نگاه ، عاشقونت ، می کشی تو ، عاشقا تو ، دسته دسته

سیدنا یا حبیبی یا حبیبی یا حبیبی یا حسن جان (۲)

برای سر مستی دوباره

می کنم باز امشب استخاره

تو ادب و عشق ، بوده عبا ، س علی شا ، گرد درس ، تدبیر تو

همه می دیدند ، روز صفین ، پشته می ساخت ، ضربه های ، شمشیر تو

سیدنا یا حبیبی یا حبیبی یا حبیبی یا حسن جان (۲)

ماها رو عازم دار الشرف کن

زائرای ایوون نجف کن

دوباره شدم ، مثل لیلی ، مثل مجنون ، مثل دل‌های حیدریون

شده دل من ، مست ساغر ، مست باده ، مست صهبای حیدریون

سیدنا یا حبیبی یا حبیبی یا حبیبی یا حسن جان (۲)

وزیر دربار شاه دینه

پسر زهرا و ام البنینه

مدار فلک ، در نگاشه ، کل هستی ، زیر پاشه ، عالم فداشه

قرار حسین ، خنده هاشه ، اختیار ، زند گیمون ، تو پنجه هاشه

سیدنا یا ابوالفضل یا ابوالفضل یا ابوالفضل آقام ابوالفضل

توی این دنیا همتا نداره

رو بازوش حرز فاطمه داره

می تپه دلش ، مثل دستاش ، مثل چشماش ، بهر مولاش ، آروم نداره

بر روی بازوش ، لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقاره

سیدنا یا ابوالفضل یا ابوالفضل یا ابوالفضل آقام ابوالفضل

۱۷- گل را به رونمای حسن آفریده اند

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

گل را به رونمای حسن آفریده اند
 دل را ز خاک پای حسن آفریده اند
 بر بام عرش پرچم آقائیش زدند
 ما را ز جان گدای حسن آفریده اند
 فردوس و جنتی که بقرآن ستوده اند
 از ناز چشمهای حسن آفریده اند
 آن پرچمی که دست علمدار کربلاست
 از گوشه ی عبا ی حسن آفریده اند
 سلطان عشق سایه نشین لوای اوست
 عشاق را فدای حسن آفریده اند
 جود و سخا و حُسن و دلیری و صبر را
 در سایه ی لوای حسن آفریده اند
 فهم کسی به ساحت صبرش نمی رسد
 غم را فقط برای حسن آفریده اند
 عالم برای غربت او گریه می کند
 نی را پر از نوای حسن آفریده اند
 تنها کسی که محرم غمهای مادر است
 در کوچه کربلای حسن آفریده اند

۱۸- ای کمال حُسن داور یا حسن**مشخصات**

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۳

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای کمال حُسن داور یا حسن
 ای ز سر تا پا پیمبر یا حسن
 ای به روی سینه ی ختم رسل
 صورتت قرآن دیگر یا حسن
 در شجاعت چون امیرالمؤمنین
 از تو آید فتح خیبر یا حسن
 پرورشگاه تو ای جان جهان
 دامن زهرای اطهر یا حسن
 جنگ عاشورا قیام کربلا
 از تو آید چون برادر یا حسن
 صلح تو یک کربلا خون و قیام
 جنگ تو اعجاز حیدر یا حسن
 بر دفاع دین حق این جنگ و صلح
 هر دو با هم شد برابر یا حسن
 مصطفی ختم رسل خوانده تو را
 در قیام و صلح رهبر یا حسن
 صبر تو صبر امیرالمؤمنین
 عزم تو میراث مادر یا حسن
 سایه ی باب البقیعت بهر من
 ز آفتاب کعبه بهتر یا حسن
 دور قبر بی چراغت روز و شب
 می زند مرغ دلم پر یا حسن
 ای خوش آن زائر که در پشت بقیع
 نیمه های شب زند در یا حسن
 ای که هر بیگانه و هر آشنا
 داده دشنامت مکرر یا حسن
 ای که جای اشک ، چشم آسمان
 در غمت افشانده اختر یا حسن
 از مزار بی چراغت می دهی
 نور بر دلها سراسر یا حسن
 روز محشر می شود با یاد تو

اشک چشم شیعه کوثر یا حسن
 سوزهای مخفی و نا گفته ات
 می زند بر سینه آذر یا حسن
 دیده ای کز بهر تو گریان بود
 نیست گریان روز محشر یا حسن
 خون دلهایی که عمری خورده ای
 از دهانت ریخت آخر یا حسن
 بعد بابت در امامان نیست کس
 مثل تو بی یار و یاور یا حسن
 قتل تو آن هم به دست همسرت
 بود کی این گونه باور یا حسن
 با چه جرمی بر تن مسموم تو
 تیر کین بنشست تا پر یا حسن
 حق ذی القربی ادا شد تا تو را
 تیر کین آمد به پیکر یا حسن
 کاش می شد در کنارت تربت
 می زدم بر سینه و سر یا حسن
 تو کریم اهل بیتی از کرم
 حاجت ما را بر آور یا حسن
 روز محشر دست «میثم» را بگیر
 ای که هستی دست داور یا حسن

۱۹- ای ز رخت حسن خدا منجلی

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب مثنوی

شاعر ناشناس

منبع زمزمه های ولایت ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای ز رخت حُسن خدا منجلی
 نور دو چشمان بتول و علی
 تو آینه دار خدایی حسن
 کریم آل مصطفایی حسن
 تو روح صوم و معنی صلاتی
 تو لنگر سفینه النجاتی
 مفتخر از کرامت کرامت
 مرام هم ریزه خور مرامت
 چشم جنان همیشه دنبال توست
 هر آنچه حُسن است همه مال توست
 حور و ملک جمله گدای گدات
 ای همه ی حُسن فروشان فدات
 جود و کرم را یم بی ساحلی
 در ادب استاد ابوفاضلی
 مدینه آسمان روی ماهت
 فاطمه مست باده ی نگاهت
 تو ناخدای کشتی نجایی
 بیت نخست شعر کربلایی
 عشق ز عشق تو به تاب و تب است
 جلوه ای از حلم تو در زینب است
 فروغت آفتاب عالمین است
 غم تو مافوق غم حسین است

۲۰- به قبله ی همه من قبله ام به قبله قسم

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب مثنوی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

به قبله ی همه من قبله ام به قبله قسم
 سرشک کعبه ز عطر من است این زمزم
 برای خلق زمین و برای اهل سما
 برای خاک نشینان و اهل عرش علی
 چنان دو چشمه ی نوری ز خویش پوشیدم
 گمان نموده لباس از ستاره پوشیدم
 سخا و جود و کرم بندگان دربارم
 منم که خالق رأفت خدای ایثارم
 منم که روشن روزم منم که تیره شبم
 منم که عبد خدا بهر کائنات ربم
 ز یک اراده ی ما شد هر آنچه هر جا شد
 نخواستیم ما هیچگاه نشد که نشد
 ز جود ماست به عالم هر آنچه موجود است
 ز یک اشاره ی ما هر چه هست نابود است
 ز لطف ماست که این سقف بی ستون برپاست
 ز یمن ماست که این خاک بی سکون برجاست
 تمام عالم ایجاد در احاطه ی ماست
 مثال ما مثل ریگ و وسعت دریاست
 اگر پرید کبوتر ز ما اجازت داشت
 و گر توان پریدن نداشت اذن نداشت
 به گل طراوت و حُسن و جمال من دادم
 برای نغمه به بلبل مجال من دادم
 اگر کسی به خیالش مرا تجسم کرد
 بر این ترحم واهی خرد تبسم کرد
 به عرصه ای که عقولند محو و خیره و مات
 خیال و دست به دامان ما زدن هیئات
 نه من که شیعه ی درگاه ماست لا یدرک
 که شیعه هست وجود خدای را مدرک
 ز نای ماست که نی را نوای جانسوز است
 ز داغ ماست که این سان شراره افروز است

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای جگر گوشه ی زهرا گل گلزار رسول
یا حسن ایکه تویی مایه ی تسکین بتول
اشک روان دارم ز غمت ، آتش جان دارم ز غمت
با دل پر خون هر شب و روز ، آه و فغان دارم ز غمت
مظلوم حسن حسن جان (۲)

ایکه جز رنج و مصیبت نشده حاصل تو
وا مصیبت که شده همسر تو قاتل تو
نشسته دیده در غم تو ، به سوگ و رنج و ماتم تو
وای از این ماتم که شده ، قاتل جانت محرم تو
مظلوم حسن حسن جان (۲)

به هوای حرمت پر زده مرغ دل من
شده نامت همه دم شمع شب محفل من
گریه ی من از تربت توست ، از غم و درد و محنت توست
عالم امکان هر شب و روز ، شاهد رنج و غربت توست
مظلوم حسن حسن جان (۲)

ایکه از زهرا جفا لخته ی خون شد جگرت
جان و دل سوخته افتاده به پیکر شررت

۲۲- امشب هوای غربت رخنه به سینه کرده

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع گلوژه های محرم ۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

امشب هوای غربت رخنه به سینه کرده
آخر ماه صفر یاد مدینه کرده
تو آسمون قلبم خدا خودش نوشته
یه لحظه با تو بودن بالاتر از بهشته
تو در رکاب حیدر دلیر و بی نظیری
برای تو همین بس تو بر حسین امیری
کرامت الهی می باره از نگاهت
آسمونو سوزونده آتیش سوز و آهت
دلت می خواست همیشه به همراه برادر
باشی به وقت پیری عصای دست مادر
اما یه روز تو کوچه دیدی قدش خمیده
روی زمین فتاده رنگ از رخس پریده
دیدي عزیز طاها روی زمین نشسته
ای وای ز ضرب سیلی گوشواره هاش شکسته
وقتی که یاس حیدر مثل بنفشه ها شد
برای تو مدینه یه پارچه کربلا شد
شجر طور مادر وارث نور مادر
تو ماجرای کوچه سنگ صبور مادر

۲۳- اون که دستگیر منه خونس پر از جبرئله

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منیع گلوآزه های محرم ۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

أیها الناس بدانید گدای حسنم (۲)

اون که دستگیر منه خورش پر از جبرئله
 استجابت مٹ یک گدا به دستاش دخیله
 صد تا موسی برا دستبوسی به پیشگاه درش
 وقت قبلی می گیرند از خادمای نوکرش
 یوسف مصر در خورش تو صف گدائیه
 واسه اون فرق نداره گدا کیه کجائیه
 اسم حاتم توی لیست سائلش دیده می شه
 برا کافر هم یه جائی سر سفرش جا می شه
 صد سلیمان نبی عبد و غلام سیاهته
 اون بهشتی که میگن عکس یه نیم نگاهته
 آسمون با همه ی بزرگیاش خاک توئه
 همه هیئتای ارباب جزء املاک توئه
 توی عالم چه چیزی قیمت عشق پاکته؟
 من کیم وقتی یل ام البنین هلاکته
 هر کی تو گریه برای یه غریب کم نداره
 خدا نسلشو محب اهل بیت بار میاره
 هر کی غارت زده ی عشق تو شد تو عالمین
 تازه نوکریشو امضا می کنه امام حسین
 آقا بی صلح تو هیچ سالی محرم نمی شه
 هر چی سینه می زنم از غربت کم نمی شه
 بمیرم برات که صد تا کربلا تو غربتی
 نه زیارت نامه داری نه شب زیارتی
 نه یه شمع و نه چراغی تو کجا امام رضا
 نه حرم داری نه زائری و نه صحن و سرا
 همه می گن که غریب الغریب امام رضاست
 ولی من می گم غریب فقط امام مجتبی است

۲۴- عمری گرفتار دردم من سائلی دوره گردم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک نوحه سنگین جدید

قالب آهنگین

شاعر عبدالکریمی مهدی

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

عمری گرفتار دردم من سائلی دوره گردم
 هر جا که نام از تو آید بنشستم و گریه کردم
 ارباب حسن یابن زهرا (۴)

چون مرتضی اشجع الناس زیباترین شاخه ی یاس
 استاد صبر تو حیدر شاگرد درس تو عباس
 ارباب حسن یابن زهرا (۴)

شاه کریم مدینه خورشید قطب جهانی
 آقا تو قبل از ابوالفضل عموی صاحب زمانی
 ارباب حسن یابن زهرا (۴)

ای سفره دار مدینه شمع غم افروزیم کن
 امسال قبل از محرم کربلا روزیم کن
 ارباب حسن یابن زهرا (۴)

بر لوح قلبم نوشته کرامت ا... حسن جان
 ای نور چشمان حیدر ما عبد و تو شاه حسن جان
 ارباب حسن یابن زهرا (۴)

۲۵- ای تو با قلبم صمیمی یا حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب قافیه پریشان

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای تو با قلبم صمیمی یا حسن

تو کریم بن کریمی یا حسن

داری از زهرا نشان یا مجتبی

مهربانی دلرحیمی یا حسن

صاحب رزقی و جودت بیکران

ریزه خوار سفره ات هر انس و جان

آن قدر بخشنده ای محبوب من

بر سر خوان تو حاتم میهمان

از می کوثر شرابم می دهی

در خم زلفت چه تابم می دهی

آنقدر خوبی که هر چه بد کنم

با کریمی تو جوابم می دهی

تا خدا پرداخت جسم و جان و تن

پر نمودم از غم و رنج و محن

روی قلبم در ازل حک کرد او

هست این مخلوق مجنون الحسن

کودک زیبای حیدر یا حسن

بعد زهرایی تو دلبر یا حسن
گفته حق هر کس بگرید بهر تو
می رود خندان به محشر یا حسن

بی کس شهر پیمبر یا حسن
غربت تو همچو حیدر یا حسن
من چگویم شرح درد را غریب
ای عصای دست مادر یا حسن

گریه کردن کار هر روز و شبت
آمده از غصه ها جان بر لب
من نمی گویم که در کوچه چه شد
آنقدر گویم کمان شد زینبت

در میان کوچه دشت راه بست
حرمت صدیقه ی زهرا شکست
آنقدر بر جسم و جانش لطمه خورد
بی تأمل مادرت از پا نشست

خیره مانده چشمهایت سوی در
داغ آن کوچه هنوزت بر جگر
تا زمانیکه به دنیا زیستی
دیگر از آن کوچه ننمودی گذر

۲۶- حسن ریحانه ی گلزار طاهاست

مشخصات

مناسبت مدح
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

حسن ارباب من (۴)

حسن ریحانه ی گلزار طاهاست
 حسن دردانه ی دامن زهراست
 حسن فرمانده ی کون و مکان است
 عموی حضرت صاحب زمان است
 حسن آئینه ی سیمای زهراست
 روان از کوثر مینای زهراست
 حسن گنجینه ی اسرار زهراست
 میان کوچه ی غم یار زهراست
 حسن گنجینه ی احساس باشد
 بلا گردان او عباس باشد
 شفای شیعیان شهد لب اوست
 طیب دردمندان زینب اوست
 حسن تقدیر قدر شیعیان است
 حریم خانه اش دارالامان است
 حسن تفسیر رمز کوثری بود
 جواب طعنه های حیدری بود
 حریف صد سپاه و لشکر است او
 دو بازوی امیر خیر است او
 الا شیعه بیا اهل صفا باش
 گدای کاسه لیس مجتبی باش
 بحمد... در این خانه گدایم
 سگ کوی امام مجتبیام

۲۷- به درت دست تو سل زده ام

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

به درت دست تو سل زده ام
ز دلم تا به بقیع پل زده ام
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

به در خانه ی تو زنجیرم
بخدا جدا ز تو می میرم
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

ای مسیحای مسیحا پرور عالم حسن
وی بدست رشته ی عشق بنی آدم حسن
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

گر چه بی نام و نشانم یا امام مجتبی
خاکبوس آستانم یا امام مجتبی
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

دل من عاشق تو ست تویی جانانه ی من
همه ی هستی من تویی یا امام حسن
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

یا حسن امشب چو خوبانت من بد را ببر
لحظه ای چشمت ببند و خوب و بد در هم بخر
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

تو کریم اهل بیتی من گدای اهل بیت
دست خالی رد نسازم ای صفای اهل بیت
به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

یا حسن ناقابل اما گرفتار توأم
 یا حسن دستم تهی اما خریدار توأم
 به ولای تو دلبستم ، نکنی رها دستم

۲۸- ای ز حسن روی تو دیده منجلی

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب مثنوی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای ز حسن روی تو دیده منجلی
 نور چشم زهرایی زاده ی علی
 مهر عالم هستی عشق سرنوشت
 سید جوانان گلشن بهشت
 اولین گل مولا دومین امام
 بر تو از تمامی شیعیان سلام
 ای به عالمی سرور ای به ما شفیع
 کی شود که گردم من زائر بقیع
 عکس تو بود نور قاب سینه ام
 روز و شب بیاد تو در مدینه ام
 نذر غصه های تو داغ عشق من
 قبر بی چراغ تو باغ عشق من
 سید و سالاری از همه سری
 بیشه ی شجاعت را شیر حیدری
 صاحب دو چشم من اهل عالمین
 این یکی حسن باشد این یکی حسین

کاش ای بقربان حلم و صبر تو
 ذره ای خاک بودم روی قبر تو
 من کیم که تا محشر ای گل عفاف
 کعبه گرد قبر تو می کند طواف
 یک صدا وجود من گوید این سخن
 بآبی أنت و اُمی یا حسن
 قلب من به دو حالت غرق شور و شین
 وقت دم حسن گوید بازدم حسین

۲۹- ای مظهر جمال جمیل خدا حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک مرثیه
 قالب قصیده
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع زمزمه های ولایت ۴
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای مظهر جمال جمیل خدا حسن
 وی طلعت تو آینه ی کبریا حسن
 خاک در تو کعبه ی عشاق کوی تو
 مهر رخ تو قبله ی اهل ولا حسن
 پاسخ شنید از طرف ذات ذوالجلال
 هر دل شکسته ای که تو را زد صدا حسن
 آنجا که وهم را نبود راه هیچ گاه
 دائم تو رهبری و توئی مقتدا حسن
 از ماهیان بحر الی ساکنان عرش
 گریند در غم تو به صبح و مسا حسن
 با خنده دیده دوخت به روی تو فاطمه
 با گریه بوسه زد به لب مصطفی حسن
 گردی گر از بقیع تو با خود برد نسیم

نبود عجب که زنده کند مرده را حسن
 گرید به یاد غربت تو چشم اهل دل
 سوزد چراغ قبر تو در قلب ما حسن
 گرد حریم تو که درش بسته روز و شب
 صف بسته اند سلسله ی انبیا حسن
 صلح و ثبات و صبر تو گردید از ازل
 بنیانگذار واقعه ی کربلا حسن
 چشم زمانه بعد علی از تو در جهان
 مظلوم تر ندیده بحق خدا حسن
 ای چشم غیر بر کرم، با کدام جرم
 دشنام ها شنیده ای از آشنا حسن
 آن خواست دست بسته برد سوی دشمنت
 این یک فشرد بر روی پایت عصا حسن
 این غم کجا برم که خطیبی به پیش روت
 دشنام داد بر پدرت مرتضی حسن
 این غم کجا برم که تو را یار آشنا
 گردید مار و کشت به زهر جفا حسین
 این غم کجا برم که پس از مرگ جای گل
 باران تیر بر بدنت ریخت یا حسن
 این غم کجا برم که برادر به دست خویش
 بیرون کشید از بدنت تیرها حسن
 تابوت و تن ز تیر، یکی گشت و زین الم
 قد حسین همچو کمان شد دو تا حسین
 گر جان شود جدا ز تنش بر فراز دار
 «میشم» نمی شود ز تو هرگز جدا حسن

۳۰- دوش افتادم به حال احتضار

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب مثنوی
 شاعر ناشناس

منبع شراب هیأتی ۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دوش افتادم به حال احتضار
 جان سپردم با دلی اندوهبار
 دیدم آنجا دوستان فارغ ز صبر
 بی مهابا می برندم سوی قبر
 گشت مأوایم درون قبر تنگ
 ریختند آنجا به رویم خاک و سنگ
 شد سپس دور از نظرها یاد من
 غربت آمد بر مبارکباد من
 باز کردم چشم و دیدم خویش را
 آری آن هنگامه ی در پیش را
 این طرف رؤیای باغ آرزو
 آن طرف از نار و آتش گفتگو
 این طرف جنسی لطیف و نرم داشت
 آن طرف احساس کردم شرم داشت
 این طرف صحبت ز وصل یار بود
 آن طرف حرف حمیم و نار بود
 این طرف می کرد هر دل سرخوشی
 آن طرف می کرد آتش سرکشی
 این طرف اهل جنان غرق طرب
 آن طرف دوزخ میان تاب و تب
 بود در دل آرزوی باغ یار
 آرزوی دیدن روی نگار
 ناگهان بردند در این گیر و دار
 دست بسته روح من را سوی نار
 منکه بذر یأس در دل کاشتم
 بر همه دست توصل داشتم
 گر چه میزان عمل پستم گرفت
 ناگهان دیدم کسی دستم گرفت
 در میان آن هیاهوی نهیب

می کشد دست مرا دست غریب
گفت: از مایی تو ای از ما جدا
ای رمیده کی نمائیمت رها
گفتم او را کیستی فلک نجات
کیستی سرچشمه ی آب حیات؟
گفت: هستم آیه ی فتح القریب
جان زهرایم غریب بن غریب
من کریم اهل بیت کوثرم
من حسن هستم که از عالم سرم
گر چه کارت جرم و عصیان کردن است
شیوه ی ما لطف و احسان کردن است
کی گذارم بر دلت داغ بهشت
می کنم ارزانی ات باغ بهشت
گفتم او را ای بهستم روی تو
جنت المأوی من گیسوی تو
ای که باشد بر تو زهرا بیقرار
بی تو با باغ جنانم نیست کار
بهر من باغ جنان رخسار توست
دیدن روی خدا دیدار توست
همره خود تا به اعلایم ببر
جانب زهرا و مولایم ببر
جانب زینب ببر سوی حسین
تا بگیرم ذره ای بوی حسین

۳۱- من سبط اکبر پاره ی قلب رسولم

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک ولادتی

قالب قصیده

شاعر ناشناس

منبع گلوآژه های محرم ۱۱

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من سبط اکبر پاره ی قلب رسولم
 من روشنی چشم زهرای بتولم
 من انعکاس دست جود مادر هستم
 آری گل یاس سپید مادر هستم
 با صلح خود من آبروی نینوایم
 پایه گذار نهضت کربلایم
 من دلغمین ناله های مرتضایم
 ابن الغریم من غریب مجتبیام
 از کودکی مست ولای مادریم
 اشکم به کوثر وصل باشد کوثریم
 من مظهر صبرم تجلی در شکیم
 حتی میان خانه ی خود هم غریبم
 از هر کسی و ناکسی طعنه شنیدم
 هر چه کشیدم از خودیها من کشیدم
 من آشنا با رنگ و بوی یاس هستم
 آزرده از قومی نمک شناس هستم
 مظلوم و بی یاور شدم در اوج غربت
 گشتم هدف بر شعبه های تیر تهمت
 من روضه خوانم روضه را سربسته گویم
 از دردهای مادری دلخسته گویم
 در کودکی دیدم غبار بی کسی را
 گل چیدن از گلبرگ یاس نوری را
 من تا ابد دلگیرم از هر کوچه و سنگ
 از مردمان بی وفا و پست و نیرنگ
 ای کاش می مردم در آن کوچه نبودم
 من اولین شاهد به رخسار کبودم
 من بازتاب آن جمال نیلی هستم
 من داغدار قرص ماه سیلی هستم
 من جای پنجه بر رخ دلدار دیدم
 عکس جمالی بر روی دیوار دیدم
 مادر ز سیلی عدو بر خویش پیچید

چشم کبود او دگر جائی نمی دید

۳۲- هر جا که سائلی است بود خانه ی کریم

مشخصات

مناسبت مدح

سبک واحد جدید

قالب غزل

شاعر مؤید سید رضا

منبع گل‌های محبت

تعداد استفاده ۰

متن شعر

هر جا که سائلی است بود خانه ی کریم
این یک نشانه ای است ز کاشانه ی کریم
روح کرم همیشه گدا را صدا زند
بی وقت و وقت، باز بود خانه ی کریم
صدها نیاز سائل مسکین روا شود
از فیض یک نگاه کریمانه ی کریم
جاری ز کوثر است خدایا مگر که هیچ؟
خالی نمی شود لب پیمانه ی کریم
باشد کریم آل محمد مراد ما
هر جا که هست صحبت جانانه ی کریم
درد «مؤید» و کرم بی شمار اوست
مرغ دل اسیر من و دانه ی کریم

۳۳- خادم کوی تو میکائیل است

مشخصات

مناسبت مدح

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خادم کوی تو میکائیل است
چشمه ی چشم تو رود نیل است
حیف از صحن و سرا محرومی
ورنه جارو کش تو جبریل است

۳۴- آخریه روز شيعه برات حرم می سازه

مشخصات

مناسبت مدح
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع زمزمه های ولایت ۵۴
تعداد استفاده ۰

متن شعر

آخریه روز شيعه برات حرم می سازه
حرم برای تو شه کرم می سازه
آخر برات یه گنبد طلا می سازیم
شبيه گنبد امام رضا می سازیم
به کوری عایشه و دشمن حیدر
بقیع تو آباد می شه گل پیمبر
سر مزارت ضریح طلا می سازیم
مثل ضریح شش گوشه بهشت می سازیم
آخریه روز ضریح تو بغل می گیرم
حسن حسن میگم پای ضریح می میرم
پنجره فولاد می سازیم حاجت بگیریم
دخیل می بندیم بدونی بر تو اسیریم

سقا خونه بنا کنیم با شور و احساس
 سر قبر امّ البنین مادر عباس
 آقام میاد و می گیره تقاص زهرا
 آباد می شه مدینه با قدوم مولا

۳۵- ما شیعه ی آل مرتضی می باشیم

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب رباعی
 شاعر ناشناس
 منبع گلوازه های عترت ۲
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ما شیعه ی آل مرتضی می باشیم
 از خاک بقیع و کربلا می باشیم
 یک عمر اگر حسین حسین می گوئیم
 مدیون امام مجتبی می باشیم

۳۶- نه گرد تو و نه گرد من می گردد

مشخصات

مناسبت مدح
 سبک ولادتی
 قالب رباعی
 شاعر ناشناس
 منبع گلوازه های عترت ۲
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

نه گرد تو و نه گرد من می گردد

عالم به مدار پنج تن می گردد
دیری است تمام ذره های ملکوت
پروانه صفت دور حسن می گردد

۳۷- تو شمعی و بزمت دل انجمن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک مرثیه
قالب قصیده
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع نخل میثم ۴
تعداد استفاده ۰

متن شعر

تو شمعی و بزمت دل انجمن
تو سروی و مُلک وجودت چمن
حجاز از بوی عطر گیسوی تو
خُتن در خُتن در خُتن در خُتن
جبین و رخ و خال و خط هر چهار
حسن در حسن در حسن در حسن
به وصف تو زلف عروسان طبع
شکن در شکن در شکن در شکن
به هر انجمن گوهر مدح تو
دهن در دهن در دهن در دهن
فلک گفت این گل ز گلزار کیست
علی گفت دامان زهرای من
علی را تویی نور بینش به چشم
نبی را تویی جان شیرین به تن
رہین عطای تو خُرد و کلان
گدای سر کوی تو مرد و زن
ولی خدا از رخت شادمان
رسول خدا بر لبَت بوسه زن

تو در اختران سپهر رسول
 الی یوم محشر مه انجمن
 جحیم از نگاه تو دار السلام
 جنان بی وجود تو بیت الحزن
 صدای پدر بشنود فاطمه
 چو در محضر او تو گویی سخن
 ز صبر تو اسلام شد سر فراز
 به صلح تو کفر و ستم ریشه کن
 به دست تو باشد حساب و کتاب
 در آینه ی توسست سر و علن
 امامت برازنده ی شخص توسست
 چو کعبه که بر قامتش پیرهن
 دریغا که از دشمن و دوستت
 به دل بود رنج و ملال و محن
 دریغا که خون خوردی و زیستی
 غریبانه در خانه و در وطن
 کجا بود باور که ریزد فلک
 جگر پاره های تو را در لگن
 دریغا دریغا که در طشت ریخت
 ز دُرج دهانت عقیق یمن
 ز لعل لب گشت جاری عقیق
 ز خون دلت سرخ شد یاسمن
 دریغا که دشمن به تشیع تو
 به هم دوخت تابوت را با بدن
 به جای نثار گل از نوک تیر
 تنت را درید از حجاب کفن
 ز سوز جگر ناله زد باغبان
 که از خار آزرده شد نسترن
 شد آن روز جسم تو آماج تیر
 که دست علی بسته شد در رسن
 اگر چه ندارد مزارت چراغ
 چرخ است یادت به هر انجمن
 به «میثم» نگاهی که تا پای جان

بگرید به مظلومیت یا حسن

۳۸- آتشی شعله ور ز آه من است

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع نخل میثم ۴

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آتشی شعله ور ز آه من است
که شرارش به جان مرد و زن است
چشم ، سوی مدینه ، دل به بقیع
با حسن لحظه لحظه هم سخن است
تربت بی چراغ او هر شب
شمع جان و چراغ قلب من است
شعله با ناله ، شمع محفل دل
گوهر اشک ، نقل انجمن است
صفر است و دم حسینیون
همه جا ناله ی حسن حسن است
گریه ی ماهیان دریایی
در عزایش بود تماشایی

دلم امشب بهانه می گیرد
شعله از آن زبانه می گیرد
تیر آه از کمان ناله مدام
جگرم را نشانه می گیرد
گویی امشب کبوتری ز بقیع
در دلم آشیانه می گیرد
گل زخم دل امام حسن

در وجودم جوانه می گیرد
 غصه قصد دل مرا کرده
 غم به کف تازیانه می گیرد
 امشب از سوز سینه می گریم
 بر غریب مدینه می گریم

اشک در دیدگان من تنهاست
 ناله زندانی و سخن تنهاست
 آسمان مدینه اشک بریز
 ماه زهرا در انجمن تنهاست
 ماهیان هم به بحر می گریند
 بر غریبی که در وطن تنهاست
 با توأم ای مدینه پاسخ گوی
 به که گویم امام من تنهاست
 در و دیوار شهر می گویند
 امت مصطفی، حسن تنهاست
 هر کجا خلق، عبد دنیايند
 هادیان طریق تنهايند

تیرها زخمی تنش بودند
 اشک ها وقف دامنش بودند
 دشمنان متحد به دشمنی اش
 دوستان یار دشمنش بودند
 حق گشتی و دو رویی و دشنام
 خارهایی به گلشنش بودند
 همسر و دشمنان دوست نما
 در کمین بهر کشتنش بودند
 زخم تیغ زبان و خار جفا
 در دل و چشم روشنش بودند
 تیرها تا کنار تربت او
 گریه کردند بهر غربت او

کرد رحلت چو جدّ اطهر او

آسمان شد خراب بر سر او
 بود کودک که مادرش زهرا
 گشت نقش زمین برابر او
 جگرش پاره شد دمی که شکست
 گوشواره به گوش مادر او
 قاتل او مغیره و ثانی است
 کشت او را دوباره همسر او
 پیش تر از شرار زهر چو شمع
 آب گردیده بود پیکر او
 وارث غربت پدر حسن است
 از برادر غریب تر حسن است

یا حسن! صبر چون پدر کردی
 حفظ دین پیامبر کردی
 مشّت نابسته ی معاویه را
 در برِ خلق بازتر کردی
 شجر نور را ثمر دادی
 نخل دین را تو بارور کردی
 پیش تر از قیام کربلا
 تو به پا نهضتی دگر کردی
 به محرم حیات بخشیدی
 تا به ماه صفر سفر کردی
 مُلک توحید، خانه ی غم شد
 صفر از ماتمت محرم شد

آسمان سینه چاک یارب تو
 مرغ شب اشک ریز هر شب تو
 صبر و صلح و ثبات و ایمانند
 چار آئینه دار مکتب تو
 نقش گلبوسه ی رسول خداست
 بر گلوی حسین و بر لب تو
 پاره های دل تو را در طشت
 دید و شد پاره قلب زینب تو

زهر فریاد زد به سوز جگر
 آب هم سوخت ز آتش تب تو
 کل خلقت به ماتم تو گریست
 به خدا غم هم از غم تو گریست

ای ملک از طلایه دارانت
 صبر تو امتحان یارانت
 مرغ توحید با نوای حسن
 مدح خوان گرد شاخسارانت
 تو کریمی و عالم خلقت
 همه از خیل ریزه خوارانت
 طشت ، یک باغ لاله از جگرت
 پاره ی دل گل بهارانت
 با کمان سقیفه بر سر دست
 خصم دون کرد تیربارانت
 به تلافی بغض با پدرت
 عاقبت پاره پاره شد جگرت

پدر اقتدار پرور تو
 همسری داست مثل مادر تو
 یک جهان عاطفه رباب که بود
 یار و همسنگر برادر تو
 این تویی ای غریب خانه ی خویش
 که تو را زهر داد همسر تو
 این تو بودی که یار سنگین دل
 مار شد زد به جان و پیکر تو
 این تو بودی که سالها بنشست
 جعده چون جغد شوم بر در تو
 جگر شیعیان از این غم سوخت
 کو تو را بر یزید پست فروخت

تیرها زخم دار زخم تنت
 سوخت بر غربت بدن کفنت

گریه باید به تو چو ابر بهار
 که خزان کرد حمله بر چمنت
 یوسف فاطمه! که می جوشد
 عصمت از تار تار پیرھنت
 قصه ی کوچه داغ یاس کبود
 خون دل گشت و ریخت از دھنت
 همه در حیرتم چگونه کشید
 تیرها را برادر از بدنت
 داغ بر داغ اهل بیت فزود
 کاش عباس در بقیع نبود

دخت زهرا مه صفر دیده
 داغ مرگ پیامبر دیده
 در کنار دو طشت ، خون دلش
 از دو چشمش روانه گردیده
 در یکی رأس سید الشهداء
 در یکی پاره ی جگر دیده
 چوبه ی خیزران به دست یزید
 لب و دندان و طشت زر دیده
 رنج از رنج بیشتر برده
 داغ از داغ سخت تر دیده
 او که در قتلگاه ز پا نشست
 داد اینجا زمام صبر ز دست

دید قرآن و صوت قرآن را
 چوب خزران و درّ دندان را
 ناله ی وا محمدا سر داد
 همچو دل چاک زد گریبان را
 گر نگاه سر حسین نبود
 زینب از دست داده بود جان را
 چوب ابن زیاد در کوفه
 بس نبود آن لبان عطشان را؟
 «میشم» از دست ، لحظه ای ندهی

دل سوزان و چشم گریان را
عوض اشک در عزاداری
خون دل از دو دیده کن جاری

۳۹- ای کرامت به تو تمام حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
سبک مرثیه
قالب ترکیب بند
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع یک ماه خون گرفته (۲)
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای کرامت به تو تمام حسن
وی گدای تو خاص و عام حسن
ای رسول و علی و فاطمه را
نام تو خوشترین کلام حسن
قبر بی زائر تو کعبه ی دل
حرمت مسجد الحرام حسن
این عجب نیست گر امام حسین
پیش پایت کند قیام حسن
پای تا فرق حُسن در حُسنی
که خدایت نهاده نام حسن
کعبه با آن جلال می گیرد
از مزار تو احترام حسن
کیستی تو کریم اهل البیت
کیستم من تو را غلام حسن
دوست دارم که در مدینه شبی
به مزارت دهم سلام حسن
زائر روضه البقیع کن

سیدی سیدی امام حسن
 با تو بودم کرم کن و مگذار
 بی تو عمرم شود تمام حسن
 خاک ذریّه ی رسولم کن
 جان زهرا قسم قبولم کن

تو به اجداد خویشتن پدری
 تو به شخص پیامبر پسری
 تو عزیز دل سه معصومی
 تو دو دریای نور را گهری
 تو ز سر تا به پا امام علی
 تو ز پا تا به سر پیامبری
 تو امامی امام صبر و رضا
 تو ولیّ خدای دادگری
 تو غریب همیشه ی وطنی
 تو امام شهید در صفری
 تربت بی چراغ تو گوید
 کز شه کربلا غریب تری
 تو بزرگ شباب اهل بهشت
 تو به پیران راه راهبری
 به خداوند گار صبر قسم
 که تو در صبر صاحب ظفری
 تو جگر پاره ی رسول خدا
 تو به زهرا ستاره ی سحری
 جگر پاره پاره ات گوید
 که تو از دست یار خونجگری
 صبر تو از قیام سخت تر است
 شاهددم لخته لخته ی جگر است

ای سلام خدا به جان و تنت
 ای همه حُسن در رخ حسنت
 تو سپهر و ستاره، زخم دلت
 تو چراغی و داغ، انجمنت

پیکرت همچو شمع سوخته ای
 آب شد در درون پیرھنت
 پاره های جگر برون می ریخت
 با دل پاره پاره از دھنت
 ماهی بحر بر تو می گرید
 که غریبی هماره در وطن
 جگر اهل بیت می سوزد
 تا قیامت به یاد سوختنت
 گه جفا در جواب مهر و وفا
 گاه دشنام، پاسخ سخت
 عوض آب، زھر کینه به کام
 جای گل، ریخت تیر بر بدنت
 تیرها بر تو گریه می کردند
 اشکشان بود جاری از کفنت
 باور هیچ کس نبود نبود
 که جسارت شود چنین به تنت
 تیر دشمن به زخم تازه ی تو
 گشت شرمنده از جنازه ی تو

ای مه و آفتاب زواریت
 ای همه خلق سر به دیوارت
 جگر سوخته، چراغ بقیع
 چشم ها جای پای زوارت
 کاش چون شمع تا سحر می سوخت
 دل ما در دل شب تارت
 پدر و مادرم فدایت باد
 که زھر کس رسید آزارت
 زھر خند مغیره می زد زخم
 همچو شمشیر بر دل زارت
 به تو می گریم ای غریب وطن
 که تو را کُشت عاقبت یارت
 جگر پاره پاره ات باشد
 قصه ی غصه های بسیار

سوز آن سیلی ای که زهرا خورد
 بود عمری به ماه رخسارت
 گل باغ دل علی، به چه جرم
 در جگر رفت این همه خارت
 چشم «میثم» هماره ریزد اشک
 بر تو و بر دو چشم خونبارت
 عمر، جان دادن تو بود حسن
 یار هم دشمن تو بود حسن

۴۰- ای کائنات سفره ی عام تو یا حسن

مشخصات

مناسبت مدح و مرثیه
 سبک مرثیه
 قالب قصیده
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع نخل میثم ۴
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای کائنات سفره ی عام تو یا حسن
 ای فوق وهم ، علم و مقام تو یا حسن
 روح مسیح طوطی گلزار معرفت
 جان کلیم مست کلام تو یا حسن
 صدق و صفا دو شیفته ی خلق و خوی تو
 صبر و رضا دو طایر رام تو یا حسن
 قرآن روی سینه ی زهرا و حیدری
 آینه ی تمام نمای پیمبری

حُسن ازل که غیب بود مظهرش تویی
 روی خدا چو جلوه کند منظرش تویی
 قرآن کتاب نور و تو آیات نور آن

احمد یم کرامت کل، گوهرش تویی
 شیر خداست جان محمد تو جان او
 زهراست کوثر علی و کوثرش تویی
 بر حضرتت ز هر نبی و هر ولی سلام
 فرزند فاطمه حسن بن علی سلام

تو کیستی ولی خداوند اکبری
 در علم و حلم و قدر و جلالت، پیمبری
 در صبر و استقامت و ایثار، مرتضی
 در عصمت و فضیلت، زهرا ی اطهری
 مشعل فروز مکتب قرآن و اهل بیت
 بنیان گذار نهضت سرخ برادری
 صلح و قیام و صبر و سکوت تو گر نبود
 از نهضت حسین و قیامش خبر نبود

باشد قیام و صلح تو حکم خدای تو
 حکم خداست مصلحت و اقتضای تو
 جنگ از تو بود و صلح از آن حسین بود
 بودی اگر تو جای وی و او به جای تو
 صلح تو از تحمل شمشیر سخت تر
 صبر تو بود خون دل سال های تو
 این صبر بود کوزه ی زهر هلاکت
 هر روز شعله می شد و سر می زد از دلت

یار دو رو و دشمن خون خوار، غربت است
 در بین خانه دشمنی یار، غربت است
 دشنام یار و خنده ی اغیار و طعن خصم
 تنها شدن به صحنه ی پیکار، غربت است
 در شهر خویشتن ز غریبان غریب تر
 با کوه غم شماتت انصار، غربت است
 خصم تو را دل از جگر سنگ سخت تر
 صلح تو با معاویه از جنگ سخت تر

بعد از وفات ختم رسل جد اطهرت
 از بام فتنه سنگ بلا ریخت بر سرت
 ضرب لگد، شراره ی آتش، غلاف تیغ
 اجر رسالت نبوی شد به مادرت
 شمشیر قاتل از پس یک عمر غصه شد
 اجر امامت پدر داد گسترت
 اجر امامت تو عجب دلپذیر بود
 دشنام و زهر قاتل و باران تیر بود

دردا که زخم های دلت بی شماره شد
 چشمانت آسمان و سرشکت ستاره شد
 روزی که بین کوچه زمین خورد مادرت
 چون کاغذ فدک جگرت پاره پاره شد
 روزی میان کوچه وجودت ز هم گسیخت
 روزی به زهر جعده دلت پر شراره شد
 یک روز کُشت دشمن و یک روز یار کُشت
 یک بار نه دوبار تو را روزگار کُشت

بر غربت تو ماهی دریا گریسته
 چشم رسول و حیدر و زهرا گریسته
 آن کوزه ای که زهر در آن ریخت قاتلت
 پیوسته بر تو رهبر تنها گریسته
 تیری که پیکر تو به تابوت دوخته
 از بهر زخم های تو مولا گریسته
 خون دلت ز سوده ی الماس ریخته
 اشک حسین و زینب و عباس ریخته

غم شعله شد به جان و تنت ریخت یا حسن
 فریاد، خون شد از دهننت ریخت یا حسن
 شد پاسخ تو سنگ ملامت ز دوستان
 هر جا که گوهر سخنت ریخت یا حسن
 قلبت چو باغ لاله شد از زهر و جای گل
 باران تیر بر بدنت ریخت یا حسن

با آنکه تیرها به غریبیت سوختند
جسم تو را به تخته‌ی تابوت دوختند

یک عمر غصه در دل غم پرور تو بود
سوزم از اینکه قاتل تو همسر تو بود
نگذاشتند دفن شود جسم اطهرت
در خانه‌ای که ملک تو و مادر تو بود
در بیت تو دو قاتل زهرا شدند دفن
اینجا نه جای خصم ستم گستر تو بود
این غم کجا برم جگرم می شود کباب
دشمن به بیت تو، تو مزارت در آفتاب

مولا علی که درد و غم بی حساب داشت
یاری چو دخت احمد ختمی مآب داشت
با یک جهان مصائب و رنج و بلا حسین
خوشنود بود از این که زنی چون رباب داشت
باید گریست بر تو که در خانه همسرت
بر قتلت ای غریب مدینه شتاب داشت
تا بر تو آب داد وجود تو آب شد
هم قلب آب هم دل «میثم» کباب شد

قبل از شهادت

۱- چشم مهتاب به حال من بیدار گریست

مشخصات

مناسبت قبل از شهادت
سبک ولادتی
قالب غزل
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

چشم مهتاب به حال من بیدار گریست
 باز از گریه ی من چشم شب تار گریست
 باز از سینه ی خود آه کشیدم آرام
 دل سنگ آب شد و آب شرربار گریست
 پاره پاره جگرم از لب سرخم تا ریخت
 جگر طشت بر این روضه ی دشوار گریست
 قاتلم خنده به لب دارد و انداخت مرا
 یاد روزی که طیب از غم بیمار گریست
 یاد آن روز که آتش نفسم بند آورد
 یاد آن روز که دل در غم دلدار گریست
 یاد آن روز که جای همه ی مردم شهر
 یک یهودی به غریبی پدر زار گریست
 چقدر سخت گذشته است به مردی که بخاک
 پیش چشم همه در خنده ی انتظار گریست
 دید آتش که کسی نیست بگرید بر ما
 شعله زد بر در و در سوخت و تبار گریست
 در آتش زده بود و گل یاس و مادر
 آن چنان خورد به دیوار که دیوار گریست
 آه از آن روز که دیدم که به پای مادر
 میخ بر سر زد و خون ریخت و خونبار گریست

شهادت

۱- چراغ و چشم رسول خدا امام حسن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چراغ و چشم رسول خدا امام حسن
 به جن و انس و ملک مقتدا امام حسن
 هزار بارم اگر سر جدا شود، دستم
 ز دامن تو نگردد جدا امام حسن
 در آن زمان که نبودیم ما، ز لطف خدا
 ولایت تو عطا شد به ما امام حسن
 عجیب نیست مسیحا اگر شود بیمار
 ز خاک کوی تو گیرد شفا امام حسن
 تمام ارض و سما سفره کرامت توست
 کریم کیست به غیر از شما امام حسن
 فدای خلق کریمت شوم که دشمن هم
 کند ز کثرت عفوت حیا امام حسن
 هزار مرتبه جانم فدای آن پدری
 که کرد با تو مرا آشنا امام حسن
 ز کوه طور بود زائر مدینه کلیم
 شود به کوی تو حاجت روا امام حسن
 که گفته دور بقیع تو نیست زواری؟
 ستاده‌اند همه انبیا امام حسن
 به غربت حرم بی چراغ تو سوگند
 که هر دلی حرم توست یا امام حسن
 به روز حشر که پیغمبران گرفتارند
 تو را زنند خلائق صدا امام حسن
 دهان و صورت و چشم و لب تو را بوسید
 هزار بار رسول خدا امام حسن
 همای قافِ اجابت همیشه رام کسی است
 که در حریم تو خواند دعا امام حسن
 کریم آل محمد کرامتی فرما
 که من به کوی تو باشم گدا امام حسن
 ز پایداری و صلح و سکوت و صبر تو بود
 ظهور واقعه کربلا امام حسن
 سکوت توست نبرد و قیام تو همه صبر

گرفت از تو ولایت بقا امام حسن
 میان زخم تن و زخم دل تفاوت هاست
 که زخم دل نپذیرد دوا امام حسن
 نه دشمنان، به خدا خیل دوستان کشتند
 تو را ز زخم زبان، بارها امام حسن
 به ننگ قتل تو هر چند «جعده» شد مشهور
 «مغیره» کشت از اول تو را امام حسن
 روا نبود که با آن هجوم زخم جگر
 تو را کشند به زهر جفا امام حسن
 روا نبود تن پاک تو به دوش حسین
 شود نشانه تیر خطا امام حسن
 خدا گواست که مثل تو ای غریب وطن
 ستم ندیده کس از آشنا امام حسن
 نه جرأتی که بگیریم کنار تربت تو
 نه رخصتی که بگیرم عزا امام حسن
 چو شمع سوخته با اشک بی صدا زوَار
 ستاده دور مزارت پیا امام حسن
 چقدر دور مزار تو بشنود شیعه
 ز دشمنان شما ناسزا امام حسن
 تمام ثروت «میثم» بَوَد همان دل او
 که هست هر شب و هر روز با امام حسن

۲- زینب نفسای آخرم، زینب بیا دم بستم

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

زینب نفسای آخرم، زینب بیا دم بستم
 زینب بیا با هم بگیریم روضه ی مادرم

چه غمی داره صدامون، شب تلخ گریه هامون
 به یاد صورت نیلی، زده تو مدینه بارون
 تنهام غریبی حاصلم، یاد کوچه شده قاتلم
 زینب گوشواره ی شسکته اش می سوزنه دلم

منو تو چادر خاکیش، با غم و غصّه کفن کن
 دم قبر بی نشونش، تو مدینه یاد من کن
 بوده تو شب مصیبت، اشک تو روضه ها قسمتم
 زینب خونه قتلگاه و سند غربتم

یه روز خوش تو مدینه بخدا قسم ندیدم
 همه جا مسجد و کوچه صب حیدرو شنیدم
 آهم با بیکسی آشناست، اشکم به خاطر غصه هاست
 زینب اگه خودم مدینه ام دلم تو کربلاست

می بینم یه روز میاد تو، بی حسین اسیر دردی
 با لباس غرقه خونش، به مدینه بر می گردی

۳- ای غریب در، انجمن مظلوم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای غریب در، انجمن مظلوم
هم به خانه هم، در وطن مظلوم
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

تو که خود شمع انجمن‌هایی
از چه مظلومی، از چه تنهایی
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

ای تمام عمر، خورده خون دل
همرخت دشمن، همسرت قاتل
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

در دلت خون از، فتنه‌ی اعدا
بر جگر داغ، مادرت زهرا
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

در عزایت خون، قلب یاران شد
پیکرت با تیر، لاله‌باران شد
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

ناله در دل خون، در جگر داری
ارث مظلومی، از پدر داری
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

ای بقیعت را، قلب ما حائر
مانده از تو یک، قبر بی زائر
یا حسن مظلوم یا حسن مظلوم (۲)

۴- تشنه‌ام تشنه ز پا تا سر من می سوزد

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع محرمنامه ۸۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تشنه ام تشنه ز پا تا سر من می سوزد
کار زهر است که بال و پر من می سوزد
بس که در سینه ی خود شعله ی ماتم دارم
از دم و بازدمم بستر من می سوزد
باز هم روی لبم قصه ی مادر گل کرد
باز هم در نظرم مادر من می سوزد
بر لبم روضه ی «لایوم کیوم العاشور»
عالم از زمزمه ی آخر من می سوزد
چشم وا کردم و دیدم که به صحرای غمی
خیمه هایی است که دور و بر من می سوزد
دختری می دود و روی لبش این آواست:
عمه دریاب مرا معجر من می سوزد
حجله ای زیر سم اسب بنا شد دیدم
با تن له شده نیلوفر من می سوزد
در سرایشی گودال در آغوش حسین
تن بی دست گل پرپر من می سوزد
آخرین زمزمه از تشنه ی گودال آمد:
قطره ای آب -خدا- حنجر من می سوزد
آن طرف غارت پیراهن و خود و نعلین
این طرف لطمه زنان خواهر من می سوزد

۵- نمی خواهم بگویم آنچه بین کوچه ها دیدم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

نمی خواهم بگویم آنچه بین کوچه ها دیدم
مکن اصرار ای زینب بدانی آنچه را دیدم
به بند غم گرفتار و اسیرم تا دم مرگم
که بند ریسمان بر گردن شیر خدا دیدم
خدا داند که آن سیلی شروع دردهایم شد
به یک لحظه در آن کوچه دو صد کربلا دیدم
از آن خنجر که بر پایم نشست هرگز نمی نالم
که من مسمار را در سینه ی خیرالنساء دیدم
در این غربت شبیه جد خود خیرالبشر هستم
که از ملعونه ای همسر نما جور و جفا دیدم

۶- من که از دور کودکی، عقده ها مانده در دلم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من که از دور کودکی، عقده ها مانده در دلم
زهر کین، آب زندگی، همسرم گشته قاتلم
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

دیده‌ام پر ستاره بود سینه‌ام پر شراره شد
به پیمبر قسم دو بار جگرم پاره پاره شد
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

بار اول که مادرم فدکش پاره پاره شد
دیدم از معجزش برون قطعه گوشواره شد
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

بار دوم که شد روان، خون دل از دهان من
روزه بودم که شعله زد زهر قاتل به جان من
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

یار مردم شدم ولی، همه گشتند دشمنم
بر روی شانه حسین لاله باران شده تنم
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

جگر شیعه تا ابد سوزد از درد و داغ من
سند غربتم شده تربت بی چراغ من
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

شیعیان گریه می‌کنند همه بر غربت حسن
که نسیم مدینه شد زائر تربت حسن
من غریب مدینه‌ام زخمی زخم سینه‌ام

۷- ای غریب وطن یابن رسول ...

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع دو دریا اشک ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای غریب وطن یابن رسول ...
 سیدی یا حسن یابن رسول ...
 ای که خون شد دلت همسرت قاتلت
 یا حسن یا حسن امام مظلوم

تو که حکم خدا از سخت ریخته
 ز چه خون دلت از دهن ریخته
 ای به ماه صفر پاره پاره جگر
 یا حسن یا حسن امام مظلوم

تو که جز لطف و جز کرم نداری حسن
 در مدینه چرا حرم نداری حسن
 شاهد صبر تو غربت قبر تو
 یا حسن یا حسن امام مظلوم

غمّت از کودکی آتش دلها شده
 شادم چادر خاکی زهرا شده
 در دل کوچه‌ها با دلت شد چه‌ها
 یا حسن یا حسن امام مظلوم

روز تشییع تو خون دل یاران شده
 تنت از تیر کینه لاله‌باران شده
 پیش چشم حسین آن شه عالمین
 یا حسن یا حسن امام مظلوم

قبر بی زائرت شد سند غربت
 اشک مهدی روان در حرم خلوت
 شیعه گوید مدام به مزارت سلام
 یا حسن یا حسن امام مظلوم

۸- آسمون غریب تر از بچه ی زهرا ندیده

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آسمون غریب تر از بچه ی زهرا ندیده
 تو خونه هیچ کسی رو اینقده تنها ندیده (۲)
 بیشتر از غریبه ها طعنه ز آشنا شنید
 یه تنه به دوش خود بار یه کربلا کشید (۲)
 دو ماهه دارم سینه می زنم
 برا ارباب بی کفن (۳)
 شکر خدا امروز سینه زنم
 برا عشقم امام حسن (۳)

اشک چشمای حسن شرح غمای مادره
 فقط از داغ حسن خود خدا با خبره
 هنوزم توی گوشش صدای مادر می پیچه
 روزیکه شد شونه هاش عصای مادر تو کوچه
 دو ماهه دارم سینه می زنم
 برا ارباب بی کفن (۳)
 شکر خدا امروز سینه زنم
 برا عشقم امام حسن (۳)

۹- تنها میان کوچه ها من دیده بودم

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

تنها میان کوچه ها من دیده بودم
مادر زمین افتاد و من ترسیده بودم
ترسیده بودم مادرم درجا بمیرد
چون غنچه از طوفان بخود لرزیده بودم
از بسکه سنگین خورد سیلی روی مادر
چون گل بجای او زهم پاشیده بودم

۱۰- من غریبم من غریبم غریبم می زنه آتیش ...**مشخصات**

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع نخل شکسته ۱۹

تعداد استفاده ۰

متن شعر

من غریبم، من غریبم، غربت می زنه آتیش به سینه
هر کی می خواد، غربتم رو، ببینه رو کنه سوی مدینه
غریبم من (۳) غریب مادرم من

روزا قبر، خاکی من، زیر آفتاب بدون سایه
شبا قبر، بی چراغ، دل هر عاشقی رو می سوزونه

غریب من (۳) غریب مادرم من

قبر خاکیم، بی رواقه، صحن و گلدسته و حرم نداره

یاد قبر، خاکی من، می زنه بر دل همه شراره

غریب من (۳) غریب مادرم من

می سوزونه، دلاتونو، قبر خاکی و بی صحن و رواقم

همه امشب، یه دونه شمع، بذارید روی قبر بی چراغم

غریب من (۳) غریب مادرم من

کاشکی اون روز، مادر من، منو از بین کوچه ها نمی برد

کاشکی اون روز، مادر من، میون کوچه ها زمین نمی خورد

غریب من (۳) غریب مادرم من

۱۱- ای مثل پدر بر تو شده، ظلم فراوان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۴)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای مثل پدر بر تو شده، ظلم فراوان

مظلوم حسن جان، مظلوم حسن جان

ای ماهی دریا، به عزایت شده گریان

مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان (۲)

ای حضرت زهرا و علی را، ثمر دل

بی جرم و گنه، یار تو را آمده قاتل

آخر جگرت، پاره شد از زهر هلاهل
مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان(۲)

هر شب، به سر تربت بی شمع و چراغت
مرغ دل بشکسته‌ام آید، به سراغت
ممنوع بود، تا که کنم گریه ز داغت
مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان(۲)

در کودکی، از خصم چه آمد به سر تو؟
شد نقش زمین، مادر نیکو سیر تو
یک عمر شد از جور فلک، خون جگر تو
مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان(۲)

پیش نگهت، دست علی را همه بستند
دستی، که نبی بوسه بر آن داد، شکستند
با تو همگان رشته ی پیوند گسستند
مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان(۲)

یاران همگی از تو بریدند، حسن جان
حرمت ز تو پیوسته دریدند حسن جان
سجاده ز پای تو کشیدند حسن جان
مظلوم حسن جان مظلوم حسن جان(۲)

۱۲- دم آخر، دل مضطر، یه غریبه توی بستر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع گلوآژه های محرم ۱۶

تعداد استفاده ۰

متن شعر

دم آخر، دل مضطر، یه غریبه توی بستر
می خونه با دل پاره، کجائی کجائی مادر
اشک خون برام بیارید، از دلم خبر ندارید
به جای کفن منو تو، چادر خاکی بذارید

یاد کوچه، یاد سیلی، مادرم بود و یه نامرد
دست سنگین، دل غمگین، که دل مادر و خون کرد
یه نگاه کرد دید کسی نیست، بی هوا دستش رها شد
الهی نمی دیدم که، گوشواره از گوش جدا شد

پاشو مادر، پاشو مادر، تا خونه راهی نمونده
الهی بشکنه دستی که تو گوش تو خوابونده
وای من خوردی تو سیلی، هم ز دیوار هم ز ثانی
آخه تو خیلی جوونی، چی شده شدی کمانی؟

۱۳- من جگر پاره ی زهرایم و پاره جگرم

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک مرثیه
قالب غزل
شاعر سازگار حاج غلامرضا
منبع دو دریا اشک ۲
تعداد استفاده ۰

متن شعر

من جگر پاره ی زهرایم و پاره جگرم
همه را یارم و خود از همه مظلوم‌ترم
خانه‌ام قتلگه و یار ستمگر قاتل
سوخته از شرر زهر، ز پا تا به سرم

عمر من بود محرم، همه روز و همه شب
 قاتل از زهر جفا کشت به ماه صفرم
 لب فرو بستم و دیدم که اهانت می کرد
 قاتل مادر مظلومه من بر پدرم
 با وجودی که خزان گشت بهارانم را
 طشت شد باغ گل و لاله ز خون جگرم
 من که طاووس بهشتم به چه جرم و گنهی
 سوخته از شرر دوزخیان بال و پر م؟
 قسمتم بود به مسجد که ز طفلی هر روز
 قاتل مادر خود را سر منبر نگرم
 تا در آن کوچه رخ یاس نبی گشت کبود
 تیره شد صورت خورشید به پیش نظرم
 مضطرب بودم و لرزیدم و حیران بودم
 که چسان مادر خود را به سوی خانه برم
 در همان لحظه که شد مادر من نقش زمین
 من نگه کردم و او گفت خدایا پسر م
 «میشم» از آه تو گر سوخت جهان، نیست عجب
 از شرار جگر و سوز دلت با خبرم

۱۴- ای مدینه غریب غریب

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع بهار حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای مدینه غریب غریب ، بر لبم جان اجل شد نصیب
 آمده فصل خزانم = کس نمی گیرد نشانم
 ای اجل امشب تو کردی = راحت از زخم زبانم

من غریبم من غریبم

منکه مانند شمع سحرم ، آتش گرفته از پا تا سرم

حل شد امشب مشکل من = پاره پاره شد دل من

با که گویم ای مدینه = همسرم شد قاتل من

من غریبم من غریبم

منکه مانند لاله فسردم ، به خدا میان کوچه مردم

حال من زار و حزین شد = با که گویم این چنین شد

در میان کوچه دیدم = مادرم نقش زمین شد

من غریبم من غریبم

کبوتر لانه را گم کرده بود ، مادرم خانه را گم کرده بود

دیدم اشک دیدگانش = قامت همچون کمانش

دست او را من گرفتم = خانه را دادم نشانش

من غریبم من غریبم

۱۵- بعد مرگم از شما هرکس سراغم را گرفت

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

بعد مرگم از شما هرکس سراغم را گرفت

فاش گوئیدش مرا در کوچه پیدا می کند

مادرم آنچه که شد نقش زمین قبر من است

وقعه ی غصب فدک این قصه افشا می کند

دست می‌کوبد به پشت دست و حسرت می‌خورد
 زینیم تا حال زارم را تماشا می‌کند
 خون که می‌ریزد برون از گوشه لبهای من
 آه از دل می‌کشد چون یاد مادر می‌کند

۱۶- مدینه ای مدینه ، خدا نگهدار تو

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

مدینه ای مدینه ، خدا نگهدار تو
 آتیش زده به جونم ، شعله ی شرار تو
 دلشکسته ام ای مدینه از زمونه
 در بهار عمر باغ من پر از خزونه (۲) ای مدینه
 مولای من یا حسن حسن حسن (۳) جانم حسن

از روزیکه تو کوچه ، دست بابام و بستند
 غنچه ی یاس رو پرپر ، شاخه شو هم شکستند
 پشت در شکفت غنچه های اشک و آهم
 جان مادرم کوچه گشته قتلگاهم (۲) ای مدینه
 مولای من یا حسن حسن حسن (۳) جانم حسن

تا وقتی یادم میاد ، غم تو حاصلم شد
 از غریبیم همین بس ، که جعده قاتلم شد
 این جفا مکن ای مدینه با حسینم
 بی وفا مباش با عزیز و نور عینم (۲) ای مدینه
 مولای من یا حسن حسن حسن (۳) جانم حسن

۱۷- غریب بن غریب شهر یثرب بین بستر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غریب بن غریب شهر یثرب بین بستر
 بود چشمش به رخسار برادر
 پس از عمری به لعل ، لبش خنده نشیند
 که دیگر در مدینه ، مغیره را نبیند
 بود اشک چشم اطرافیان چراغ محفل او
 به شب ناله ی غریب وطن بخندد قاتل او

به ظاهر گر چه تار و پود قلبش زهر بگسست
 کتاب عمر او را خصم پیش از این ستم بست
 میان کوچه بنمود ، چو بر مادر نظاره
 همانجا قلب خونش ، شد از غم پاره پاره
 مدینه رسان بگوش همه غم آل عبا را
 مهیا نما بخاک بقیع مزار مجتبی را

۱۸- می روم تنها در موج غمها ...

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

یا حسن مظلوم (۳) یا حسن جان

می روم تنها در موج غمها می زخم فریاد مادر بیا

یا اهل العالم بعد عمری غم می روم دیگر نزد زهرا

یا حسن مظلوم (۳) یا حسن جان

می سوزم یارب در این دل شب شد جگرم وای پاره پاره

با شور و احساس می ریزد عباس یک آسمان بر من ستاره

یا حسن مظلوم (۳) یا حسن جان

از غم می نالم شکسته بالم می شوم راحت از این جفا

با دل محزون بین طشت خون می بینم تصویر کوچه را

افتادم از پای یادم آمد وای دست من دست مادرم بود

پیش چشمانم دیدم که چسان صورت مادر گشته کبود

یا حسن مظلوم (۳) یا حسن جان

کوچه و سیلی مادر و نیلی خیل گلچینان حیدر تنها

نامردی آمد مادرم را زد کاش و می مردم من در آنجا

یا حسن مظلوم (۳) یا حسن جان

۱۹- خواهر خوب و نازنین دلشورت و کنار بذار

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب فولکوریک

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

خواهر خوب و نازنین دلشورت و کنار بذار
 تموم اشک چشمت و برای کربلا بذار
 یه روزی توی شام غم یه داغ سنگین می بینی
 میون یک تشنه طلا یه رأس خونین می بینی
 به زیر چوب خیزران تا دیدی نور عین من
 جای داداش حسن بگو حسین من حسین من

۲۰- غم طفلی فراموشم نرفته**مشخصات**

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

غم طفلی فراموشم نرفته
 که بار غصه از دوشم نرفته
 گذشته سالها از کوچه اما
 صدای سیلی از گوشم نرفته

۲۱- ای جگر گوشه ی فاطمه مادرم**مشخصات**

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای جگر گوشه ی فاطمه مادرم
پاره شد جگرت پاره ی جگرم
اشک خون جاری می کنم آری
چادر خاکی در بغل داری
ای برادر جان (۲) ای حسن

دست و پا می زنی پیش چشم ترم
وای من وای من خاک غم بر سرم
نینی دیگر با دل مضطر
پای منبرها قاتل مادر
ای برادر جان (۲) ای حسن

۲۲- درد است مرا و بی طبیبم مادر

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

درد است مرا و بی طبیبم مادر
شد محنت ایام نصیبم مادر

آشفته دل و سوخته جان چون من نیست
در خانه ی خویش هم غریبم مادر

۲۳- مدینه در هیاهوی فغان و ناله افتاده

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک ولادتی
قالب غزل
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

مدینه در هیاهوی فغان و ناله افتاده
خروش اشکها گوید غریب شهر جان داده
غریب شهر پیغمبر لباس مرگ پوشیده
گل زهرالب روزه شرار زهر نوشیده
چهل سال از غم خود با کسی حرفی نزد آخر
غمی که از میان کوچه بودش بر دل مضطر
دلش گر چه ز پشت در پر از زخم و جراحت شد
ولی از خنده ی قنفذ میان کوچه راحت شد
همه با اشک و آه و ضجّه و فریاد خو کردند
ز خانه بسترش برچیده و تابوت آوردند
به دست خسته ی زینب کفن آماده می گردد
حسین از بهر تدفین حسن آماده می گردد
ابوالفضل شکسته دل به جسمش آب می ریزد
نشسته گوشه ای قاسم شرار از قلب او خیزد

۲۴- چسان گویم (۲) حدیث دل را ای مدینه

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع بهار حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

چسان گویم (۲) حدیث دل را ای مدینه

نمی باشد (۲) دگر مرا نفس به سینه

اجل شده یار و طیبم

در خانه ی خود هم غریبم

حسن حسن غریب مادر (۲)

بیا خواهر (۲) بین چه آمد بر سر من

زده آتش (۲) به جسم و جانم همسر من

گل وجودم چیدنی شد

جان دادن من دیدنی شد

حسن حسن غریب مادر (۲)

اگر امشب (۲) کردی مرا دلخونم ای زهر

ولیکن من (۲) از لطف تو ممنونم ای زهر

درد مرا کردی مداوا

دیگر نینم کوچه ها را

حسن حسن غریب مادر (۲)

نمی دانم ، چسان گویم ، از کوچه و رخسار نیلی

در این عالم (۲) که چیده لاله را به سیلی

میان کوچه خون دلم شد

چادر خاکی قاتلم شد

حسن حسن غریب مادر (۲)

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

میون حجره ی غربت خسته دل در تب و تابم
 خنده های قاتل من ای خدا گشته جوابم
 آسمون چشم تارم شده امشب پر ستاره
 از شرار زهر همسر جگرم شد پاره پاره
 شعله افتاده خدایا به تموم پیکر من
 مادرم با محسن اومد لحظه های آخر من
 زینم چرا می باری مثل ابرای بهاری
 کنار بستر مرگم چرا اینقدر بیقراری
 باید مژدگان مادر این غمو طاقت بیاری
 باید اشکاتو عزیزم برا کربلا بذاری
 تو باید غربت و درد و ماتم و غصه بینی
 عاقبت سر حسینو روی نیزه ها بینی

۲۶- تنها ترین امام مدینه برادرم

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب غزل
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

تنها ترین امام مدینه برادرم
 سنگ صبور فاطمه ای روح پیکرم
 از غصه آب شد دل محزون تو اخوا
 بگشای لحظه ای نگهت را که خواهرم
 این تکه تکه های جگر چیست بین طشت؟
 زهرت دوباره داده عدو خاک بر سرم
 خون دل تو همره جان بر لب رسید
 آخر چه کرده زهر به جانت برادرم
 دانم که سوخته جگرت لیک ، جان من
 اینقدر دست و پا مزن اندر برابرم
 جانم به لب رسیده لب تو شده کبود
 از سوز زهر تشنه لبی چشمه ی کرم
 با حالتی که سبز شد از زهر ، چهره ات
 عکس تو اوفتاده در این دیده ی ترم
 خون لخته پاک می کنم از گوشه ی لب
 با گوشه های چادر خاکی مادرم

۲۷- من امیر دل ولی داورم

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب مثنوی
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

من امیر دل ولی داورم
 من قرار سینه ی پیغمبرم
 من علمدار سپاه حیدرم
 من گل یاس سپید مادرم

انعکاس جلوه ی طاها منم
 وارث خون دل زهرا منم
 پیرو راهم امام کربلاست
 از قعود من قیام کربلاست
 آتش دل بر رخم پیدا نبود
 غصه های من یکی دو تا نبود
 آن یکی می گفت با من اینچنین
 السلام یا مدلّ المؤمنین
 آنکه دائم سنگ دین بر سینه زد
 میل بر پایم ز فرط کینه زد
 قامت صبر از صبوریم خمید
 پای منبر جان به لبهایم رسید
 روی منبر دور دور خصم بود
 ناسزا گفتن به حیدر رسم بود
 قصه ام سوزانتر از این حرفهاست
 غصه ی اصلی ز بعد مصطفی است
 خانه ی ما خالی از جانانه بود
 در عزای مصطفی غمخانه بود
 اشکباران بود چشم زینب
 غرقه خون چشم من و چشم حسین
 مادر و بایم به لبخند و رضا
 پاک می کردند اشک چشم ما
 ناگهان دل شوره بر جانم فتاد
 گوئیا عالم ز حرکت ایستاد
 ناگهان باب عداوت باز شد
 کینه توزی با علی آغاز شد
 وه چه این بی حرمتی ها زود بود
 مادرم در هاله ای از دود بود
 باغبان بود و خزان باغ شد
 میخ در کم کم ز آتش داغ شد
 درب از جا کنده شد با یک لگد
 مادرم در پشت در فریاد زد
 گفت مهدی مادرت را مرگ برد

محسنم بین در و دیوار مرد
 حبل بر حبل المتین انداختند
 مادرم را بر زمین انداختند
 با غلاف کین به بازویش زدند
 ظالمانه ضربه بر رویش زدند
 قاتل من کی شرار زهر بود
 مقتل من کوچه های شهر بود
 خواستم تا یاور مادر شوم
 با برادر حامی حیدر شوم
 گر نبود این صحنه عاشورا نبود
 زیر دست و پا کسی پیدا نبود
 مست مست از ساقی رحمت شدم
 زهر کین نوشیدم و راحت شدم

۲۸- شرار از قلب من می زد زبانه

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب قافیه پریشان
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

شرار از قلب من می زد زبانه
 چو تابوت ترا بردم شبانه
 ولی ای کاش چون مادر دل شب
 تن تو دفن می شد مخفیانه

ز داغت سینه را در خون کشیدم
 ز اشک دیده صد جیحون کشیدم
 خدا داند که چندین چوبه ی تیر

من از تابوت تو بیرون کشیدم

بین ای ماه اشک کوکبت را

نظر کن حال و روز زینبت را

بگیرم خون ز لبهایت که در قبر

نبیند مادرم خون لب‌ت را

۲۹- ا‌خا ، بخاطر بغض علی کشتند ترا

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ا‌خا ، بخاطر بغض علی کشتند ترا

گشتی ، اندر بقیع مهمان مادرم زهرا

حسن حسن حسن حسن

از داغ‌ت دگر ، خاکم شد به سر

یا ا‌خا حسن (۲)

آه و ، خون دل و اشک بصر شد قوت تو

گشته ، تیر عدو دسته گل تابوت تو

حسن حسن حسن حسن

ای خونین کفن ، غریب وطن

یا ا‌خا حسن (۲)

گر چه ، از داغ تو یا ا‌خا غرق آتشم

یک یک ، چوبه ی تیر از تابوت بیرون کشم

حسن حسن حسن حسن
شد خوب ای شهید ، زینبم ندید
یا ابا حسن (۲)

۳۰- ای کتاب غم قصه ی صبر

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای کتاب غم قصه ی صبر
مهدی زهرا زائر قبرت
ای بهشت جان شیعه تربت تو
قبر ویرانت گواه غربت تو
ای حسن جان ای حسن جان (۲)

ای پس از بابا اولین مظلوم
یوسف زهرا رهبر معصوم
شد مدینه کربلایت ای حسن جان
فاطمه صاحب عزایت ای حسن جان
ای حسن جان ای حسن جان (۲)

غربت و غمها یاورت گردید
دشمن جانت همسرت گردید
شاهد مظلومیت سوز نهران بود
پاسخ احسان تو زخم زبان بود
ای حسن جان ای حسن جان (۲)

شد ز غم لبریز جام صبر تو
 بوی غم دارد خاک قبر تو
 ای که بر درد دل عالم طیبی
 از چه رو در خانه تنها و غریبی
 ای حسن جان ای حسن جان (۲)

ای که گشتی از حق خود محروم
 قلب پاک تو شد چرا مسموم
 شد دلت از زهر دشمن پاره پاره
 تا ابد خیزد ز قلب ما شراره
 ای حسن جان ای حسن جان (۲)

۳۱- ناله ها امشب در گلو دارم

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ناله ها امشب در گلو دارم
 با صبوریه‌ها گفتگو دارم
 شمع خاموش غم آل عبایم
 مجتبیایم مجتبیایم مجتبیایم
 من غریبیم من غریبیم (۲)

صبر و مظلومی حاصلم گشته
 همسرم یارب قاتلم گشته

روزه بودم خون دل افطاریم شد
اشک چشم زینم دلداریم شد
من غریبم من غریبم (۲)

ای حسین من گریه کمتر کن
می روم امشب نزد پیغمبر
ای برادر جان تویی دار و ندارم
قاسم خود را بدست می سپارم
من غریبم من غریبم (۲)

پاره های دل از دهن ریزد
دیگر این بیمار بر نمی خیزد
ناله ی غربت بر آید از دل من
حق بگیرد انتقام از قاتل من
من غریبم من غریبم (۲)

۳۲- بر روی شانه ها می رود پیکری

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک ولادتی
قالب آهنگین
شاعر ناشناس
منبع بایگانی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

بر روی شانه ها می رود پیکری
بسته شد دفتر غربت دیگری
همره ناله های مادری ، می رسد ضجه های خواهری
پیش چشم برادری
وامصیبت وامصیبت آه و واویلا (۲)

گر چه از زهر کین لاله ای پرپر است
 قاتلش چادر خاکی مادر است
 شد رها از غریبی وطن ، خون چکد قطره قطره از کفن
 لب فرو بسته از سخن
 شد رها از خون دل خوردن گل طاها
 تا بگوید شرح غم با مادرش زهرا
 وامصیبت وامصیبت آه و واویلا (۲)

از بقیع می رسد ناله و زمزمه
 میهمان می رسد محضر فاطمه

۳۳- دلم از غصه و غم شده مضطر علی

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب فولکوریک
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

دلم از غصه و غم شده مضطر علی
 که تمومی نداره غم دختر علی
 بدن مادرشو بی صدا از تو خونه
 مثل بابا برده اند نیمه شب غریبونه
 آرزوی زینبه با هزار غم و محن
 که تو روز تشییع بشه بدن امام حسن
 آخدا تو مدینه غصه بی اندازه شد
 بین اشک و آه بدن تشییع جنازه شد
 عده ای مغیره خوااا از راه اومدند
 به جا آوردن گل ، بدن و با تیر زدند

از کفن خون می چکید قاسمش نیگا می کرد
 با چشای پر ز اشک عمو رو صدا می کرد
 جای شکرش باقیه زینب علی ندید
 همه ی ماجرا رو گوشه ی خونه شنید
 اما بین کربلا هر چی که شنیده بود
 دید میون قتلگاه هر چی که ندیده بود
 یکی با خنجر کین یکی شمشیر می زنه
 یکی با نیزه و سنگ یکی با تیر می زنه

۳۴- ماهیان گریه کنید، که حسن مظلوم است

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک مرثیه
 قالب آهنگین
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع یک ماه خون گرفته (۲)
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ماهیان گریه کنید، که حسن مظلوم است
 غربتش از حرم، خلوتش معلوم است
 مه چراغ حرم و مرغ سحر زائر او
 نرسد دست کسی بر حرم و حائر او
 این مزار حسن است
 این غریب وطن است

این غریب وطن است، بعد مام و پدرش
 قصه ی کوچه بود، پاره های جگرش
 پدرش گریه به مظلومی زهرا می کرد
 مادرش نقش زمین گشت و تماشا می کرد
 این مزار حسن است
 این غریب وطن است

دود کاشانه ی وحی ، زنگ آئینه ی او
 خون آن سینه بود، جاری از سینه ی او
 تا به لبخند مغیره نگهش می افتاد
 پای تا سر همه می سوخت و می شد فریاد
 این مزار حسن است
 این غریب وطن است

باید از سوز جگر، در غمش گریه کنیم
 حق نداریم که در، حرمش گریه کنیم
 خواندن قصه ی اندوه و غمش ممنوع است
 گریه بر غربت او در حرمش ممنوع است
 این مزار حسن است
 این غریب وطن است

غصه های دل او، بیش تر از همه بود
 اولین قاتل او، قاتل فاطمه بود
 لحظه لحظه غم نو بر غمش افزوده شدی
 پاره های جگرش گفت که آسوده شدی
 این مزار حسن است
 این غریب وطن است

بر حسن گریه کنید، همگی ای یاران
 که شد از تیر جفا، بدنش گلباران
 آن کسانی که به قلبش همه شمشیر زدند
 همه با بغض علی بر بدنش تیر زدند
 این مزار حسن است
 این غریب وطن است

۳۵- آه ، گل یاسمنم ، خموش از سخنم

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع لاله های حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آه ، گل یاسمنم ، خموش از سخنم
 حسنم حسنم ، واویلا واویلا
 کسی نباشد یار و حبییم
 حتی میان خانه غرییم
 نشسته تیر غم بر دلم
 همسر من شده قاتلم
 واویلا واویلا

آه ، از تو زهر جفا ، ممنونم بخدا
 شدم حاجت روا ، واویلا واویلا
 دیگر ندارم نفس به سینه
 چه گویم از کوچه ی مدینه
 آن پرستو لانه را گم کرد
 مادر من خانه را گم کرد
 واویلا واویلا

آه ، روز من شد سیاه ، سینه پر شد ز آه
 اجل آمد ز راه ، واویلا واویلا
 آتش گرفتم زینب کجایی
 جان دادم باشد تماشایی
 خداحافظ پیرو جوانها
 خداحافظ زخم زبانها
 واویلا واویلا

آه ، چون کمان خمیدم ، طعنه ها بشنیدم

چه گویم چه دیدم ، واویلا واویلا
 دل بابای مرا شکستند
 به پیش چشمم دستش بیستند
 به اشک او همه خندیدند
 گل او را با سیلی چیدند
 واویلا واویلا

۳۶- ای آهوان صحرا ای ماهیان دریا

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک ولادتی
 قالب آهنگین
 شاعر ناشناس
 منبع گلوازه های محرم ۱۱
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای آهوان صحرا ای ماهیان دریا
 اشک عزا بریزید بر یک غریب تنها
 اول غریب عالم بعد از پدر حسن بود
 قلبش پُر از محن بود مانند قلب زهرا
 از خواهرش پرسید آمد چه بر سر او
 با قاسمش بگوئید گرید برای بابا
 در کوچه لرزه افتاد بر قدّ کوچک او
 وقتی مغیره می زد سیلی به روی زهرا
 ای شمعها بگریید بر غربتش بسوزید
 بر قبر بی چراغش شبها به شهر بطحی
 ای مردم مدینه با آه و سوز سینه
 از دل همه بر آرید فریاد و اماما

۳۷- الا که زیر سایه ات همه زمین و آسمان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب تک بیتی ها

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

الا که زیر سایه ات همه زمین و آسمان

بهشت آستان تو ، چرا بدون سایبان

من که از بهر حسین غرق ملال و محنم

من مسلمان شده ی دست امام حسنم

۳۸- از طعنه ها من خسته ام، بار سفر را بسته ام**مشخصات**

مناسبت شهادت

سبک بوشهری

قالب آهنگین

شاعر حسینی سید محسن

منبع نجوای حسینی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

از طعنه ها من خسته ام، بار سفر را بسته ام

گشته خزان بهارم (۲)

زینب بین خون ریزد از چشم ترم

زینب بین می سوزد از پا تا سرم

شمع وجود من شده سوسو زنان

زینب بین شد لحظه های آخرم

واویلتا (۳)

شام فراقم شد سحر، من ماندم و خون جگر

وا شد گره ز کارم (۲)

زهر جفا غرق نوا کردی مرا

زهر جفا از غم رها کردی مرا

هستم غریب و تو به من هستی طیب

زهر جفا حاجت روا کردی مرا

واویلتا (۳)

آتش گرفته حاصلم، شد همسر من قاتلم

تنها و بیقرارم (۲)

تنهای تنهایم ندارم یک حبیب

باشد اجل امشب به درد من طیب

من که ندارم ای اجل غیر از تو کس

در خانه ی خود هم غریبم من غریب

واویلتا (۳)

دارم دو زانو در بغل، من گفتم امشب با اجل

غمهای بی شماره (۲)

من دیده ام شمع و گل و پروانه را

با چشم خود دیدم در آتش لانه را

مردم چو دیدم در میان کوچه ها

گم کرده صاحب خانه راه خانه را

واویلتا (۳)

مادر کجا هستی کجا، ای مانده بین کوچه ها

بیا در انتظارم (۲)

مادر بیا درد آشنایت را بین

مادر بیا و مجتبات را بین

ای من به قربان تو و ره رفتنت

مادر بیا امشب عصایت را بین

واویلتا (۳)

۳۹- آنان که تو را ستم فروان کردند**مشخصات**

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب رباعی

شاعر ناشناس

منبع گلوازه های عترت ۲

تعداد استفاده ۰

متن شعر

آنان که تو را ستم فروان کردند
 خون در دل و جان اهل ایمان کردند
 از دیده ی کودکان تو خون بارید
 تابوت تو را چو تیرباران کردند

۴۰- روز رنج و محن است، رخت ماتم به تن است**مشخصات**

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب آهنگین

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

روز رنج و محن است، رخت ماتم به تن است
 همگی گریه کنید، که عزای حسن است
 به خدا بر همه تا روز جزا معلوم است

که حسن در وطنش مثل علی مظلوم است

وا حسن وای حسن (۲)

خیزد از طشت ندا، ای خدا و ای خدا

اجر و پاداش نبی، شده با زهر ادا

این همه برگ گل و لاله که در این لگن است

پاره های جگر یوسف زهرا حسن است

وا حسن وای حسن (۲)

بسکه پُر بود دلش، از غم و رنج و محن

طشت خون هم جگرش، سوزد از داغ حسن

همه در غربت آن نور دو عین گریه کنید

باید از داغ حسن مثل حسین گریه کنید

وا حسن وای حسن (۲)

آن که یوسف شده مست، از بوی پیرهنش

شده از تیر جفا، لاله باران بدنش

ماهیان در دل دریا به حسن گریه کنید

همه با حضرت زهرا به حسن گریه کنید

وا حسن وای حسن (۲)

جگر صبر کباب، بود از صبر حسن

گریه ممنوع بود، بر سر قبر حسن

نه فقط شعله ی داغش زده آتش به دلم

قبر بی شمع و چراغش زده آتش به دلم

وا حسن وای حسن (۲)

۴۱- ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک ولادتی

قالب آهنگین

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

جاری اشک غم از دو چشم زینب تو

ای برادر من خون چکد از لب تو

عرق تشنگی به روی پیشانیت

سوخته دل من از آتش تب تو

ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

دست و پا زنی ای برادر به پیش دیده ی ترم

کشتیم تو آخر که گفתי طشتی بیاور در برم

باورم نمی شد که روزی شاهد مرگ تو شوم

لخته خون کنم پاک از لب با گوشه های چادرم

مهربان دلبرم ، خاک غم بر سرم ، آه از این غم جدایی

ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

دل من بحالت اسیر نا شکیبی

نه میان مردم بخانه هم غریبی

ای فدای صبرت که طعنه ها شنیدی

در تمام عمرت تو روز خوش ندیدی

ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

همسر تو گشته قاتلت دلم پر از شراره شد

پیش دیده ی من دل تو ز کینه پاره پاره شد

شاهد کوچه و چهل سال به درد و غم شکسته ای

خون دل خوردی و ز کوچه تو با کسی نگفته ای

غرق غم آسمان ، قاتلت شادمان ، آه از این غم جدایی

ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

ای چراغ چشمم به پشت در شکستی
مادر جوانم میان خون نشستی
ای غریب وطن یا مجتبی یا حسن

شعله های آتش ز خانه چنان زبانه می زدند
پیش من تو را با غلاف و به تازیانه می زدند
راه تو گرفتند بمیرم که دشمنت امان نداد
گوشواره ی تو ز سیلی بخاک کوچه ها افتاد
رنگم از رخ پرید ، قامت تو خمید ، وای از این غم جدایی

۴۲- ز سر تا پا همه دردم اجل باشد طیبم

مشخصات

مناسبت شهادت
سبک بوشهری
قالب آهنگین
شاعر حسینی سید محسن
منبع لاله های حسینی
تعداد استفاده ۰

متن شعر

ز سر تا پا همه دردم اجل باشد طیبم
خدا داند میان خانه ی خود هم غریبم
ندارم ای مدینه ، نفس دیگر به سینه
زده آتش بجانم ، شرار زهر کینه
بیا زینم ، که جان بر لبم ، تو بنشین در بر من
چو شمع سحر ، نمانده دگر ، بجز خاکستر من

اگر چه پاره پاره شد دل پر خونم ای زهر
ولیکن تا ابد از لطف تو ممنونم ای زهر
که درد من دوا شد ، حسن حاجت روا شد

به پیش دیده ی من ، چها در کوچه ها شد
به قد کمان ، بدیدم عیان ، من آن رخسار حاکی
به چشمان تر ، گرفتم به بر ، من آن چادر حاکی

که چیده لاله ای را در جهان با تازیانه
که دیده صاحب خانه کند گم راه خانه
شنیدم ناله هایش ، سپر گشتم برایش
به سختی راه می رفت ، خودم بودم عصایش
شکسته پرم ، خدا مادرم ، به مثل لاله پژمرد
من خون جگر ، نبودم اگر ، میان کوچه می مرد

دگر پیغمبر خاتم ز عالم دیده بسته
به رخسار علی امشب غبار غم نشسته
گرفته دختر او ، روی دامن سر او
بسوزد همچو شمعی ، کنار بستر او
چرا مرتضی ، ولی خدا ، به زانو سر گذارد
مگر فاطمه ، امید همه ، دگر بابا ندارد

۴۳- قوت همه شب خون جگر بود حسن جان

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب غزل

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

قوت همه شب خون جگر بود حسن جان
گریان ز غمت چشم سحر بود حسن جان
از دوست و دشمن به تو پیوسته ستم شد

مظلومی تو ارث پدر بود حسن جان
 مادر که زمین خورد تن پاک تو لرزید
 تنها کمک اشک بصر بود حسن جان
 از طعنه و از زخم زبان های پیایی
 هر دم به دلت زخم دگر بود حسن جان
 شد قلب تو مجروح تر از جسم برادر
 کز او جگر تر سوخته تر بود حسن جان
 گر ماه حسین بن علی بود محرم
 ماه غم تو ماه صفر بود حسن جان
 هر کس به تنش زخم رسد از دم شمشیر
 زخم تو به تن نه، به جگر بود حسن جان
 در کوچه و در مسجد و در خانه مغیره
 پیوسته تو را پیش نظر بود حسن جان
 در راه حسین بن علی چار فدائیت
 در کربلا چار پسر بود حسن جان
 «میثم» که سخن از دل سوزان تو می گفت
 شعرش به دل شیعه شرر بود حسن جان

۴۴- سینه ام دشت آتشتان شد

مشخصات

مناسبت تخریب قبور

سبک ولادتی

قالب غزل

شاعر ناشناس

منبع بایگانی

تعداد استفاده ۰

متن شعر

سینه ام دشت آتشتان شد

دلم از داغ سینه سوزان شد

مثل ابر بهار در پاییز

سهم چشمم مدام باران شد

وای بر من که در چنین ایام
 بقعه های بقیع ویران شد
 حرم میوه های قلب رسول
 پیش چشمش بخاک یکسان شد
 چه بگویم که سینه می سوزد
 چه بگویم که دیده گریان شد
 چه بگویم که آفتاب آنروز
 پشت ابری ز شرم پنهان شد
 به مقام رفیع باغ بقیع
 آنچه ناگفتنی بود آن شد
 در مکانیکه جبرئیل امین
 به هزاران ملک نگهبان شد
 حمله کردند مردمی نامرد
 تلی از خاک آن گلستان شد

۴۵- انگار قلب ما را یکسر کباب کردند

مشخصات

مناسبت تخریب قبور
 سبک ولادتی
 قالب قصیده
 شاعر ناشناس
 منبع بایگانی
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

انگار قلب ما را یکسر کباب کردند
 قبر امام حسن را وقتی خراب کردند
 بار دگر سقیفه بی پرده جلوه گر شد
 در ذهن ها تداعی آتش و پشت در شد
 آن بقعه ها چو می گشت ویرانه وحشیانه
 گویی دوباره زهرا می خورد تازیانه
 یارب صبور تا کی؟ تا چند داغ دیدن؟

یکروز باغ و آتش یکروز دست بستن
 یک روز غنچه چیدن یک روز گل شکستن
 روزی به پشت یک در گهلوی گل شکستن
 یکروز در مدینه نقش جنون کشیدند
 یکروز کربلا را در خاک و خون کشیدند
 یکروز چشم فرزند مادر خمیده دیدن
 یکروز پیش دختر سر پدر بریدن

۴۶- نیست کس غیر از خدا آگاه از سوز نهانم

مشخصات

مناسبت شهادت
 سبک مرثیه
 قالب غزل
 شاعر سازگار حاج غلامرضا
 منبع نخل میثم ۴
 تعداد استفاده ۰

متن شعر

نیست کس غیر از خدا آگاه از سوز نهانم
 خون دل‌هایی که خوردم ریخت بیرون از دهانم
 زهر نا نوشیده قلبم بود مثل لاله پرپر
 بس که آمد بر جگر از دوستان زخم زبانم
 در وطن نه در میان خانه ی خود هم غریبم
 قاتلم گردیده یارب همسر نا مهربانم
 قلب من شد پاره آن روزی که خود در کوچه دیدم
 مادرم نقش زمین گردید پیش دیدگانم
 جعده زهرم داد اما قاتلم باشد مغیره
 بر لب از ظلمی که او کرده چهل سال است جانم
 خون دل‌هایی که زهرا و علی خوردند عمری
 اشک گردید و روان شد از دو چشم خون‌نشانم
 هر کجا افتاد چشمم یا به ثانی یا مغیره
 رنگ از رویم پرید و سوخت مغز استخوانم

من که ختم الانبیا خوانده است طاووس بهشتم
 در میان آشیان چون طایر بی آشیانم
 باغبان گلشن وحیم ولی از بس غریبم
 همنشین خارها در بین باغ و بوستانم
 سوخت یاقوت لبم از زهر و شد معلوم آخر
 از چه پیغمبر ز طفلی بوسه می زد بر دهانم
 گر چه آل مصطفی ظلم فراوان دید «میثم»
 نیست از من هیچکس مظلومتر در خاندانم

۴۷- الا جمال تو حُسن خدا امام حسن

مشخصات

مناسبت شهادت

سبک مرثیه

قالب قصیده

شاعر سازگار حاج غلامرضا

منبع یک ماه خون گرفته (۲)

تعداد استفاده ۰

متن شعر

الا جمال تو حُسن خدا امام حسن
 امام پیش تر از ابتدا امام حسن
 زعیم مملکت بی حدود حضرت حق
 به کلّ خلق تویی مقتدا امام حسن
 تویی محیط کرم ای کریم اهل البیت
 کرامت از تو گرفته بقا امام حسن
 تو آن بزرگ کریمی که دشمن خود را
 عطا کنی به جواب خطا امام حسن
 حریم توست بهشت وسیع قرب خدا
 مزار توست دل انبیا امام حسن
 بقیع تو که درش بسته روز و شب باز است
 هماره بر روی دل های ما امام حسن
 به باغ حسن تو آیات نور گل کرده

ز بوسه های رسول خدا امام حسن
 قلمرو حرم قدست ای غریب بقیع
 بود تمامی ارض و سما امام حسن
 عجب ندارم اگر جبرئیل هر شب و روز
 کند به زائر قبرت دعا امام حسن
 خدا گواست که از وصف جن و انس و ملک
 فراتر است مقام شما امام حسن
 خدا و احمد و حیدر تو را ثنا خوانند
 فضایل تو کجا ما کجا امام حسن
 مضیف خانه ی تو یک مدینه نیست که هست
 دو عالمت همه مهمان سرا امام حسن
 کمال حسن خدایی نبی به امر خدا
 حسن گذاشته نام تو را امام حسن
 تو خود امام حسین استی و امام حسین
 به حضرت تو کند اقتدا امام حسن
 تو چارمین نفر از پنج تن، نه، پنج تنی
 میان مجمع آل کسا امام حسن
 به حسن خلق تو نازم که دشمنت می خواست
 کند به دوستی ات جان فدا امام حسن
 به حق حق که اگر صبر تو نبود، نبود
 قیام زنده ی کربلا امام حسن
 قعود تو ز قیام حسین کمتر نیست
 تو راست نهضت صبر و رضا امام حسن
 حسین بود که ده سال در امامت تو
 به جای پای تو بگذاشت پا امام حسن
 هماره چون پدر خود علی ستم دیدی
 گهی ز غیر و گه از آشنا امام حسن
 نه دشمنت دمی از دشمنی ات دست کشید
 نه دوست کرد به حقت وفا امام حسن
 کجا روم به که گویم که یار کشت تو را
 دورن خانه به زهر جفا امام حسن
 صحابه ات همه تنها گذاشتند ، دگر
 به حضرت تو جسارت چرا امام حسن

همان که فاطمه را کشت روی منبر گفت
 ز کینه بر پدرت ناسزا امام حسن
 یکی به حمله ی ثانی یکی به زهر جفا
 دو بار شد جگرت پاره یا امام حسن
 هزار حیف که یک لحظه لاله باران شد
 جنازه ی تو به تیر جفا امام حسن
 تو در بقیع و دو غاصب درون خانه ی تو
 کجا رواست چنین نا روا امام حسن
 چه زود عهد پیمبر ز یاد امت رفت
 چه خوب حق شما شد ادا امام حسن
 کنار قبر غریبت هماره ممنوع است
 که شیعه بر تو بگیرد عزا امام حسن
 کنار پنجره های بقیع خلوت تو
 نشد که بر تو کنم التجا امام حسن
 ز دور گریه ی «میثم» نثار تربت تو
 تمام عمر به صبح و مسا امام حسن

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در
 دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه
 الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن
 خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره
 الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف
 مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه
 مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹